



## مسیر ارگان مرکزی

جبهه مردم افغانستان «جما»

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین



شماره مسلسل : بیست و دوم

می 2026 میلادی مطابق ثور ۱۴۰۵ خورشیدی

کمیته فرهنگی جبهه مردم افغانستان «جما»



## فهرست عناوین این شماره

1. اول می گرامی باد !
2. بیانیه مشترک اول ماه مه ۲۰۲۶ - پرولتاریایی، سرخ و انترناسیونالیستی
3. بعد از ۷ ثور خونین سرخ،
4. بمناسبت سیاه روز فاجعه بار هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی
5. کودتای ننگین ۷/۲/۱۳۵۷ که عاملین آن فاجعه آفریدند و جنایت گسترده
6. قمار خونین آی اس آی؛ استخدام حربکی های (اربکی) افغان برای جنگ های داخلی پاکستان
7. بخشی از سخنرانی زنده یاد «قیوم رهبر» در کنفرانس سرتاسری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
8. نقدی بر موجودیت تشکل پوشالی موسوم به «جبهه رهایی و همبستگی مردم افغانستان»
9. یاد جانبازان فاجعه چهلستون گرامی باد!
10. عاصیم دیگر این چه قانونیست، چه آئینیست، چه تدبیریست
11. طالب با قنذاق تفنگ به پشتم زد، مردم گفتند زن را چه به خبرنگاری
12. ژوندی پاتی کیدو لپاره د کوچنیان " پلورل " ...
13. کودک فروشی برای زنده ماندن؛ روایت تلخ پدران افغان
14. دیدار روسای دو ابرقدرت چین و آمریکا!
15. یک سفر دیگر به پکن: تفاوت با سفر ترامپ از زمین تا آسمان
16. اخبار و گزارشات از زندان سرباز بنام افغانستان
17. اخبار و وقایع مهم اروپا و جهان
18. پاسخ به پرسش های دانشجویان و علاقمندان جریده مسیر
19. کی جی بی در افغانستان
20. پروژہ ی امپراتوری آمریکا بازی شیطان جلد اول
21. ندای یک مادر داغدار



the global system of capitalist imperialism and its local reactionary servants.

In this land, the worker struggles not only under the yoke of capital but also under the dominance of ethnic and religious chauvinism. Both current and past rulers have prevented the formation of a united workers' front by fueling divisions among Pashtun, Hazara, Tajik, and Uzbek workers.

Regional and global imperialism have turned the labor—and even the blood—of our youth into a commodity; sometimes in damp factories and sometimes in the trenches of proxy wars.

In such a situation, the liberation of the worker can only be achieved by the worker's own hand. No leader, minor official, commander, petty warlord, Emir, or "concerned" international community cares for your calloused hands.

Long live May Day!

With respect,

Ahmad Dehqanzada

May 1, 2026

Afghanistan



# 1

## اول می گرامی باد!

### رفقا، کارگران و زحمتکشان!

من فکر میکنم اول می روز بازخوانی مانیفست خشم لایه‌های محروم و مظلوم جامعه علیه نظام جهانی سرمایه‌داری امپریالیسم و نوکران مرتجع محلی آنهاست. در این سرزمین کارگر نه تنها زیر یوغ سرمایه بلکه زیر سلطه شوونیسم قومی و مذهبی نیز دست و پا می‌زند. حاکمان فعلی و گذشته‌ها با دامن زدن به تفرقه میان کارگر پشتون، هزاره، تاجیک و ازبک، مانع از شکل‌گیری اتحاد کارگران می‌شوند و شدند.

امپریالیسم منطقه‌ای و جهانی، نیروی کار و حتی خون جوانان ما را به کالا تبدیل کرده است گاه در کارخانه‌های نمناک و گاه در سنگرهای جنگ‌های نیابتی.

در چنین وضعیت رهایی کارگر تنها به دست خود کارگر شدنی است. هیچ رهبر، رهبر چه، قوماندان، قوماندان چه، امیر و یا جامعه جهانی دلسوز دست‌های پینه‌بسته شما نیست.

اول می گرامی باد!

باحرمت

احمد دهقانزاده

۱ می ۲۰۲۶

افغانستان

**Long live May Day !**

**Comrades, Workers, and Laborers !**

I believe that May Day is a day to reread the manifesto of anger of the oppressed and marginalized layers of society against



## 2

### بیانیه مشترک اول ماه مه ۲۰۲۶ - پرولتاریایی،

### سرخ و انترناسیونالیستی

### اول ماه مه پرولتاریایی، سرخ و انترناسیونالیستی

در عین حال، تحت پرچم نژادپرستی و سرکوب، جنگی داخلی علیه توده‌های پرولتاریا، مهاجران، علیه اپوزیسیون ضد فاشیست و ضدامپریالیست به راه انداخته است تا ایالات متحده را به یک دیکتاتوری آشکار در خدمت سرمایه بزرگ تبدیل کند و در مقیاس جهانی برای تقویت و متحد کردن تمام نیروهای ارتجاعی، فاشیستی، نازی، استقلال‌طلب و پوپولیستی هر کشوری تلاش می‌کند.

در قبال کشورهای وابسته و تحت ستم امپریالیسم، برای متحد کردن قدرت‌های هژمونیک فعال در میان کشورهای تحت ستم امپریالیسم در ترکیه، هند، برزیل در جبهه خود تلاش می‌کند تا اتحاد برنده در جنگ جهانی جدید تجزیه را ایجاد کند، در حالی که شوونیسم، ناسیونالیسم و بنیادگرایی را پرورش داده و تقویت می‌کند.

امپریالیسم ایالات متحده می‌خواهد از طریق جنگ از بحران و انحطاط خارج شود و سایر قدرت‌های امپریالیستی، بزرگ و کوچک، می‌خواهند از منافع خاص امپریالیستی خود دفاع کنند.

همه اینها منجر به وضعیتی می‌شود که در هر کشوری، دولت‌ها و حکومت‌ها با تجدید تسلیحات، اقتصاد جنگی، تخلیه بحران و هزینه‌های جنگ بر پرولتاریا و مردم، برای شرکت در جنگ مجهز می‌شوند.

نابرابری بین ثروتمندان و فقرا در جهان بیشتر و بیشتر می‌شود، فقر با تشدید بحران اقتصادی جهان، بدتر می‌شود. مسابقه سرمایه‌داران/امپریالیست‌ها برای سود، منجر به فاجعه اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود. به اصطلاح "انقلاب‌های صنعتی سوم و چهارم" نوآوری‌هایی برای توسعه بشریت به ارمغان نمی‌آورند، بلکه ابزارهایی برای انباشت سرمایه بیشتر و بیشتر از طریق سرمایه مالی هستند.

جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی صدها هزار پناهنده ایجاد می‌کنند، فقر و بیکاری، جمعیت‌ها را از مناطق نیمه‌استعماری کشورهای وابسته، تحت ستم امپریالیسم، به کشورهای سرمایه‌داری/امپریالیستی سوق می‌دهد.

طبقات حاکم کشورهای سرمایه‌داری/امپریالیستی، و همچنین کشورهای تحت ستم امپریالیسم، بی‌وقفه تلاش می‌کنند تا خود را از طریق انتخاباتی که هدف آن تغییر چهره دولت‌های در خدمت آنهاست، اما نه ماهیت قدرت، در قدرت نگه دارند. و هر جا که امتناع گسترده از شرکت در انتخابات وجود

علیه امپریالیسم - جنگ امپریالیستی - ارتجاع و فاشیسم - استثمار، بدبختی و ستم بر پرولتاریا و خلق‌ها

برای انقلاب دموکراتیک خلق و انقلاب پرولتاریایی و سوسیالیستی در هر کشوری در سراسر جهان

پرولتاریای جهان اول ماه مه را در شرایطی جشن می‌گیرد که خطر فزاینده یک جنگ امپریالیستی جهانی جدید، که خطر جنگ هسته‌ای را نیز به همراه دارد، در حال افزایش است.

امپریالیسم در حال غرق شدن در باتلاق بحران عمومی است و تمام تلاش‌ها برای غلبه بر آن با شکست مواجه می‌شود. به همین دلیل است که کشورهای امپریالیستی اصلی (ایالات متحده آمریکا/اتحادیه اروپا/روسیه/چین) برای تقسیم جدید جهان می‌جنگند تا کنترل مواد خام و بازارها را در تمام کشورهای جهان به دست آورند.

امپریالیسم روزمره، دولت‌های آن، دولت‌های آن، احزاب پارلمانی آن، و عوامل آن در جنبش کارگری و مردمی، گام‌های مشخصی به سوی این جنگ امپریالیستی جهانی جدید برمی‌دارند.

امپریالیسم آمریکا به ویژه با ریاست جمهوری نازی گونه ترامپ، سطح جنگ امپریالیستی را بالا برده و آن را تشدید کرده است؛ این جنگ پوشش کاملی بر نسل کشی مردم فلسطین داده است. او در این جنگ با تبتانی و رویارویی با امپریالیسم روسیه برای تجزیه اوکراین پیش رفت. سپس، ابتدا حمله به ونزویلا، و اکنون با جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی و صهیونیستی علیه ایران، با هدف سرنگونی دولت‌ها و ایجاد دولت‌های دست نشانده جدید به جای آنها، با مقاومت شدید ملت و مردم در ایران و لبنان روبرو شد.

او جنگ تعرفه‌ای را برای متحد کردن قدرت‌های امپریالیستی اروپایی و همه کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی جهان با برنامه‌ها و منافع خود آغاز کرد و با مخالفت‌ها و توافقات مختلفی که به تضادهای بین امپریالیستی دامن می‌زند، روبرو شد.



امپریالیستی و کشورهای تحت ستم امپریالیسم در مبارزه انقلابی برای سوسیالیسم رهبری کنند.

برای این منظور، لازم است امروز یک مجمع کمونیستی بین‌المللی واحد ایجاد شود که قادر به کمک به رهبری پرولتاریا در کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی و در کشورهای تحت ستم امپریالیسم در این مبارزه باشد و همه نیروهای ضد امپریالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و بخش‌های پیشرفته جنبش‌ها را علیه جنگ، فاشیسم، ارتجاع و سرکوب، نسل‌کشی، ویرانی ارضی و زیست‌محیطی بسیج کند.

امروزه این مرحله ضروری برای پیشرفت در بازسازی جنبش کمونیستی بین‌المللی و یک بین‌الملل کمونیستی جدید است.

جهان با درگیری تاریخی بین جنگ امپریالیستی و انقلاب برای آزادی پرولتاریا و خلق‌ها روبرو است.

آموزه‌ها و شعارهای لنین و مانو واقعاً واضح هستند

لنین

«تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی»

«امپریالیسم طلوع انقلاب جهانی پرولتاریا است»

«فقط یک نوع انترناسیونالیسم واقعی وجود دارد و آن - کار بی‌قید و شرط برای توسعه جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خود، حمایت (با تبلیغات، همبستگی و کمک‌های مادی) از این مبارزه، این و فقط این خط در هر کشوری بدون استثنا»

مانو:

«تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: جنگ‌های عادلانه و جنگ‌های ناعادلانه. همه جنگ‌های مترقی عادلانه هستند و همه جنگ‌هایی که مانع پیشرفت می‌شوند ناعادلانه هستند. ما کمونیست‌ها با همه جنگ‌های ناعادلانه‌ای که مانع پیشرفت می‌شوند مخالفیم. ما کمونیست‌ها نه تنها با جنگ‌های عادلانه مخالف نیستیم، بلکه به طور فعال در آنها شرکت می‌کنیم. جنگ جهانی اول نمونه‌ای از یک جنگ ناعادلانه است: دو طرف برای منافع امپریالیستی جنگیدند و به همین دلیل است که کمونیست‌ها در سراسر جهان قاطعانه با آن مخالفت کردند. راه مخالفت با چنین جنگی این است که قبل از شروع آن، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از آن انجام دهیم، اما پس از وقوع آن، اگر [جنگ] از هم پاشیده باشد، باید با جنگ با جنگ مخالفت

دارد، آنها آشکارا به دولت‌ها و رژیم‌های فاشیستی و دولت‌های پلیسی، دیکتاتورهای آشکار اشاره می‌کنند.

در مواجهه با همه اینها، پرولتاریا‌ها، توده‌های مردم، مردم تحت ستم امپریالیسم، راهی جز تشدید مبارزه، توسعه قیام‌های اجتماعی و مردمی، مبارزات مسلحانه، راه‌اندازی جنگ خلق و جنبش‌هایی با هدف سرنگونی دولت‌های ارتجاعی خدمتگزار امپریالیسم و طبقات حاکم ندارند.

این جنبش‌ها با قدرت و محدودیت‌های خود نشان می‌دهند که هیچ جایگزینی برای مسیر انقلاب وجود ندارد: انقلاب‌های دموکراتیک نوین، انقلاب‌های سوسیالیستی.

ابزار اصلی برای انجام انقلاب، حزب انقلابی است. ایجاد و تقویت احزاب کمونیست، دفاع از آنها در برابر برنامه‌های بورژوازی برای نابودی آنها (به ویژه علیه مائونیست‌ها: عملیات کاکار در هند، سرکوب در فیلیپین، ترکیه و غیره) امروز وظیفه اصلی و کلیدی برای پیشبرد جنبش‌های پرولتاریایی و مردمی در تمام کشورهای جهان می‌باشد.

تنها ایجاد حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست، امکان توسعه جبهه متحد پرولتاریا و خلق و ایجاد ارتش مردمی و پرولتاریا را که برای سرنگونی طبقات حاکم در هر کشور و نظام امپریالیستی در مقیاس جهانی ضروری است، فراهم می‌کند.

احزاب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست باید در آتش مبارزه طبقاتی و در پیوند کامل با توده‌ها، به عنوان دسته‌های پیش‌تاز کارگری، واحدهایی که قادر به رهبری مبارزه پرولتاریا و مردمی، مبارزه سیاسی، در چارچوب کشورهای مختلف هستند، تشکیل و توسعه یابند تا جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی، جنگ خلق را توسعه دهند.

احزاب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست که قادر به تجزیه و تحلیل خطاها و شکست‌های جنبش کمونیستی، چه گذشته و چه امروز، باشند؛ قادر به هدایت تجربه مستقیم پرولتاریا، توده‌ها و جنبش‌های مبارزاتی باشند.

احزاب کمونیستی درگیر در جنگ خلق و همه احزاب و سازمان‌هایی که برای این جنگ و برای انقلاب فعالیت می‌کنند، باید در مبارزه‌ای مداوم علیه رویونیسم و «چپ‌گرایی»، برای ساختن سازمان کمونیستی بین‌المللی، یک سازمان بین‌المللی متحد، تحت پرچم مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم، نقش پیش‌تاز ایفا کنند تا پرولتاریا و توده‌های مردم را در کشورهای سرمایه‌داری،



بربریتی را که تنظیم های جهادی، جنبش دوستم که از قبرغه چپ حزب دموکراتیک بیرون شده بود و دیگر اعضای خائن به این حزب که با مجاهدین پیوسته بودند، در کابل به راه انداختند، شاید در تاریخ این سرزمین دیده نشده باشد.

نسل جوانی که در آن زمان هنوز به دنیا نیامده بودند و یا هنوز کودک بودند برای اینکه به درجه جنایت و بربریت آنزمان پی ببرند میتوانند تصاویری از غزه را ببینند. کابل در آن سال ها شبیه غزه بود از هر طرف بالای مردم بمب و راکت میبارید، مانند غزه هفتاد هزار نفر را به قتل رساندند، البته با این تفاوت که در غزه در هر کوچه یک پاتک برای خالی کردن جیب مردم نبود، مردم مجبور نبودند ساعت بند دست و بایسکل خود را دوباره بخرند و دارایی های مردم و بیت المال غارت نمیشد.

وضعیت هولناکی را که مجاهدین به منظور برقراری حکومت اسلامی در افغانستان بوجود آورده بودند، چنان مردم را به تنگ آورد که حتی از یگ گروه تاریکتر، اسلامی تر و خرافاتی تر از مجاهدین استقبال کردند. استقبالی که در واقع استقبال از طالبان نبود، استقبال از گم شدن تنظیم های جهادی و خلاص شدن از شر آنها بود.

و حتی هنوز هم ترس دارند که اگر از نکبت طالب که از شکم مجاهد برآمده نجات بیابند مبادا دوباره به نکبت مجاهد سر دچار شوند.



معشوق رحیم

کرد، و در صورت امکان با جنگ ناعادلانه با جنگ عادلانه مخالفت کرد.»

حزب الکادی هینس - تونس

حزب کمونیست (مانوئیست) افغانستان (CMPA)

حزب کمونیست نپال (باهومات)

حزب کمونیست سوئیس

حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست-لنینیست (TKP-ML)

وحدت کمونیستی - فرانسه

اتحادیه کارگری کمونیست (MLM) کلمبیا

حزب (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا

کمیته کمونیست مانوئیست برزیل

حزب کمونیست مانوئیست - ایتالیا

حزب پرولتاریای پوربو بنگلا (PBSP/بنگلادش)

راه سرخ ایران (گروه مانوئیست)

حزب کمونیست انقلابی نپال

گروه یونشوینو - چین

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست-مانوئیست، عمدتاً مانوئیست)

پرچم گروه کمونیست سود/کره

ویرایش اخبار گونگ (چینا) - روزنامه انقلابی کارگری لال موریچ - بنگلادش

جبهه مردم افغانستان «جما»

### 3

#### بعد از ۷ ثور خونین سرخ

بعد از ۷ ثور خونین سرخ، ورق برگشت، نه به پیش، به عقب، به دوران بربریت و وحشیگری.

۸ ثور سیاه آغاز شد و انفجار نکبت بنیادگرایی اسلامی و دین زدگی به وقوع پیوست.

انفجار وحشیگری، بربریت و بی بندوباری که در آن طرف مرز های جنوبی و غربی کشور کشت و غنی سازی شده و به افغانستان صادر شده بود.



## 4

### بمناسبت سیاه روز فاجعه بار هفت ثور

#### ۱۳۵۷ خورشیدی

هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی سیاه روزی که در تداوم آن شش جدی ۱۳۵۸ خورشیدی (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی)

با هجوم قشون سرخ در افغانستان رقم خورد .

به گواهی تاریخ مرقوم افغانستان و منطقه پیش زمینه های اشغال افغانستان قبل از هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی با توجه به حرص و طمع زمامداران دوران شوروی سابق که از نمونه های آن ارسال میلیون ها روبل تحت نام کمک های اقتصادی و نظامی بین سال های ۱۳۳۴ خورشیدی تا ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۵۵-۱۹۷۸ میلادی) در دوران حکومت ظاهر شاه و داوود خان می باشد.

ششم جدی مصادف است با چهل و هفتمین سالروز هجوم قشون سرخ شوروی سابق به افغانستان. به باور ما و بسیاری افغان ها، ورود نیروهای شوروی به تاریخ ششم جدی سال ۱۳۵۸، در کنار سایر عوامل سرآغاز جنگ های خونین در افغانستان بوده و تاکنون این فاجعه جنایت بار ادامه دارد .

در ۶ جدی ۱۳۵۸ ش (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ م) به فرمان لئونید برژنف رهبر شوروی، سپاه چهلیم این کشور از طریق مرزهای شمالی وارد افغانستان شد و در دوران میخائیل گورباچف آخرین رهبر شوروی و براساس توافق ژنو (حمل ۱۳۶۷ خورشیدی مطابق اپریل ۱۹۸۸ میلادی) عقب نشینی نیروهای شوروی در ۲۵ ثور ۱۳۶۷ خورشیدی مطابق (۱۵ می ۱۹۸۸ میلادی) آغاز و آخرین گروه در ۲۶ دلو ۱۳۶۷ خورشیدی مطابق (۱۵ فبروری ۱۹۸۹ میلادی) از افغانستان خارج شدند.

با ورود نیروهای شوروی به کابل، حفیظ الله امین سفاک رئیس جمهور دست نشانده رژیم کودتا ثور، که چندی قبل استاد خود "تره کی" را در خواب با گذاشتن بالشت در دهانش خفه نموده و قدرت را تصاحب نموده بود. حالا به حکم همان های که قدرت را تصاحب نموده بود با خوراندن زهر نزد استادش فرستاده و شاه شجاع ثانی ببرک کارمل را در اریکه قدرت نصب نمودند . ببرک طی ایراد یک بیانیته رسمی و دیکته شده از آن طرف مرزهای شمال خود را رئیس جمهور معرفی و قدرت را به دست گرفت. پیامد این تجاوز ننگین شوروی به افغانستان گور های دسته جمعی ،

کشتار و قتل هزاران انسان بیگناه ، بیوه و یتیم ساختن هزاران زن و اطفال ، معلولیت هزاران جوان ، کوچ و مهاجرت های اجباری میلیون ها افغان و..بود. و یکی از پیامد های دیگر آن رشد بنیادگرایی اسلام سیاسی بود، که در تیبانی سازمان های استخباراتی امریکا "سیا" شوروی "کی جی بی" و پاکستان "آی اس آی" شکل داده شد ، که تاکنون ادامه دارد.

روز ششم جدی را می توان روزی دانست که ارتش سرخ در افغانستان رسماً وارد عمل شد و در اولین اقدام این نیروها ، حفیظ الله امین رئیس جمهوری دست نشانده خودکامه، خود را در قصر تپه تاج بیک دارالامان کشتند. با این اقدام حکومت صد روزه امین که از آن بعنوان شدیدترین دوران اختناق یاد میشود ، تغییر شکل داده از شکل انتقام گیری های فردی و آنارشستی به شکل سیستماتیک و هدفمند تحت مدیریت جناح پرچم "حزب نا دموکراتیک خلق" به رهبری ببرک کارمل "شاه شجاعی ثانی" به اوج خود رسیده و در مدت یک دهه تا آنجا که در توانشان بود و دستان کثیف شان می رسید روشنفکران و افراد دیگر اندیشه را کشتن و زیر انبار و تل های خاک نمودند.

حدود ۱۱۰ هزار نفر از نیروهای لشکر ۴۰ شوروی نزدیک به ۱۰ سال در افغانستان جنگیدند تا این حزب مزدور و وابسته را برای رسیدن به اهداف شوم شان کمک کنند، افغانستان وابسته و عقب مانده با ساز و برگهای ریویزیونیستی و ارتجاعی بسازند. با ترویج فحشا و فساد اخلاقی و تخریب فرهنگ و ارزشهای فرهنگی خواستند جامعه ما را از هویت فرهنگی آن تهی سازند . برعکس تحت نام مبارزه با خرافات و ارتجاع به تقویه و رشد سرطانی آن هزینه های بزرگ نمودند که تاکنون ما شاهد آن هستیم.

پس از ده سال وقتی لشکر ۴۰ شوروی افغانستان را ترک می کرد، ۱۵ هزار تن از کسانی که باید با آنها باز می گشتند، دیگر زنده نبودند. و آنچه به جا گذاشتند کشور ویرانی بود که هنوز در آتش جنگ بی پایان می سوخت.

خسارتهای مالی این ابر قدرت که در آن زمان از سوی ریویزیونیستها ایدئولوگ اداره می شد، چون راز سر به مهر پنهان ماند و آنچه از تلفات افغانها بر سر زبانها افتاد:

**بیشتر از یک میلیون کشته، بیشتر از سه میلیون زخمی و معلول و میلیونها انسان آواره. صد ها هزار بیوه و یتیم بجا ماند.**



قرار می گرفتند . در عین حال اما ، عقایدی از این دست ، بیش از هر جریان دیگری باعث ترس و وحشت نیروهای نوپای بنیاد گرا بودند، و عموماً با برخورد های واکنشی آنان رو به رو می شدند . بنیاد گرایان اسلامی، در سراسر مناطق اسلامی ، مبارزه ی سازمان یافته و تجهیز شده ی را ، نه تنها در قلمرو زندگی روشنفکری، بلکه در کوچه ها و خیابان ها علیه صاحبان این عقاید پیش بردند. در طول چند دهه ای که این مبارزه ی خشونت بر علیه ملی گرایی عرب، همچنان که علیه ملی گرایی پاکستان، ترکیه، هندوستان و ایران ، جریان داشته، ایالات متحده همکاری نزدیک با طیف راست اسلامی را سرلوحه ی سیاست خود قرار داده است.

گزارش های ناگفته ای است از سیاست های آمریکا که در شصت سال گذشته به بیراهه رفته و هدفش توسعه و تقویت طیف راست اسلامی برای تامین سلطه اقتصادی و استراتژیک آمریکا در خاورمیانه ی زرخیز بوده است.

**رابرت دریفوس، با مطالعه ای وسیع روی اسناد، و مصاحبه با معماران سیاست ، کارگزاران " سی آی ا " ، ماموران دفاعی و مقام های سیاست خارجی ، این واقعیت را مورد بحث قرار می دهد که وحدت تاریخی آمریکا با طیف راست اسلامی ، مسبب اصلی ظهور تروریسم در دهه ی نود است. دریفوس افشا می کند که در میان ساخت و پاخت ها و تبتانی های تاریخ محرمانه ی ایالات متحده با تندروهای اسلامی ، ملاقات مخفیانه ی آیزنهاور با رهبر اخوان المسلمین در سال ۱۹۵۳ میلادی، اتحاد مخفیانه ی بعدی ایالات متحده با این گروه و پشتیبانان سعودی آنان علیه جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر، نقش حساسی در این معماری داشته است . نویسنده ، با دقت و وسواس علمی ثابت می کند که چگونه سازمان جاسوسی ایالات متحده " سی آی ای " برای بازگرداندن شاه به ایران از طریق کودتای نظامی ( ۱۹۵۳ / ۱۳۳۲ )، آیت الله های ایران را می خرد ، به عربستان سعودی برای ایجاد بلوک جهانی اسلامی علیه جنبش های ملی عربی کمک می کند، و رابطه ای گسترده و پویا میان بنیادگرایان اسلامی و بانک های بزرگ غرب به وجود می آورد .**

رابرت دریفوس "در کتاب بازی شیطان"، به ترتیب وقوع حوادث تاریخی را شرح میدهد چگونه زمانی که سرویس محرمانه ی اسرائیل از ایجاد گروه تندرو حماس در فلسطین حمایت کرد ، ایالات متحده چشمش را بست ، و چگونه طراحان محرمانه ی استراتژی آمریکا، در دهه هفتاد اسلام سیاسی رادرد خدمت خود کشف و فعال کردند تا ارتشی را به

روسها بعد از ده سال حضور از افغانستان رفتند، اما آنچه که هنوز از این کشور نرفته، جنگ است . طوری که در بالا اشاره نمودیم دکترین نظامی روسیه با درس آموزی از ناکامی و سرافکندگی شان در مدت ده سال حضور فعال در افغانستان طور عمل نمودند که شعله های این جنگ و خونریزی بعد از خروج شان ، برای دهه های متمادی مشتعل نگه داشته شود . هیزم و مواد سوخت کافی برای ادامه جنگ از خود بجا ماندند . تشدید تضاد های قومی ، زبانی ، سمنی ، ترویج فرهنگ ملیشه سازی، گسترش سیاست های تفرقه انداز و حکومت کند ! تحت نام مبارزه با خرافات ، بازی با اعتقادات سنتی مردم سرکوب ملا امامان و علمای دینی، که در نتیجه باعث رشد اسلام رادیکال و بنیاد گرایان تروریست و اسلامیت های تندرو و بنیاد گرا شد . که در نتیجه در داخل و بیرون از مرز های افغانستان هزاران مدرسه برای آموزش و پرورش تروریستان ایجاد شد. که از جانب سازمان استخباراتی " سیا " و شیخ های عرب تمویل مالی و حمایت می شدند . و از جانب سازمان استخباراتی " آ اس آی " پاکستان آموزش و پرورش داده می شدند.

پس از تجاوز شوروی، مردم افغانستان به دلیل افزایش اختلافات قومی و سمنی زبانی ، دینی و تنظیمی و با پیشه کردن بازی به سیاست و اعتقادات سنتی مردم عام و از جانب دیگر حمایت گسترده سازمان " سیا " آمریکا از نیروهای تندروی مذهبی «بنیادگرا های اسلامیت» در جریان جنگ با شوروی نتوانستند روی صلح و آرامش را ببیند. سازمان " سیا " و " ام آی سکس " از دهه های پنجاه میلادی بعد از ختم جنگ دوم جهانی و بعد از پیروزی انقلاب اکتبر جهت ایجاد سد پیشروی و گسترش نفوذ کمونیسم پولهای هنگفتی را بالای اسلامیت های بنیادگرا هزینه نموده بودند.

نکته بسیار مهم سازمان " سیا " امریکا و " ام آی سکس " انگلیس از دهه چهل بعد از ختم جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از گسترش نهضت های ملی و آزادی بخش خلق ها در جریان جنگ سرد ؛ (از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ میلادی)، دشمن فقط اتحاد جماهیر شوروی نبود. بنا به قوانین مانوی ها در عصر خود، ایالات متحده از رهبرانی که با صمیمیت کافی تن به پذیرفتن برنامه های آمریکایی نمیدادند، یا با غرب و بخصوص ایالات متحده بر سر سلطه کامل درگیر می شدند ، هیولا می ساخت. ایدئولوژی ها و نقطه نظر هایی که اینگونه رهبران را می ستودند، با برچسب های ملی گرا، انسان گرا ، سکولاریسم و سوسیالیسم ، مورد سوء ظن



آزادی ، عدالت ، برابری ، نجات و شعار های فریبنده مانند :  
مردم متحد افغانستان ، ما افغانستان را نجات میدهیم و...  
نموده اند .

[ جبهه رهایی و همبستگی مردم افغانستان ] نهادی است  
فراقومی، فرا ایدئولوژیک و مبتنی بر اراده مشترک  
شهروندان؛ نهادی که حضور احزاب سیاسی، جریان های  
سیاسی، سازمان های اجتماعی و فرهنگی، نهادهای مدنی،  
اتحادیه ها، انجمن ها، شخصیت های مستقل سیاسی، زنان،  
جوانان و تمامی نیروهای وطن دوست را در کنار هم  
می پذیرد و آن را شرط اصلی برای قالب بندی یک نیروی  
بالقوه سیاسی به مثابه کلید بحران سیاسی افغانستان می  
پندارد. ]

مردم داغدار و درد دیده افغانستان شاهد زنده عملکردهای  
شما شیدان تاریخ از زمان وقوع کودتای فاجعه بار ثور  
تاکنون بوده و هستند . شما این آرمان را به گور خواهد  
بردید . همه شعار ها و اصطلاحات را که شما فعلا طوطی  
وار استفاده میکنید ، قبلاً در عمل در بوته آزمایش قرار  
گرفته است . و در نزد مردم ناکام و روسیاه هستید .

هموطنان شرافتمند و گرامی !

در هر گوشه از جهان که هستید نباید در مقابل این جواسیس  
و مادر فروشان پرچمی - خلقی و خادیسیت های آدمکش و  
شکنجه گران اکسایبی و کامی ان سکوت اختیار کنید . هویت  
کثیف این تفاله ها و توله ها را باید افشا نمود و از  
اجتماعات شان در جمع افغانهای شرافتمند و داغدار  
جلوگیری نماید . نگذارید که یک با دیگر این شیدان مفسد  
بر سرنوشت مردم ما تجارت خون و گوشت نمایند . نفرین و  
تنگ بر آنهایی که از این توله ها حمایت و دفاع مینمایند .  
باحرمت " صد "



نیابت خود برای جنگ علیه ارتش سرخ اتحاد شوروی در  
افغانستان برپا کنند :

ارتشی که به سمت ظهور طالبان ، القاعده ، داعش به حرکت  
در آمد و هدایت شد .

این نکته را نباید فراموش کنیم یکی از چالش ها و کمبودات  
نیروی های چپی در سراسر جهان نبود تکیه گاه و پشتوانه  
قوی یا به عبارت دیگر اردوگاهی سوسیالیستی است .

احزاب ، سازمان ها و نیروهای ملی و مترقی که ادعای راه  
اندازی انقلاب را دارند در سطح بین المللی فاقد تکیه گاه و  
پشتوانه قوی هستند . سازمان " سیا " امریکا و " ام آی  
سکس " انگلیس همراه با سلاطین نفت سعودی بیش از  
شش دهه هزینه برای سرکوب جنبش های ملی و آزادیبخش  
نموده و ما در عمل می بینیم که در اقصی نقاط جهان با اعزام  
و استخدام بنیادگرایان اسلامیت با چی قساوت و بی رحمی  
جنبش های آزادیبخش را سرکوب و قلع و قمع میکنند .

بنابراین به قضایا و جنگهای نیابتی که هر چند گاهی از  
جانب این شیدان تاریخ و مجریان محلی آنها شعله ور  
ساخته می شود نباید یک جانبه و سطحی برخورد نمود .  
تداوم جنگ در افغانستان جز حلقه ، و مرتبط به جنگهای  
عراق ، سوریه ، غزه ، فلسطین ، لبنان ، یمن ، شاخ آفریقا ،  
سومالی ، تانزانیا ، پاکستان ، ایران ، یغورها ( مردمی ترک تبار  
ساکن ایالت سین کیانگ یا ترکستان شرقی در شمال غرب  
کشور چین هستند ) ، چین ها ، اوکراین ، کره جنوبی ،  
گرجستان ..... میباشد .

نکته جالب و طنز تلخ تاریخ که تفاله های سوسیال خور  
غرب ( همان کشورهای امپریالیستی که در زمان کودتای  
فاجعه بار هفت ثور ، کودتاچیان توده های مردم افغانستان را  
بخاطر گرفتن نام این کشورها و شنیدن اخبار " بی بی سی "  
جوخه جوخه به پلیگون ها بردند و تا امروز اثری از زنده یا  
مرده شان نیست ) باند منفور پرچم - خلق بعد از چند دهه  
تسخوار و چریدن در طویله ها و چراگاه های پر زرق و برق  
این کشورها با هزاران دروغ و جعل بدون کمترین احساس  
شرمندگی و پوزش خواهی از مردم داغدار و دردمند  
افغانستان با استفاده از شرایط آشفته سیاسی که ناشی از  
پیامد های جنایتکارانه این باند منفور است . یکبار دیگر  
دست به اغفال و فریب مردم زدند و به ضم خودشان جبهه  
پوشالی تحت نام " جبهه رهایی و همبستگی مردم  
افغانستان " را در طویله ها و چراگاه های غرب ( لندن )  
ایجاد و با شعارهای کذابی و اصطلاحات که قبلاً توسط خود  
این خُل های مادرزاد ترور شده است ؛ اصطلاحاتی مانند :



## 5

### کودتای ننگین ۷/۲/۱۳۵۷ که عاملین آن فاجعه آفریدند و جنایت گستریدند

روسی شان بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ به منظور نجات رژیم به میهن عزیز ما تجاوز نظامی نموده به تشدید بحران و مداخلات رقبای خود افزودند، این تجاوز که با سرا زیر شدن قشون اشغالگر آغاز گردید نه تنها موفق به نجات رژیم از خشم روزافزون مردم شده نتوانست بلکه خشم و نفرت بی پایان خلق کبیر و جنبش های ملی و انقلابی میهن را نیز بر انگیخت و خود نیز در این گودال فرو رفتند، زیرا در هر گوشه و کنار کشور جنگ های آزادی خواهی به اشکال گوناگون تشدید و گسترش پیدا نموده که با سوءاستفاده از این وضع مداخلات بیگانگان هرچه بیشتر گردیده کمک های مالی و نظامی وسیع و همه جانبه به پاکستان سرزیر شده تنظیم های اخوانی مستقر در آن کشور را مسلح و بخاطر جنگ علیه روس ها و دولت دست نشانده آن به افغانستان اعزام نمودند.

اگرچه این جنگ ها در بعضی موارد جهاد نامیده می شود، اثرات زیانباری به زیر ساخت های اقتصادی کشور وارد و در حدود دو میلیون انسان را بکام مرگ فرو برده است که خانواده ها و اقارب این شهدای گلگون کفن جنایات باند دموکراتیک خلق و سایر گروه های قاتل و جنایت پیشه و قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی حامی آنها را نه تنها فراموش نخواهد کرد بلکه هرگز نخواهد بخشید.

جنگ و پیکار عادلانه آزادیخواهی و در کنار آن جنگ های ستمگرانه و ابلهانه بعضی از گروه ها و تجاوز به مال و ناموس مردم و همچنان توطئه و دسایس رنگارنگ علیه نیروهای انقلابی جهت در هم کوبی مقاومت عادلانه شان مدت ۱۴ سال یعنی از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ ادامه پیدا نمود.

اما با وجود این همه عیوب و نابسامانی های موجود در سنگر پیکار عادلانه خلق باز هم موفق گردیدند که جانانه مقاومت نموده دلیرانه برزمنند که از اثر آن امپریالیسم روس با تحمل خسارات مالی هنگفت و جانی فراوان در برج دلو ۱۳۶۷ با سر افگندگی شکست ذلت بار را پذیرفته خاک پاک میهن ما را ترک و رژیم مزدور آن نیز به تاریخ ۸ ثور ۱۳۷۱ سقوط نمود. این شکست سرآغاز فروپاشی نظام سوسیال امپریالیستی شوروی و اقمار آن در جهان بشمار میروید، بهمین اساس رقیب عمده آن امپریالیسم امریکا خود را فاتح جنگ سرد قلمداد می نماید.

اگرچه شکست سوسیال امپریالیسم روس و دولت دست نشانده آن یک دست آورد بزرگ و پر افتخار برای مردم، نیروهای انقلابی و مجاهدین اصیل محسوب میشود، ولی آرمان و آرزوهای والای خلق زحمتکش و جنبش های انقلابی طوری که انتظار داشتند بر آورده نشده مایوس و نا

۴۸ سال قبل از امروز به تاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ کودتای خونین به دستور سوسیال امپریالیسم روس و بوسیله باند مزدور آن یعنی «دموکراتیک خلق» در میهن عزیز ما به وقوع پیوست که اثرات شوم و مصیبت بار آن تا کنون مردم افغانستان را رنج و عذاب میدهد.

رقابت قدرت های بزرگ امپریالیستی یعنی دوران جنگ سرد، بر سر تقسیم جهان باعث گردید، این کودتا که مقدمات آن با کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ فراهم گردیده بود در جهت تامین اهداف توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم روس در افغانستان به پیروزی نایل گردد. کودتاچیان با حمایت بی دریغ مالی، نظامی و سیاسی اربابان خویش چنان جنایاتی را تحت نام انقلاب مرتکب گردیدند که حتی حیوانات، پرندگان مزارع، باغ ها و جنگلات از شرشان در امان باقی نماند.

این باند مزدور و قدرت طلب بمجرد تکیه زدن بر اریکه قدرت در نخستین اقدامات خاناناه شان به قلع و قمع مخالفین پرداخته تعداد زیاد هموطنان عزیز ما را که مشی وطن فروشانه شان را نمی پذیرفتند، اسیر و در گور های دسته جمعی در پلیگون پلچرخ کابل و سایر ولایات زنده مدفون نمودند. با این اعمال زشت و پلید کودتاچیان تعداد زیاد از مردم افغانستان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود گردیده بر ایران و پاکستان و قسماً به سایر کشورها مهاجرت کردند. اکثریت مخالفین رژیم که عمداً عناصر اخوانی بودند به کشور های همسایه پناهنده شده با استفاده از کمک های مالی و نظامی امپریالیسم امریکا و سایر دول سرمایه داری و ارتجاعی تقویت و تجهیز گردیده زیر نام جهاد به افغانستان فرستاده شده در عین حال زمینه جنگ های داخلی را نیز فراهم نمودند.

نیروهای انقلابی و مترقی که نخستین و عمده ترین مخالف رژیم کودتا محسوب می گردیدند، با تحمل تلفات و قربانی های فراوان و با در نظر داشت وضعیت نا هنجار امنیتی و سیاسی بمبارزه مخفی رو آورده، پس از حل اختلافات متحد و منسجم گردیده علیه باند وطن فروش جهاد مقدس و پیکار عادلانه ای آزادیخواهی را آغاز که در اثر ضربات پی در پی و قیام های توده ای مانند قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات، قیام بامیان، چنداول کابل، پکتیا، بالاحصار کابل و غیره... رژیم منحوس کودتا را در آستانه سقوط قرار داده بود که اربابان



است با انحصار قدرت استبداد دینی، قومی و جنسیتی و تنفیذ فرامین جاهلانه کشور را به قهقرا سوق داده جوانان را از نعمت علم و دانش محروم و زنان و دختران را جبراً خانه نشین نموده مانع تحصیل و کار آنها میشوند. فقر و بیکاری و بی عدالتی و جهالت در جامعه بیداد می کند اگر جلو آن گرفته نشود نه تنها جامعه افغانی را به دوره بردگی سوق خواهند داد بلکه با رشد باند های تروریستی مانند جمهوری اسلامی ایران خطر جدی کشور های همسایه و حتی جهان را نیز تهدید خواهد نمود. بناً جلو واقعه را قبل از وقوع باید گرفت. این گروه ستمگر افراد بی گناه را که مطابق میل خودشان رفتار نه نماید در محضر عام شلاق می زنند، چنانچه در دوران بردگی نیز برده داران برده های خود را شلاق می زنند. حاکمیت این گروه با دوران بردگی تفاوتی ندارد.

از این بحث که از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ آغاز و تاکنون بطور فشرده ادامه یافت چنین نتیجه حاصل میشود که این کودتا آنچه را به مردم افغانستان به ارمان آورده است تداوم جنگ، خون ریزی، بی عدالتی، فساد و استبداد دینی و قومی و همچنان ویرانی کشور، آوارگی مردم، رشد باند های مافیایی و تروریستی توأم با مداخلات خارجی بوده است، دیگر اینکه انقلاب واقعی مردم افغانستان را به قرن ها به تعویق افکند، زیرا این جنایتکاران و اربابان روسی شان نخست تحت عنوان انقلاب، سوسیالیسم و دموکراسی و غیره واژه های مترقی جنایت آفریدند و مصیبت گستریدند و توده های مردم با شنیدن این واژه ها اعمال ضد انسانی و ضد انقلابی خلقی ها و پرچمی ها، زندان پلچرخی، شش درک، ریاست تحقیق و پلیگون پلچرخی بیادشان آمده از آن متفر میشوند.

اما با وجود این همه جنایات و خیانت های علنی و آشکار یک عده از هواداران همچو گروه ها از رهبران خاین و جنایت پیشه خود در رسانه های اجتماعی توصیف و تمجید می نمایند بخصوص در مورد ببرک تزارمل، سلطان علی زشتمند، امین جلا، نجیب گاو و ترکی رهبر نا توان ابراز نظر کرده آنها را رهبر زحمتکش قلمداد می نمایند اما فراموش کرده اند که این جیره خواران اجنبی چه تعداد کارگر و دهقان و اهل کسبه را در پلیگون پلچرخی زنده بگور نموده اند.

نیروهای ملی و انقلابی و جنبش های روشنفکری میهن با وجود همه موانع و مشکلات به کار و پیکار انقلابی خویش با امکانات محدود ادامه داده رسالت تاریخی خویش را در قبال میهن و مردم با صداقت و شایستگی ایفا نموده اند که پیشگام و پیشاهنگ این مبارزات آزادیخواهانه و عدالت محور بر علاوه سایر نیروها سازمان آزادیبخش مردم

امید گردیده اند، زیرا نفوذ باند های تروریستی و عناصری معینی از شبکه های استخباراتی امپریالیسم و ارتجاع و بقایای باند دموکراتیک خلق در صفوف جهاد زمینه جنگ های جاه طلبانه و خودخواهانه در شهر کابل را مساعد نمودند که این شهر زیبا را که تا حدودی از شر جنگ های قبلی در امان مانده بود، به ویرانه مبدل و ۶۵۰۰۰ کابلی را بکام مرگ فرو بردند. این جنایات و جنگ های ویرانگر اعتبار تنظیم های اخوانی را هم در نزد مردم و هم در نزد اربابان شان خدشه دار و شرایط را برای رشد و تقویت باند جدیدی تروریستی بنام طالبان در پاکستان «که به لانه تروریستان بین المللی مبدل شده بود» فراهم نمودند که در سال ۱۳۷۵ با حمایت و رهنمایی ای اس ای پاکستان کابل را اشغال و دولت استاد ربانی به شمال کشور عقب نشینی نمود.

حاکمیت دور اول طالبان با خلع سلاح مجاهدین و ترویج فرهنگ جهل و جهالت، نفاق افکنی قومی و مذهبی، دشمنی با هنر و فرهنگ و خصومت جاهلانه با دانش و تحصیل دختران و کارخانم ها در بخش خصوصی و دولتی آغاز و با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی در آمریکا به پایان رسید.

۲۰ سال حاکمیت نظام جمهوری که در کنفرانس «بن» شکل گرفت با کمک های اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه جهانی و بویژه ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، کانادا و غیره تا حدودی موفق گردید خرابی های جنگ را باز سازی و زمینه روند دموکراتیزه سازی جامعه را نیز فراهم نماید ولی با گماشتن عناصر فاسد و ضد دموکراتیک در راس قدرت و ادارات کلیدی دولت نه تنها دموکراسی بشکل واقعی آن نهادینه نشده بلکه با جعل و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و نقض قوانین نافذ کشور، دموکراسی فاقد اعتبار و حیثیت گردید بدین ترتیب با گسترش فعالیت های تروریستی و عملیات های انفجاری و انتحاری، فساد اداری و اخلاقی نیز در سطح رسوا کننده آن ارتقا یافت تشدید بحران های سیاسی و اقتصادی و ناتوانی دولت در امر رفع بحران و ناامنی، آمریکایی ها ناگزیر به مذاکرات مستقیم با باند تروریستی طالبان «که به بهانه مبارزه با آنها به کشور ما هجوم آورده بودند.» گردید. اگرچه این مذاکرات مدت دو سال بطول انجامید ولی منجر به صلح واقعی در کشور نگردید. زیرا توطئه جهانی علیه مردم افغانستان طراحی و در قرارداد «دوحه» تصویب و عملی گردید. که براساس آن نظام جمهوری با همه دستاورد های آن ساقط و باند تروریستی طالبان مجدداً قدرت سیاسی را با حمایت اربابان امریکایی و پاکستانی خویش غضب که مدت پنج سال



در سیاست‌های تقابل مستقیم با حکومت فعلی کابل، بار دیگر به دکترین قدیمی خود یعنی جنگ‌های نیابتی روی آورده است. در این سناریو، پاکستان قصد دارد جبهه‌ای تازه از افغان‌های پناهجو و نظامیان پیشین که در قالب (حریکی) اربکی فعالیت داشتند، تشکیل دهد تا آن‌ها را در ایالت‌های پرآشوب بلوچستان و خیبرپختونخوا در برابر ارتش آزادی‌بخش بلوچستان و تحریک طالبان پاکستان قرار دهد.

این اقدام فراتر از یک تغییر تاکتیک نظامی، در حقیقت یک بهره‌کشی سیستماتیک و غیر انسانی از وضعیت شکننده و آسیب‌پذیر پناهجویانی است که به دلیل تحولات سیاسی اخیر به خاک پاکستان پناه برده‌اند و اکنون در میان دو سنگ آسیاب یعنی خطر اخراج اجباری و یا تبدیل شدن به مزدوران جنگی گرفتار شده‌اند.

این وضعیت نشان می‌دهد که ارتش پاکستان با هوشمندی استخباراتی، در حال انتقال هزینه‌های جاتی و سیاسی جنگ از بدنه نیروهای خود به دوش افغان‌هاست. آن‌ها با استفاده از اهرم‌های فشار نظیر صدور مجوز اقامت برای خانواده‌های این نظامیان در ازای حضور پدران و پسرانشان در خطوط مقدم نبرد، یک معامله خونین را رقم زده‌اند. این نیروها که روزگاری در خاک خود برای امنیت و ثبات افغانستان می‌جنگیدند، اکنون به ابزاری در دست دستگاه استخباراتی پاکستان تبدیل شده‌اند تا گوشت دم توپ در رویارویی با مخالفان مسلح این کشور قرار گیرند، این پارادوکس تلخ تاریخی نشان‌دهنده استیصال و فقدان گزینه‌های جایگزین برای نظامیان سابق است که اکنون باید در جبهه‌ای بجنگند که هیچ ارتباطی به منافع ملی، خاک و آرمان‌های میهنی آن‌ها ندارد. در واقع، هر قطره خونی که از این سربازان در کوه‌های بلوچستان یا دره‌های وزیرستان ریخته شود، تنها تضمین‌کننده امنیت جنرال‌های پاکستانی است که در اتاق‌های امن خود در راولپنڈی نشسته‌اند.

منبع: خبرگزاری سریع.

تبصره:

مثلت خباثت (فاشیسم قبیله‌ای، امپریالیسم منطقه‌ای و بازار مزدوران جنگی)  
رژیم فعلی نه یک حکومت مستقل، بلکه تجلی شوونیسم حاکم در پیوند با مناسبات ماقبل سرمایه‌داری است که سیاست‌های داخلی‌شان از حذف زنان تا آپارتاید جنسیتی و ستم ملی بر هزاره‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها، ابزاری برای تثبیت قدرت یک لایه نازک از فنودال‌های قبیله‌ای است.

افغانستان «ساما» بوده است این پیشگامی و نبرد عادلانه از همان روز‌های نخستین کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ علیه باند مزدور و جیره خور روس با درایت و ابتکار انقلابی «ساما» و رهبر گرانقدر آن جسورانه به اجرا درآمده که در جریان این مبارزه حق طلبانه بزرگترین رهبران و عزیزترین کادرها و شایسته‌ترین چریک‌های شهری و روستایی خویش را به پیشگاه خلق قهرمان قربانی داده است.

با توجه به همه نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که در جامعه حاکم است و روز تا روز به تشدید بحران و تنش‌های قومی می‌افزاید از تمامی گروه‌های سیاسی، جامعه مدنی، نیروهای ملی و انقلابی و جنبش آزادی‌بخش زنان میهن تقاضا می‌نمایم تا هر کدام به سهم و نوبه خویش در امر وحدت ملی که شدیداً خدشه دار گردیده است تلاش ورزیده اختلافات را کنار گذاشته بمنظور نجات میهن و مردم از شر هیولای تروریسم و افراط‌گرایی جبهه آزادیبخش ملی افغانستان را تاسیس و در چوکات آن به مبارزات وسیع و همه‌جانبه علیه باند‌های تروریستی و اربابان امپریالیستی و ارتجاعی‌شان ادامه داده دین و رسالت تاریخی خویش را در قبال میهن و مردم با شایستگی ادا نماید.

یا مرگ یا آزادی

به پیش بسوی ایجاد جبهه آزادیبخش ملی افغانستان

س. ژیان

\*\*\*

## 6

### قمار خونین آی‌اس‌آی؛ استخدام

### حربکی‌های (اربکی) افغان برای جنگ‌های داخلی پاکستان

نویسنده: عبدالاحمد خاقانی

استراتژی جدید ارتش پاکستان و سازمان استخبارات این کشور (ISI) در سازماندهی و به‌کارگیری نظامیان سابق و نیروهای پلیس محلی افغانستان برای مقابله با مخالفان مسلح داخلی خود (تی‌تی‌پی و بی‌اا) نشان‌دهنده ورود به فازی بسیار خطرناک و پیچیده در معادلات امنیتی منطقه است. این تحرکات که در لایه‌های پنهان و منابع غیررسمی بازتاب یافته، حاکی از آن است که اسلام‌آباد پس از بن‌بست



مظلوم همیشه کالایی است که به بالاترین قیمت فروخته می‌شود. آن‌ها از یک ارباب (آمریکا) به ارباب دیگر (پاکستان) فروخته شده‌اند. این عمل حربی‌سازی خیانت به آرمان مردم رنج دیده افغانستان است. نوشته عبدالاحمد خاقانی به درستی قمار خونین را توصیف کرده، اما راه حل علمی و انسانی فراتر می‌رود: تا زمانی که ماشین دولتی شوونیست در کابل در هم شکسته نشود و دست اختاپوس استخباراتی منطقه قطع نگردد، پناهجوی **افغانستان** همچنان ارزان ترین خون در بازار جنرال‌های ایران و پاکستانی خواهند بود.

باحرمت

حلقه مطالعاتی اخگر

۲۹ آپریل ۲۰۲۶

گروپ آموزش و پرورش جوانان

افغانستان

تصویر از صفحه خبرگزاری سریع



## قمار خونین آی اس آی؛

استخدام حربی‌های افغانستان برای جنگ‌های داخلی پاکستان

نویسنده: عبدالاحمد خاقانی



\*\*\*



بزرگترین دشمن سعادت و آزادی انسانها

دفاع کور کورانه از

عتاید و باورهای غلط است

دکتور کورامشاهی

تقویت و تولید دوباره گفتمان عبدالرحمن‌خانی و ستایش نسل‌کشی، تلاشی است برای جلوگیری از شکل‌گیری اتحاد طبقاتی زحمتکشان. آن‌ها با اغفال توده‌های پشتون توسط زهر ناسیونالیسم، مانع از درک این حقیقت می‌شوند که دشمن اصلی، همان حاکمی است که نان را از سفره‌شان می‌دزدد.

در این میان کشورهای منطقه نه به دنبال ثبات، بلکه به دنبال صدور بحران و استثمار پیرامونی هستند از جمله پاکستان به عنوان هیولای امپریالیستی و استثمار پناهجو که تلاش دارد از پناهجویان به مثابه کالای جنگی در جنگ‌های داخلی خود استفاده کند.

تبدیل پناهجو به مزدور جنگی (حربگی) اوج بهره‌کشی غیر انسانی است. پاکستان با استفاده از اهرم قدرت و تهدید به اخراج و گرسنگی پناهجویان افغان را که عمدتاً نیروی کار جوان هستند، به گوشت دم توپ تبدیل کرده است تا تضادهای داخلی خود (با TTP و BLA) را حل کند. این یعنی انتقال تضاد از بدنه ارتش پاکستان به گردهی زحمتکشان **افغانستان** سیاستی که تنها از یک دستگاه فاشیستی و استثمارگر سر می‌زند.

ژاندارم‌های پوشالی و بن‌بست شوونیسم رژیم طالبان در این معادله نقشی جز یک حکومت پوشالی و دست‌نشانده ندارد. سیاست داخلی آن‌ها که بر پایه شوونیسم حاکم طالبانی و حذف فیزیکی سایر فرهنگ‌ها و مردم بنا شده، چنان فقر و فلاکتی ایجاد کرده که نیروی نظامی سابق را ناچار به مزدوری برای دشمن دیرینه‌شان (پاکستان) می‌کند.

طالبان با دامن زدن به تعصبات نژادی، فرهنگی و زبانی عملاً جاده صاف کن سیاست‌های پاکستان و ایران شده‌اند. آن‌ها از یک سو شعار استقلالیت می‌دهند و از سوی دیگر، جوانان کشور را به دلیل نبود کار و امنیت، به کام گروه‌های مزدور منطقه‌ای پرتاب می‌کنند.

ایران و پاکستان دو لبه یک قیچی ارتجاعی و امپریالیستی هستند که سیاست‌های شان در قبال افغانستان، دوروی یک سکه هستند. هر دو رژیم از تضادهای قومی و مذهبی افغانستان برای یارگیری استفاده می‌کنند.

هدف هر دو اخته کردن ظرفیت انقلابی در منطقه است تا مبدا توده‌های افغانستان، ایران و پاکستان در یک صف واحد علیه استبداد و امپریالیسم متحد شوند.

نیروها اربکی که روزی زیر پرچم امپریالیسم آمریکا (ناتو) می‌جنگیدند، امروز به دلیل نداشتن آگاهی طبقاتی، به ابزار دست ISI تبدیل شده‌اند.

این حقیقت تلخ نتیجه وابستگی به ایدئولوژی بورژوازی است. کسی که برای معاش می‌جنگد نه برای رهایی مردم



7

## بخشی از سخنرانی زنده یاد «قیوم»

رهبر» در کنفرانس سرتاسری

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

(ساما)

(قوس ۱۳۶۲ شمسی)

(۷)

زنده یاد «قیوم رهبر»

ارسالی: جمعی از اعضای "ساما"

۰۸ نومبر ۲۰۲۵

مسئله سازمان ملی - دموکراتیک:

مطرح می شود، که اساساً در اینجا مسأله مشی پرولتری مطرح است نه چیز دیگر؛ و تمام رفقاء به شمول رفیق پویا، به شمول رفیق اشرف که متأسفانه تازه پایش به این مسائل کشانده می شود، نسبت به این قضیه اعتقاد جازم دارند و هیچ گونه شک و تردیدی در این مورد وجود ندارد. تنها شاهپوراست که برنامه اسلامی خود را در آنجا می آورد، برنامه ملی - دموکراتیک خود را که به نام "برنامه اسلامی" شهرت یافته، از طرف جلسه با قاطعیت رد می شود، نه این که برای رفیق داده می شود که توحیدش کند؛ با قاطعیت رد می شود. ولی برنامه های دیگری که در آنجا داده می شود، برنامه هائی است که به رفیق سپرده میشود. یعنی این که برنامه داده شده از طرف رفیق شاهپور به صورت قاطع از طرف جلسه رد می شود. و بالاخره در همان مجلس گفته می شود که برای ما اساساً ساختن یک سازمان پرولتری مطرح است، یک مشی پرولتری مطرح است و نه چیز دیگری. حال مسأله تطبیقی آن چگونه تکامل پیدا می کند و در کدام ساحات و کی چه فکر می کند؟ راست است که رفقای آن وقت دارای این حوصله و بردباری و فراخی سینه بودند که در مسائل تطبیقی خود ببینند که تجربیات و احیاناً ابتکارات عظیمی که رفقاء از محصله تجربه و دانش شان است، بیاورند و این که کدامش انتخاب می شود، باز هم مورد سوال است. در مورد مسائل مشی سازمان، برای ما سندی که وجود دارد، شبنامه های دوران حیات رفیق شهید است. از اولین اعلامیه سازمان تا "در سنگر اعتصاب ببر انقلاب خفته است". در اینجا است که ما نمونه یک دموکراتیسم استوار و پیگیر را می بینیم.

بنا بر همین قضیه بود که من در جمع بندی های خود گفته بودم که در سازمان ما از اول دو مشی انحرافی (دگماتیسم و لیبرالیسم) در مقابل هم قرار داشتند و این دو گرایش سنن خود را در مشی دموکراتیسم استوار رفیق مجید می داد و جز این چیز دیگری هم نمی تواند باشد. ما نمونه های زیادی داریم، بسیار چیزهایی از رفیق داکتر محمودی می آید و رد می شود و بسیار چیز هائی از جانب دیگر می آید و رد می شود، ولی آنچه مورد پذیرش و قبول هر دو طرف، به عنوان سنن این نظرات، قرار می گیرد، آن مشی دموکراتیسم استوار و پیگیر پرولتری است که ما طرز العمل تطبیقی اش در جامعه افغانستان را در این شبنامه ها می بینیم. ولی آن را ما در دیگر جا ها دیده نمی توانیم متأسفانه! ما وقتی از دموکراتیسم پیگیر و استوار یاد می کنیم، منظور ما آنچنان دموکراتیسم استوار و پیگیری است که در آن شبنامه ها، شمه ای در یک مرحله از جنبش، انعکاس پیدا کرده و اگر رفیق مجید زنده می بود، یقیناً با تکامل جنبش می توانست آن را تکامل بدهد. ولی افسوس و صد افسوس که این مشی که به عنوان سننیز دو گرایش انحرافی در درون سازمان ما توانست راه خود را باز بکند، به علت گرفتاری رفیق شهید هنوز استحکام نیافته بود که رفیق شهید گرفتار می شود و رفقای باقیمانده هم هیچ کدام

مسئله سازمان ملی - دموکراتیک و طرح سازمان ملی - دموکراتیک. فکر می کنم که این بسیار چیز طبیعی بود که در جریان جنبش وحدت طلبانه، اختلاف نظر هائی میان کسانی که در این جنبش وحدت طلبانه اشتراک کرده بودند، نسبت به مسائل تفصیلی وجود داشته و این چیز بسیار طبیعی است. سال های متمادی دوری جنبش از یکدیگر و عدم دیالوگ فعال و خلاق در میان جنبش، بالاخره خودش مرز های فکری - سیاسی و غیره را به وجود می آورد. وقتی که دوباره پای وحدت یک جنبش می روند، اینها نمی توانند خیلی زود به وحدت خود برسند. اما مسأله برای ایجاد یک سازمان ملی - دموکراتیک نبوده، به چند دلیل: دلیل اول اینکه در سازمان ما وقتی "کمیته انسجام" به وجود می آید و کمیته انسجام کمیته های دیگر خود را ایجاد می کند؛ "کمیته تحقیق تنوریک" باید روی یک سلسله مسائل تنوریکی که اختلاف است و اختلافات متباز است و ادامه اختلافات دوره شعله جاوید است. رفیق پویا با داکتر صاحب هادی خان محمودی از دوران شعله جاوید جنجال هائی دارند؛ و حال هم وقتی می آیند پای یک سازمان واحد، نمی توانند بر آن تناقضات خود غلبه بکنند، باید یک مجرائی برایش پیدا شود. جنبش عملی هم روز تا روز است. یک کمیته تحقیق تنوریک به وجود بیاید که این دو نفر بنشینند با هم و مسائل خود را حل کنند. وقتی هم که این مسائل در کنفرانس ماه سرطان ۵۸ (که به نام کنفرانس مؤسس یادش می کنیم) مطرح می شود، به صورت صریح و قاطع در آنجا



غیره و غیره در داخل - با این کنفرانس - باید بسته شود، ما رنج زیادی از این ناحیه کشیده ایم.

### در مورد برنامه و اعلام مواضع:

یک مسأله است رفقای عزیز! تا وقتی که رفیق شهید زنده است، یعنی بیرون از زندان قرار دارد، هیچ گاهی مسأله ای به نام "اعلام مواضع" نداریم و باری هم مطرح نمی شود به نام اعلام مواضع. هیچ مسأله ای هم به نام این که برنامه سازمان "برنامه درونی و بیرونی" این مسائل اصلاً مطرح نیست. این مسائلی است که بعد از این که رفیق شهید گرفتار می شود - به عنوان مسائل عملی - تحلیل من از این موضوع این است که با رفتن رفیق شهید سازمان آن وزنه اجتماعی - سیاسی لازم را که می توانست بار این برنامه و روش انقلابی خود را ببرد، این توان را از دست داد و مجبور به یک سلسله عقب نشینی ها شد. من بیشتر این را در مسائل عملی می بینم تا در مسائلی که رفقاء برایش ریشه های تاریخی بتراشند. در آن صورت - در واقع - آدم باید سه یا چهار بار فکر بکند که در اینجا واقعاً چیزهای عجیب و غریبی در سازمان ما وجود داشته. من این را بیشتر در مسائل عملی می بینم و حتی وقتی که رفیق شهید گرفتار می شود، ما می بینیم که مرکزیت همان وقت یعنی نماینده بخش های مختلف با هم جلسه می کنند (نه نفره) و بحث ایدئولوژیک فوری در بین شان درمی گیرد. و بعداً ما می بینیم که می گویند برنامه تان را بدهید و می گویند "این است برنامه من"؛ و فردایش هم برنامه می براید، چیزی که به نام "برنامه دوم" معروف است و ممکن رفقاء دیده باشند. برنامه اسلامی تقریباً "اعلام مواضع"، البته یک کمی مفصل تر و منسجم تر است. یعنی منطقتش یک ذره منسجم تر است نسبت به اعلام مواضع. ولی می بینیم که این توسط کادرها و فعالین سازمان با شدت و تنفر عجیب رد می شود و سراسر سازمان این را رد می کند، تا آن حدی که طرح کننده هایش دیگر جرأت طرح اش را در کنگره سازمان ندارند. به این صورت است که ما یک کوشش دومی را هم [شاهدیم] که کوشش اول در کنفرانس مؤسس صورت می گیرد؛ کوشش دوم هم متعاقب زندانی شدن رفیق صورت می گیرد، ولی می بینیم که این هم نمی شود. حال باید از یک راه دیگر "اعلام مواضع" [شود]، چنانچه می گویند که نتیجه بحث ها و کاوش ها و نمی فهمم چنین و چنان و آنچنان چیزها است؛ متأسفانه که این چنین نیست. به خاطر این که - به گفته خود رفیق آرام - اعلام مواضع سازمان برای رفیق آرام و رفیق تیمور وظیفه داده می شود که اعلام مواضع برای سازمان نوشته کنند (رفیق آرام و رفیق تیمور نماینده دو روش متضاد سازمان هستند، رفقای بسیار صمیمی هم هستند، ولیکن روش های [شان] متضاد است). نمونه کار رفیق تیمور را شما در قطعه نامه پولینوم دوم می

نمی توانند (این مسائل را اصلاً نمی فهمند). عده ای از روستائی هائی هستند که نمی فهمند مشی چیست، روش چیست و سیاست چیست. فقط همین قدر می فهمند که ما در راه انقلاب صادقانه روان هستیم و بعد ها پیامد هایش را در مسائل تشکیلات و مسائل بوروی سیاسی می بینیم. بناءً در سازمان ما از اول هیچ مسأله ای به نام سازمان ملی - دموکراتیک مطرح نبوده، به دلیل این که خود رفقاء می گویند که رفیق شهید یک وقت می خواست که در پهلو "ساما" یک سازمان ملی - دموکراتیک به وجود بیاورد؛ و حتی عده ای از رفقاء را می گفت که من شما را برای کار، برای کار کمونیستی، رها می کنم و خودم یک سازمان دیگر می سازم، سازمان ملی دموکراتیک که رفقاء بنام "امت" یادش می کنند. وای به حال رفیق مجید که اگر او "ساما" را هم به عنوان یک سازمان پلورالیستی می ساخت که در آنجا چندین ایدئولوژی و چندین سیاست و چندین تشکیلات باشد. و در پهلویش می رفت و سازمان "امت" را هم می ساخت. به نظر من این قسم کار را کس نمی کند. سوم این که ایجاد "جبهه متحد ملی" به عنوان یک پوششی از ایدئولوژی های مختلف و از سیاست های مختلف و از تشکلات های مختلف خود بیانگر این است که رفیق مجید نمی خواست یک سازمان چند طبقه نی در "ساما" به وجود بیاورد و یک سازمان چند طبقه نی هم در جبهه متحد ملی به وجود بیاورد. این آشفته فکری از نظر ما غیرمنطقی جلوه می کند و ما این را به رفیق شهید و یا به رفقای دیگری که در آن وقت بودند، به رفیق اشرف، به رفیق پویا و رفقای ارزنده ای که آنها عمر شان در تشکیلات و در کار تشکیلاتی گذشته، ما این آشفته فکری را به آنها نسبت دهیم که آنها این چنین می خواستند. ما به این عقیده نیستیم، ما معتقد هستیم که برای "ساما" همیشه یک سازمانی مطرح بوده که دارای یک ایدئولوژی واحد، یک سیاست واحد، یک تشکیلات واحد، اما این که کی بر کی پیروز می شود، باز است. باید تعاطی افکار وجود داشته باشد، مبارزه سالم وجود داشته باشد؛ هر کسی که پیروز شد! کسانی که پیروزمند نیستند و مورد پذیرش قرار نمی گیرند، باید به عنوان عنصر تابع تا آن حدی حرکت بکنند که بتوانند مجموع "ساما" را یا اکثریت را دوباره قانع بسازند؛ و ما تا اکنون هم به همین اصل وفادار هستیم. در مقابل نظرات دیگران کاملاً حوصله داریم، چنانچه در کنفرانس کنونی، ما برای رفقاء موقع می دهیم که نظرات خود را مفصل بگویند، استنتاجات خود را بگویند، ولی به شرط این که ما پای یک سازمان واحد برویم و هر کسی اکثریت سازمان را پشت سر خود داشت، مشی مسلط و غالب سازمان را همان تعیین می کند. اقلیت راه مبارزه برایش باز است، کاتال های کاملاً مطمئن برای مبارزه اقلیت به وجود می آوریم تا اینها بتوانند مبارزه خود را بکنند، ولیکن راه فرکسیونیسیم، جدائی و



روش لنینی، این است روش مارکسیسم-لنینیسم، راه دیگری وجود ندارد.

### در مورد گرفتاری رفیق شهید:

در مورد گرفتاری رفیق شهید و برخورد افراد، باید بگوئیم که تبلیغات البته از هر طرف می شود و ما هیچ وقت این تبلیغات را جدی نگرفته ایم. من خودم در ارتباط با این قضیه نظری داشتم و آن وقت ها یقیناً احساسات و عواطف من هم بسیار جریحه دار بود؛ و رفقاء مرا می بخشند. من وقتی اینجا آمدم، در اولین نامه ای که برای رفقای مرکزیت نوشته کردم، نوشته کردم که رفیق شهید قربانی ریاست جونی رفقای خود شد. و من با وجود این که هیچ چیزی را تغییر داده نمی توانم، ولی حیقم می آید که از چیز بد و ننگین نفرت نداشته باشم. رفقاء گفتند که در مورد برداشت شما نسبت به قضیه رهانی رفیق، ما هم با شما هم نظر هستیم (نامه شان هست)، ما در قطعنامه دومین پولینوم این مسأله را بررسی کرده ایم و موضع گیری کرده ایم. حال مشکلی که وجود داشته و همیشه رفقاء روی آن تاکید می کنند و یاد می کنند. آنچه مربوط به مرکزیت است - و یا عده ای از مرکزیت است - آن مسأله ای است که مرکزیت سازمان ما همیشه برای کادر ها می گفت که رفیق را نمی کشند و مثال می آورند از "موگابه" که "موگابه" را سال های سال زندانی کردند و نکشتند؛ و رفیق هم یک شخصیت ملی است و او را نمی کشند. به این صورت یک توهم نادرستی را در پیش یک تعداد زیادی از رفقاء خلق کردند. حال این که کسی این کار را به صورت قصدی و عمدی کرده باشد، من فکر نمی کنم. یک رگ هم از مجموع رگهایم، چنانچه رفیق سحر در مورد رفیق شهید فرید یاد کردند، من اصلاً یک بار هم در زندگی ام این فکر حتی در کله ام نگذاشته که کسی رفیق شهید را قصداً به گیر داده باشد یا قصداً سهل انگاری کرده باشد. شرایط و اوضاع همانطور بود و همان طور شد، حال ما چه پشتش بگردیم. ولیکن این چیز ها بوده و مردم علاقه مند هستند به مجید؛ و وقتی این چیز را می بینند، همیشه گریبانم را مردم گرفته و اولین سؤال شان از من این بوده که رفیق شهید مسأله اش چطور بود؟ من مجبور بودم در موضع دفاع از سازمان قرار بگیرم. بالاخره رفقای ما طرفدار مجید هستند.

### کنگره سازمان:

در مورد مسائل کنگره و پراکندگی های بعدی اش، ما به این عقیده هستیم که کنگره سازمان یک دستاورد داشته و آن تصویب برنامه سازمان بود. یقیناً این کنگره آمادگی لازم نداشت (افرادی که در اینجا به کنگره آمدند، و پراکندگی های بعدی اش). ما به این عقیده هستیم که کنگره سازمان با وجود این که مشکلات داشته و کمبود های زیادی آن را

بینید و در نوشته هایش در ندای آزادی می بینند، و عمدتاً رفیق تیمور موظف می شود که اعلام مواضع را نوشته کند، نه به عنوان الترناتیو فکری. وقتی هم در کنگره می آیند و برنامه تصویب می شود؛ رفقای که در کنگره اشتراک داشتند، در کنگره تصویب می شود و بعد از آن می گویند یک اعلام مواضع هم بدهید. می گویند خوب بدهید. یکی دو نفر را می گویند بروید اعلام مواضع را نوشته کنید، آن را می نویسند و می آورند. همگی خسته اند، می گویند اعلام مواضع را ما تصویب کرده نمی توانیم، بدهید برای پولینوم تا پولینوم تصویب نماید! اعلام مواضع به این شکل تولد می شود رفقای عزیز! شکل تولد اعلام مواضع که اکنون ما در ورای آن یک نسل از ایدئولوژی، سیاست و تشکیلات را در نوشته امروزی رفقا می بینیم و خوش هستیم، این تکامل را نشان می دهد. ولیکن تولد این موجود این چنین بوده.

ولی در برنامه سازمان ما می بینیم که مسائل به صورت بسیار صریح مطرح می شود. در هر فقره ای که شما بخوانید، شما نمی توانید این برنامه را از حزب و طبقه جدا کنید. مگر آدم چقدر ساده باشد و یا چقدر هوشیار باشد که بتواند این برنامه را از طبقه اش جدا کند. "ساما" در جهت تأمین وحدت اصولی و رزمنده سازمان ها و محافل انقلابی کارگری و برقراری پیوند ارگانیک با جنبش های توده ای همزمان مبارزه می کند. تأمین وحدت اصولی سازمان های انقلابی کارگری مستلزم مبارزه سالم ایدئولوژیک" و غیره، "... گذشته از آن هزاران هموطن وطن پرست ما در سراسر کشور بدون تعلق سیاسی به هیچ سازمان سیاسی که بسیج آنها در سازمان های توده ای و رهبری درست شان بر عهده عناصر آگاه و در قدم اول سازمان های پیشاهنگ کارگری است". کجایش را بخوانیم برای تان. این برنامه سازمان ما است. برنامه سازمان با این اصل حرکت می کند، با این روش حرکت می کند و با این صراحت حرکت می کند. حال چگونه ما این برنامه را می پذیریم و کسانی طرفدار برنامه می شوند و کسانی طرفدار اعلام مواضع. در آئین نامه سازمان هم صریحاً گفته می شود که شرط عضویت در "ساما"، پذیرش آئین نامه و برنامه سازمان است. پذیرش اعلام مواضع به عنوان شرط عضویت در "ساما" نیست. ما بسیار عناصر اخوانی یا نیمچه اخوانی داریم که خواستار پذیرش اعلام مواضع بودند و گفته اند ما را در همین "ساما" بگیرد، در اعلام مواضع تان بگیرد و یقیناً ما می توانستیم و باید هم در صورتی که ما این وفاداری بدون قید و شرط را نسبت به آرمان خود و نسبت به برنامه خود داشته باشیم، در ورای اعلام مواضع و اسناد مشابه آن توده های وسیع مردم را به عنوان اعضای توده ای و طرفداران توده ای خود در اشکال متعدد توده ای جلب و جذب بکنیم. ولیکن هیچ گاهی این به معنای زدودن مرز ها نیست. چیزی که من همان وقت مسأله را با مرکزیت مطرح کردم که اول جدا کردن مرز ها بعد وحدت. مرز ها را از دیگر طبقات جدا کنید، بعد وحدت تان را با دیگر طبقات اعلان کنید. این است



یک تخطی بزرگ صورت گرفته بود، به خصوص آدم هانی مثل معاون منشی سازمان که داکتر صاحب دادفر باشند، شریک بودند و دیگر رفقای شان.

به هر حال دوران پراکندگی این چیزها را دارد. این اشتباهات را دارد و رفقاء زیاد تر شان رفتند دوباره به داخل افغانستان و در آنجا در پراتیک عملی خود را انداختند. آینده شان و تکامل زندگی شان نشان داد که به سازمان وفادار هستند. تا اکنون که می آنیم، بسیار متأسف هستیم که باز رفیق ما سحر در اینجا از دوری صحبت می کند و از اختلافات این چنین صحبت می کند، که این البته مایه تأسف ما است.

در مورد فیصله هانی که جلسه اضطراری می کند، فکر می کنم که یک سلسله ای از این فیصله ها بر پایه عدم سنجش استوار است. عدم سنجش به این معنی که ما بدون این که یک مقدار فکر کنیم، در شرایطی که ما در شهر کابل ضربت خوردیم، آمدم رفتیم به طرف کوهدامن. در آنجا هم مجبور هستیم که فوراً دست به یک کار بزنیم. بدون این که ما از مجموع سازمان استمداد بجوییم، فقط کادرهای کوهدامن با تشکیلات کابل می خواهند که رهبری سازمان را به دست بگیرند؛ و این نوع کار و این سبک کار در واقع پایه یک مقدار زیادی از مشکلاتی است که بعداً متأسفانه پیدا شد. چگونه کارهای ما اکثراً بدون سنجش و بدون فکر کردن استوار بود، بدون این که ما آمادگی داشته باشیم، فیصله هانی می کنیم؛ بعد از فیصله ها مجبور هستیم این فیصله ها را در قالب بیاوریم. این در قالب نمی آید؛ کاری می کنیم و می گوییم: بعد در کنگره می کنیم و در قالب می آوریم که در قالب جور نمی آید.

به هر حال، رفقاء از تکامل یک تزی و یک مشی در درون سازمان صحبت می کنند که ما هم به این عقیده هستیم که در داخل سازمان ما - به خصوص بعد از گرفتاری رفیق شهید - یک گرایش به وجود می آید؛ و این گرایش بالاخره بعد از پولینوم دوم خود را تا سرحد یک مشی ارتقاء می دهد. این گرایش بعداً مشی سیاسی خود را ارائه می دهد؛ که در ساحة ایدئولوژیک در صدر کارهای شان ایدئولوژی زدائی سازمان بود که امروز چیزی می گویند در سراسر سازمان پخش کردند و در ساحة سیاسی پلورالیسم و در ساحة تشکیلاتی ما آن وقت فراکسیون می گفتیم. حال به گفته رفقا یک پلورالیسم تشکیلاتی به وجود می آید. این خودش از یک طرف یک رونق موقتی را در سازمان به وجود آورد. ولی این رونق موقت نمی توانست پایدار باشد، حبابی است بر روی آب به وجود می آید. چنانچه در همین دوران سلسله شکست های بسیار بزرگی را سازمان متحمل شد. ما نتیجه بعد از این را دیدیم تا امروز هم است که بزرگ ترین ضربت آن بی باوری ایدئولوژیک و بی باوری تشکیلاتی در سازمان به وجود آمد. به هر حال، قوانین اجتماعی - به گفته خود رفقاء - از عینیت برخوردار است، بدون این که ما اراده این

احاطه کرده بود، ولی به هر حال توانست در همان شرایط بحرانی کاری بکند. برنامه سازمان را تصویب کرد و ارگان های معینی را به وجود آورد؛ که این ارگان ها متأسفانه، بنا بر این که بر روی یک بستر عینی استوار نبودند، دور از هم شایر شدند. ولیکن چیزی که در واقع ما همیشه بر آن اشاره کرده ایم، این است که اساساً از نظر ما مسأله داور شدن کنگره - در آن شرایط - مسأله اساسی نبود که پیش روی سازمان قرار داشت. سازمان وظایف دیگری پیش پای خود داشت که از آن وظایف خود عدول کرد. از نظر ما در آن شرایط، سازمان دو وظیفه پیش پایش بود: که یکی رهائی رفیق بود و یکی حفظ وحدت سازمان؛ و نسبت به هیچ کدام این دو قضیه نتوانست برخورد درست بکند. حال چه عواملی بوده، چقدر ناگزیر بود، چقدر ناگزیر نبوده، اینش به ما غرض نیست. ما امروز صرف تحلیل خود را می دهیم. ممکن است یکی دو سال بعد سر ما هم تحلیل هانی بد دهند، فکر نکنند که ما در چه حال بوده ایم. تحلیلی که ما امروز می دهیم یا یک سال قبل داده ایم، همین بود. اشتباهاتی هم که بعداً صورت گرفت چه در ارتباط با مسائل تشکیلاتی و مسائل رهبری و غیره و غیره، بیشتر ناشی از این بود که در سازمان با انشعابی که به وجود آمد، ناشی از این بوده که سازمان در آن وقت نتوانسته وظایف اصلی خود را پیدا بکند. وظایف اصلی خود را فراموش کرده و پای مسائل دیگر رفت. ولی بعد از کنگره یک مقدار پراکندگی هانی به وجود آمد که در ارتباط با این پراکندگی ها هم ما نظر دیگری داریم. معتقد نیستیم که یک بخشی از سازمان و یک روشی از سازمان سازماندهی کرده و افراد خود را روان کرده به این طرف و آن طرف. ما مثلاً برآمدن رفیق سحر و رفیق فرید و رفقاییش را در آن وقت یک حرکت غیر اصولی می دانیم. این ها را ما در ایران هم دیدیم، من همان وقت در مرکزیت سازمان هم نوشتیم. مرکزیت سازمان برای من پس جواب نوشته کرد: این ها اشتباه کردند، یک سلسله رنجش روشنفکری داشتند. گفته بودم پویا نوشته می کند، فکر نمی کنم در این مورد پای رفیق پویا در میان باشد. مرکزیت سازمان هم برای من جواب نوشته بود که اینها اشتباه کرده اند. در مورد حکیم یعنی داکتر دادفر هم که همراهی "بچه حاجی" آمده بود و همیشه ادعا می کرد که مرا پویا صاحب گفته که بیا برو و ما را بیرون روان کرده. ما برای مرکزیت سازمان نوشته کردیم خلع ید کرده اید و چنین و چنان. گفتند که او به دل خود رفت و ما را تنها رها کرد و حالا شکایت هم می کند، گناه خودش هست، اگر نه ما می توانستیم از این رفیق کار بگیریم. مسائل که حالا در مجموع نسبت به حرکتی که در همان وقت صورت گرفته و یک تعداد روابط سازمان بدون اجازه سازمان این ادعا را کردند که ما در ایران می توانیم کارو مبارزه سیاسی بکنیم، سازمان را ترک کردند رفتند در ایران. در آنجا هم چیزی نتوانستند. دوباره پس لولان طرف کابل رفتند، یک حرکت ناسنجیده و غلط بوده و



نکنند، [طوری] که اینها سال های سال در اقلیت خود سر مجموع سازمان حکمروایی کردند؛ اکنون که اکثریت سازمان می خواهد که اینها را در موقعیت مناسب و در جای مناسب شان قرار بدهد و با اینها به عنوان یک اقلیت خوب مبارزه بکند، خوبی که قبولش ندارند، مبارزه بکند. اینها بگویند نی ما را این طور نکنید که ما برویم از پیشتان. اینش به نظر من غیر عادلانه است، برای خودشان هم خوب نیست، برای سازمان هم. تشکر می کنم.

ادامه دارد

\*\*\*

نوت:

مسئولان جریده «مسیر» مسئولیت نوشته ها و مضامین ارسالی دستداران «جما» و جریده «مسیر» را به عهده نه دارند. صرف با حفظ امانتداری و رعایت احترام آن را تکثیر و به اشتراک میگذارد.

فزیکی اسارت دن اتگ و  
فکرینگ نینگ اسارتی یمان راق  
دیر  
(استعمار فکری بدتر از استعمار  
فیزیکی است)

8

نقدی بر موجودیت تشکل پوشالی موسوم به

«جبهه رهایی و همبستگی مردم افغانستان»

مردم ستم دیده و زنان رنج دیده و غیور افغانستان!

بار دیگر تفاله های سیاسی، جانیان آزمایش شده و دلالان زر و زور، با نزدیدن واژه های مقدسی چون «رهایی» و «همبستگی»، دکان سیاسی جدیدی را در لندن خارج از

و آن فرد را دخیل بسازیم. این قوانین عمل می کند، تطبیق می شود، استنتاجات و نتایج خود را هم بیرون می دهد. نتایج است که در سازمان ما به ظهور رسیده.

ما در اخیر می گوئیم که در طی دو سالی که من با رفقاء همکار بوده ام، خود این یک تاریخ طولانی دیگری دارد. یک بحثی است که بعد ها برایش می پردازیم (ما بحث نمیکنیم صحبت خواهد کردیم). عملکرد این مشی در داخل سازمان چگونه بود، چگونه عمل کرد، که ما می شناسیم، بدون این که ما در این جا پای رفقای شهید حرکت بکنیم، چون آنها را به بعد می گذاریم. ولی همین قدر می گوئیم، با وجودی این که دردناک است برای سازمان که این طور گرایشی در آن پیدا می شود، ولیکن از یک طرف دیگر هم ما بسیار خوش هستیم. واقعاً بالاخره این فکر و این گرایش خود را نمایش داد و بیرون داد و آن چیزی را که می خواهد اظهار می کند. به این صورت امکان مبارزه سالم را در چارچوب ساما یا در بیرون ساما مهیا ساخته. ما امیدوار هستیم آنچنان که رفقاء با حسن نیت آغاز کردند، با نیت انقلابی آغاز کردند، ما هم بتوانیم تمام ضوابط انقلابی را در مبارزه با این گرایش نادرست - از نظر ما - را به پایان برسانیم و بالاخره به یک استنتاج واحدی با خود رفقاء برسیم. یا ما را قناعت بدهند که این ها درست میگویند یا این که ما این ها را قناعت می دهیم که ما درست می گوئیم. یا این که ما این ها را قناعت می دهیم که این ها اشتباه می کنند.

اما در مورد نکته آخری که رفیق آرام مطرح کردند: که ما مسأله خروج خود را مطرح نکرده ایم و به صورت مطلق مطرح نکرده ایم، من مثلی که قبلاً اشاره کردم، می گویم که برای ما مسأله اخراج رفقاء به هیچ صورت مطرح نیست و مسأله طرد رفقاء به هیچ صورت مطرح نیست، ولو که رفقاء یک نفر در مجموع سازمان بمانند. من بار ها گفته ام که مسأله انقلاب برای من به عنوان یک مسأله کمیته مطرح نیست. ما یک نفر باشیم، دو نفر باشیم، صد نفر باشیم، هر قدر که باشیم، ما حاضر خواهیم بود که همراه شان به عنوان یک اقلیتی که در اینجا افکار مخالف اکثریت را دارند، برخورد بکنیم و تمام کاتال های مطمئن را برای این که افکارشان برای مجموع سازمان برسد، به وجود خواهیم آورد. منتهی به شرط این که این رابطه یکطرفه نباشد و این رابطه رابطه دوطرفه باشد؛ یعنی این که آنچنان که ما به اقلیت احترام می گذاریم، رفقاء به اکثریت احترام بگذارند. همان قسمی که ما کاتال هانی را برای پذیرش جریان افکار به وجود می آوریم، کاتال هانی هم برای اراده اکثریت به وجود بیاید. خصوصاً تمام این چیز ها را ما در یک سازمان واحد غیر قابل تجزیه هم می بینیم، یعنی تمامیت ارضی سازمان را ما به هیچ صورت خدشه دار نخواهیم کرد. ما یک سازمان غیر قابل تجزیه هستیم. ما به یک سازمان فررالی، سازمانی که به چندین بخش تجزیه شود، برای ما غیر قابل قبول خواهد بود. امیدوار هستیم رفقاء هم این طور



ما از این جریان منفور چند سوال بنیادین می پرسیم تا ماهیت دلالت‌شان بیش از پیش نزد خلق رسوا گردد

۱. جریانی که هیچ ریشه در خاک و در میان توده‌های جان به لب‌آمده داخل کشور ندارد، مصارف خود را از کدام سازمان‌های جاسوسی دریافت میکند و در قبال آن چه تعهدی برای فروش مجدد خاک و ناموس این ملت داده است؟

۲. چگونه کسانی که دست شان به خون هزاران انسان بی گناه آغشته است امروز مدعی «رهایی» مردم شده‌اند؟ آیا حاضر به محاکمه در دادگاه‌های انقلابی خلق هستید؟

۳. آیا برنامه شما صرفاً جابجایی مهره‌ها در راس قدرت و بازگشت به سیستم فاسد قبلی (جمهوریت پوشالی) است، یا ملغی کردن کامل مناسبات ظالمانه اقتصادی که مردم را به فقر و اسارت کشانده است؟

۴. اگر مدعی همبستگی با مردم افغانستان هستید، چرا خط مبارزاتی شما فرسنگ‌ها دور از کارگران و زنان ستمدیده داخل کشور شکل گرفته است؟ چرا به جای اتکا به نیروی خلق، به دامن نهادهای دست‌نشانده بین‌المللی آویزان شده‌اید؟

حلقات مطالعاتی اخگر و روستاخیز

گروپ آموزش و پرورش جوانان

۱۲ می ۲۰۲۶

افغانستان



\*\*\*

مرزهای افغانستان باز کرده‌اند. جبهه تازه تأسیس موسوم به «جبهه رهایی و همبستگی مردم افغانستان»، هیچ ماهیتی جز استمرار خط مرتجع و سوسیال امپریالیسم شوروی سابق ندارد. این جریان نمودی از تلاش رسوای مهره‌هایی است که کارنامه‌شان با خون، غارت و مزدوری برای قدرت‌های سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیستی عجین شده است.

حلقات مطالعاتی اخگر و روستاخیز با تکیه بر جهان‌بینی علمی (م-ل-م) ماهیت این جریان مرتجع را به شدت محکوم نموده و نقد برهنه و سوالات اساسی خود را در پیشگاه مردم اعلام می‌دارند:

نقد و سوالات ما مطابق به اندیشه انسانی و علمی بر جبهه ارتجاعی «رهایی و همبستگی» است

\* میراث‌خواران و نوکران سوسیال-امپریالیسم:

عناصر کلیدی و فکری این‌گونه جبهه‌ها، تداوم‌دهندگان همان خط خیانت‌بار جریان‌های منفور «خلق و پرچم» هستند. همان‌گونه که خلقی‌ها و پرچمی‌ها به عنوان چاکران سوسیال-امپریالیسم شوروی، با کودتای نظامی ۷ ثور ۱۳۵۷ و دعوت از قشون اشغالگر ارتش سرخ، کشور را به خاک و خون کشیدند این جبهه جدید نیز در پی تقویت و تداوم همان الگوی وابستگی و جاده صاف کنی برای باداران جدید امپریالیستی خود هستند.

\* دل‌بستگی به لوله تفنگ امپریالیسم به جای خط توده‌ای:

طبق اصول مبارزه انقلابی، رهایی واقعی تنها از طریق آگاهی، سازماندهی توده‌ای و جنگ توده‌ای به دست خود کارگران، دهقانان و زنان ستمدیده ممکن است اما این جریان‌های وطن‌فروش، «رهایی» را در بدل گرفتن بودجه‌های استخباراتی، چانه زنی در هتل‌های مجلل لندن، واشنگتن و منطقه‌ای و بازگشت به سایه سرنیزه اشغالگران خارجی می‌بینند آن‌ها از بیداری مستقل توده‌ها هراس دارند.

\* مسئولین درجه یک تحکیم پایه‌های فاشیسم مذهبی کنونی: جریان‌های ریزیونیستی (تجدید نظر طلب) در گذشته با سرکوب خونین و زنده به گور کردن انقلابیون واقعی، فرزندان صدیق این کشور و روشنفکران پیشرو، مردمان مظلوم و بیگناه، فضای سیاسی را تخلیه کردند. همان خیانت‌ها، جاده را برای قدرت‌گیری ارتجاع بنیادگرایی (تنظیم‌های هفت گانه، هشت گانه و طالبان) هموار ساخت. فاجعه و توحش امروزی که بر مردم به ویژه بر زنان افغانستان تحمیل می‌شود، محصول مستقیم قطب بندی کاذبی است که این خائنین آغازگر آن بودند.

\* سوالات اساسی و افشاگرانه از این جبهه پوشالی:



## 9

### ياد جانبازان فاجعه چهلستون گرامی باد!

شیر محمد مزاری

۲۰ می ۲۰۲۶ م

همشیره و برادر کوچک انجنیر عزیز واحدی زنده یاد حامد جان واحدی (که در سال ۱۳۶۰ ه ش در ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان از طرف حزب اسلامی به حالت فجیعی کشته شد) با بوجی برنج و کچالو از لغمان «به کارته نو» می رسند تا با اخذ آدرس به چهلستون بیایند، خانم برادرشان (معلم مکتب رحمان مینه) نسبت مریضی دختر ۶ ماهه اش چند روزی در «کارته نو» خانه پدرش بوده، بی خبر از واقعه غم بار، با آنها یکجا به خانه خود به چهلستون آمده در محاصره و کمین دشمن قرار می گیرند.

ماموران جهنمی اکسا حامد جان رانیز از اغوش فامیل جدا نموده به زندان میبرند مگر نسبت خرد سالی، او را رها می کنند «قرار گفته او استاد جرات را در گوشه زندان دیده است».

چهار شنبه دومین روز کمین استاد جرات با دق الباب دروازه خانه، به کمین دشمن روبه رو می شود او با پرسن خانه کرانی میخواید از تهلهکه خود را نجات دهد ولی دشمن با سرو صدا او را به اسارت میگیرد، صدایش «دکاتدار هستم در جست و جوی خانه کرانی می گردم» از درون خانه به گوش میرسیده است اورا برای چند ساعت در اتاق مهمانخانه منزل تحت نظارت میگیرند سپس به زندان انتقال میدهند.

به تعقیب دو رفیق زنده یادان استاد داوود سرمد و فقیر حنیف با باز شدن دروازه خانه وضع نا امنیتی خانه را درک نموده دست اقدام به فرار می کنند ولی زده و زخمی به دست آدمخواران اکسا دستگیر میشوند بدین ترتیب همه رفقا زخمی و خون آلود به دست دشمن اسیر می افتند.

خاتم برادر انجنیر عزیز روز پنجشنبه نسبت مریضی دخترش به بهانه شفاخانه موفق می شود از کمین بر آمده، نفر خدمت برادرش «قومندان قادر» [یک تن از چریکهای ساما است که نباید با قومندان قادر وزیر دفاع وطن فروش اشتباه شود] را برای نجات شوهرش به پل باغ عمومی ایستگاه سرویس های چهلستون می فرستد تا شوهرش را نجات دهد. برادر انجنیر عزیز (ت-ح) صاحب منصب میدان هوایی بگرام طبق معمول روز پنجشنبه از وظیفه به کابل می آید در پل باغ عمومی ایستگاه سرویس های چهلستون از نفر خدمت خسریه اش قومندان قادر حادثه دستگیری رفقاء و کمین خانه با خبر شده از دست رژیم منفور خلق و پرچم، جان به سلامت می برد او چندی به کابل و لغمان زندگی مخفی داشته سپس به پشاور پاکستان پناهنده می شود.

ماموران جهنمی اکسا روز جمعه از کمین برآمده خانه را ترک می کنند. ضربت چهلستون کابل در ذات خود فاجعه ای بود خیلی هم سنگین و ویران کر برای سازمان نو تشکیل

حادثه دردناک چهلستون روز سه شنبه ۱۹ سرطان سال ۱۳۵۸ ه ش (دهم جولای ۱۹۷۹ م) اتفاق افتاد. زمانی که زمین و آسمان کشور زیر تعقیب و شکنجه رژیم منحوس کودتای ۷ ثور قرار داشت.

در آن روز ماتمزا و غم انگیز و روز های بعد آن ۸ رزمنده از پیشکسوتان سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در منزل انجنیر «عزیز واحدی» در منطقه چهلستون شهر کابل باهم وعده داشتند که روی مسایل عمده و اساسی سازمان نو تاسیس (ساما) به بحث و مذاکره پرداخته با اخذ تصامیم، ادای دین و رسالت نمایند که به دام آدم کشان اکسا افتادند. (به اساس فهرست ۵۰۰۰ نفری اعدام شدگان توسط اکسا ۱۸ جولای ۱۹۷۹ م مطابق ۲۸ سرطان ۱۳۵۸) به اعدام سپرده شدند. منزل مورد ضربه، متعلق به خسر برادر انجنیر عزیز (ت-ح) بود که قبلاً زنده یاد انجنیر داوود منگل در این خانه زندگی می کرد.

تقریباً یک ماه قبل از آن روز ماتم زا و پر اختناق، برادر انجنیر عزیز (ت ح) بعد از مدتی که خانه خالی می ماند به امید آنکه دیگر خطری متوجه خانه نیست بدان جا کوچ می آید. انجنیر عزیز نیز با فامیل برادرش به طور مخفی در این خانه بود و باش داشته است.

در روز فاجعه پنج رفیق زنده یادان (انجنیر عزیز واحدی، انجنیر داوود منگل، حسین طغیان، انجنیر قدوس و استاد عزیز الله اوریا خیل «شریف») در آنجا حضور داشتند. به مجرد ورود دشمن انجنیر عزیز تلاش می ورزد خود را به در ورودی برساند تا علامت امنیتی خانه را تغییر دهد ولی دشمن فرصت نمی دهد او را به لت و کوب مجروح ساخته در اسارت میگیرند انجنیر داوود منگل، حسین طغیان، انجنیر قدوس و استاد اوریاخیل نیز کوشش می کنند تا از طریق خانه همسایه فرار کنند ولی به سد دشمن روبرو شده زده و زخمی به دست دشمن اسیر می شوند.

قرار گزارش یک لنگ بوت زنده یاد حسین طغیان پشت دیوار خانه همسایه برجای مانده بود که از طرف خواهرش (خاتم زنده یاد انیس آزاد) تشخیص می شود.

ماموران سازمان جهنمی اکسا بعد از دستگیری پنج تن از رفقاء، خانه را در محاصره گرفته به کمین می نشینند.



- حسین طغیان از کادر های مرکزی سازمان ، عضو کمیته تشکیلات و مسنول ارتباط با واحد تشکیلاتی ولایات شرقی افغانستان

- انجنیر داوود منگل از کادر های مرکزی سازمان، عضو کمیته نظامی سازمان و مسنول چریک های شهر کابل.

- فقیر با اسم مستعار "حنیف" يك تن از کادر های برجسته نظامی سازمان که از اتوریته برجسته ای در کوهدامن برخوردار بود.

- انجنیر عزیز واحدی از کادر های سیاسی برجسته سازمان و عضو کمیته تشکیلات.

- حامد واحدی که با ایثار خون خویش همسویی و وحدت سوسیال امپریالیسم و ارتجاع هار اخوانی را در تقابل با نیرو های انقلابی افغانستان به ویژه "ساما" ثبت کتیبه خارابین تاریخ نمود.

(ساما)، کمرشکن و جبران ناپذیر که ۸ تن از بهترین کادر های رهبری و ممتاز خود را در این واقعه المناک از دست داد. کادر هایی که هر کدام از پیشتازان راه مبارزه اندیشه و عمل پیشرو عصر ، شخصیت با وقار، اهل علم ودانش، سمبل مقاومت و نماد پایداری بر آرمان های انقلابی بودند. آنها علیه هر نوع ظلم و ستم از موضع اندیشه پیشرو قد برافراشتند، رزمیدند و جاودانه شدند . آنها در عدالت طلبی آزادی خواهی الگوی جوانان پیکار جو بودند. انسان های آزادمنش و خودگذر و رسالتمند که مرگ شان برای نسل هایی از جوانان آگاه و انقلابی الهام بخش و رهنما بوده و در آینده نیز خواهد بود. نام و خاطره مبارزات شان همیشه جاودان ماند.

### یاد شان پیوسته گرامی و راهشان پر نور باد!

جای دارد که در پایان این سوگنامه با آوردن سروده ای از زنده یاد داوود سرمد یاد و خاطره این عزیزان از دست رفته را گرامی بداریم :

ز خون خویش خطی می کشم بسوی شفق  
چه خوب عاشق این سرخی سرانجام  
نوید فتح شبستان دهم به رهروان  
سرود رزم پیام آوران شود نامم  
عقاب زخمی ام و می توانیم کشتن  
مگر محال بود لحظه کنی رامم  
تویی که پشت تو میلرزد از تصور مرگ  
منم که زندگی دیگر است اعدام

### معرفی مختصر جانبازان باکباز سامانی:

- استاد عزیز الله با اسم مستعار "شریف" از اعضای موسس سازمان، مسنول کمیته نظامی سازمان و مسنول سیاسی واحد تشکیلاتی کوهدامن و کاپیسا.

- استاد داوود سرمد از اعضای موسس سازمان و يك تن از اعضای کمیته تحقیق تنوریک.

- استاد رسول جرات از اعضای موسس سازمان، عضو کمیته تشکیلات و رابط سازمان با واحد تشکیلاتی صفحات شما کشور.

- انجنیر قدوس معروف به "ماما قدوس" از اعضای موسس سازمان، عضو کمیته تشکیلات و رابط سازمان با واحد تشکیلاتی صفحات غرب کشور.



استاد رسول جرات

استاد داوود سرمد

استاد عزیز اوریا خیل



### انجنیر قدوس حسین طغیان داوود منگل



### فقیر حنیف انجنیر عزیز واحدی حامد واحدی



## عاصیم دیگر

### این چه قانونیست، چه آئینیست، چه تدبیریست

حلقه‌های خود به جای نقد متمر به نزار بی‌حاصل دچار میشویم در واقع ماشین حرکت را خاموش می‌کنیم و وقتی این نزار را با مرگ رفیق به مرثیه تبدیل می‌کنیم تنها دل خود را سبک می‌کنیم نه جنبش را .

انگلس در آنتی‌دورینگ نوشت که دیالکتیک چیزی نیست جز علم قوانین عام حرکت و تحول، پس جنبشی که در درون خود قانون حرکت را نمی‌شناسد محکوم به سکون است ، آنچه در مراسم سوگ رفا می‌بینیم همبستگی احساساتی است: واکنشی، موقت، مبتنی بر درد مشترک ، این همبستگی ارزشمند است اما کافی نیست و خط مشخص سیاسی نمی‌سازد؛ همبستگی اصولی فعال است، پایدار است، مبتنی بر تحلیل مشترک از واقعیت است، و از دل نقد متمر بیرون می‌آید از دل گفتگوهایی که در آن‌ها به رفیق زنده می‌گوییم اینجا ضعیف استی ، اینجا قوی استی ، لنین در چه باید کرد؟ نوشت که بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی وجود ندارد، و تئوری انقلابی از نقد صادقانه رفا از یکدیگر می‌آید، از مجادله اصولی، از پذیرفتن این حقیقت که هیچ رفیقی از نقد میرا نیست ، جنبشی که تنها در مرگ متحد میشود در زندگی محکوم به پراکندگیست ، اسلوب دیالکتیکی در روابط رفیقانه به معنای دیدن هم است نه فقط در لحظه‌های بحران بلکه در مبارزه پیگیر روزانه، شنیدن هم است نه برای پاسخ دادن بلکه برای فهمیدن، نقد هم است با احترام و با صداقت و با هدف مشترک، پذیرفتن نقد است نه به عنوان تهدید بلکه به عنوان هدیه‌ای از جنس انقلاب ، با چنین اسلوبی است که پیوند دیالکتیکی میان رفا عمیق‌تر می‌شود، با چنین اسلوبی است که خط مشخص سیاسی رساتر به وجود می‌آید، با چنین اسلوبی است که جنبش از مرحله احساس به مرحله آگاهی ارتقاء می‌یابد .

مرگ، آن لحظه بی‌رحم و قطعی، آینه‌ای است که ما در آن چهره واقعی خود را می‌بینیم ، همان رفیقی که در زندگی‌اش شاید نقدی به او داشتیم، اعتراضی، فاصله‌ای، ناگهان با رفتنش تمام آن فاصله‌ها آب می‌شوند و اشک جاری میشود؛ مرثیه می‌نویسیم، عکس می‌گذاریم، درد را فریاد می‌زنیم .

اما این چه قانونیست؟ این پرسش صرفاً یک پرسش اخلاقی نیست، این یک پرسش سیاسی است، یک پرسش ساختاری است، پرسشی که ریشه در عمیق‌ترین تناقضات جنبش چپ دارد ، جنبشی که در نظر دیالکتیک را می‌شناسد اما در عمل هنوز در متافیزیک احساسات زندگی میکند؛ ما جمعی هستیم که مرده‌هایمان را بیشتر از زنده‌هایمان دوست داریم، و این گزاره تلخ است، اما تلخی آن دقیقاً همان چیزی است که ماتریالیسم از ما می‌خواهد: دیدن واقعیت آنگونه که هست، نه آنگونه که آرزو داریم .

مارکس در تزه‌ای فونرباخ نوشت که فیلسوفان تاکنون جهان را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند حال آنکه مسأله بر سر تغییر آن است، اما این تغییر پیش از هر چیز مستلزم شناخت صادقانه خویشتن است؛ جنبش چپ افغانستان دچار یک بیماری ساختاری مزمن است: ناتوانی در تبدیل نقد به عمل ، ما در جلسات، در نشریات، در محافل از دیالکتیک سخن می‌گوییم اما در لحظه تماس واقعی با رفیق، در همان لحظه‌ای که نقد ضروری است، یا سکوت می‌کنیم یا به گله و یا به توهین متوسل میشویم، زیرا هنوز فرق میان نقد انقلابی و حمله شخصی را در نیافته‌ایم: گله کردن از رفیق بازتولید روابط بورژوازی در درون جنبش است، توهین به رفیق نفی دیالکتیک و تقلیل انسان به دشمن است، و نقد متمر عمل دیالکتیکی و ماشین حرکت جمعی است ، هگل می‌گفت تضاد ماشین حرکت است، هر چیزی در درون خود نقیض خود را حمل می‌کند، و مارکس این بینش را از آسمان انتزاع پایین آورد و در روابط مادی انسانی جای داد؛ بر این اساس تضاد میان رفا نه تنها اجتناب‌ناپذیر است بلکه ضروری است، آنچه باید تغییر کند شیوه برخورد با این تضاد است ، تضاد را به رسمیت بشناس، نه پنهانش کن، نقد کن نه برای خرد کردن بلکه برای ساختن، زیرا وقتی ما در





خاطرات آن روز هیچ وقت از یادم نمی رود؛ این که به خاطر زن بودن و خبرنگار بودن با تو با نفرت برخورد کنند یا در هنگام مصاحبه های تصویری بگویند: «در گوشه ترین جای دوربین ایستاد شو تا چهره ات دیده نشود، وگرنه اجازه پخش نمی دهیم.»

در یکی از روزها که برای تهیه گزارش شهری رفته بودیم، قرار بود در باره پرچاوی برق گزارش تهیه کنیم. پل سرخ در شلوغ ترین حالت خود بود و ما هم در حال مصاحبه با هموطنان مان بودیم که ناگهان آشوب به پا شد. دختران جوان قدم های شان را تندتر کرده بودند و سعی می کردند خود را پنهان کنند. ناگهان نگاه من به چند نفر از اعضای امر به معروف افتاد که طالبان نیز همراه شان بودند. دل مان جمع بود که حجاب داریم و جواز کار خبرنگاری هم همراه مان است.

پیش از آن که به نزد ما برسند، همکارم گفت: «وارخطا نشو، به ما کاری ندارند.» اما یک محتسب خشمگین نزدیک ما شد و شروع کرد به سیلی زدن همکارم: «چرا با زن نامحرم همراه شده ای؟ چرا از دین و پیامبر پیروی نمی کنی؟»

در آن لحظات که خشم، ترس و وحشت همه با هم جمع شده بود، نتوانستم خودم را نگه دارم. شروع کردم به گفتن این که ما جواز داریم و حق کار کردن داریم. اما او با پشت دست به مایکی که در دست داشتم کوبید و طالب دیگر با قنداق تفنگ به پشتم زد و گفت: «زن بی حیا، گپ نزن!» حتی اجازه زنگ زدن هم به ما ندادند. کامره و مایک هر کدام به گوشه ای افتاده بود و مردم اطراف ما جمع شده بودند، اما هیچ کمکی نکردند؛ برعکس می گفتند: «همشیره، برو خانه آشپزی ات را بکن؛ تو را چه به گزارش و کمره؟»

بعد از آن روز، هر بار که پشت مایک رادیو یا تلویزیون قرار می گرفتم، بغض گلویم را می گرفت و گریه می کردم. روزی تصمیم گرفتم از همه چیز بگذرم؛ از کاری که دوستش داشتم و از کشوری که حق انتخاب و سخن گفتن را از من گرفته بود. سرانجام کارم را ترک کردم. خبرنگاری به من هویت بخشیده بود، اما حالا احساس می کنم هویت خود را گم کرده ام؛ خلانی که هیچ چیز نمی تواند آن را پر کند.

امروز که روایت خود را می نویسم، دو سال از آن روزها گذشته است، اما هنوز یاد آن خاطرات و شوقی که برای

کاش و این «کاش» سنگین است! کاش همان گرمایی که در سوگ نشان می دهیم، همان اشکی که می ریزیم، همان کلمات عمیقی که می نویسیم را پیش از مرگ به رفیقمان می دادیم نه به شکل تعریف، بی محتوا و نه به شکل چاپلوسی که روح چپ را می فرساید، بلکه به شکل پیوند دیالکتیکی واقعی: دیدن هم، شنیدن هم، نقد هم، در حیات نه در ممات؛ خط مشخص سیاسی آنگاه رساتر میشود که رفقا در زندگی یاد بگیرند تفاوت میان گله و نقد را، تفاوت میان توهین و چالش سازنده را، و تفاوت میان همراهی احساساتی در سوگ و همبستگی اصولی در حیات را.

زیرا جنبشی که تنها در مرگ متحد میشود در زندگی محکوم به پراکندگی است، و این همان قانونیست که باید شکست.

روبرداشت از صفحه روشنگران 14 می 2026

\*\*\*

## 11

### طالب با قنداق تفنگ به پشتم زد، مردم گفتند

### زن را چه به خبرنگاری

نویسنده: سکینه ناصری\*

«اینجا جای زن ها نیست!» با شنیدن این حرف، ناخودآگاه نگاهم به سمت سالن رفت؛ جایی که پر از مردانی با لنگی های کلان و چهره های خشن بود. نگاهشان لبریز از خشم و نفرت بود؛ حضور یک زن در میان آن جمعیت مردانه برای شان قابل تحمل نبود. همکارم گفت: «این ها به تو اجازه ورود نمی دهند.» بعد سکوت کرد و من فهمیدم دلیلش این است که من یک زن هستم. اما گفتم: «اگر امروز بروم، برای همیشه هویت خودم را از دست می دهم. خبرنگار که جرأت حضور در یک جمع مردانه را نداشته باشد، چه خبرنگاری است؟»

با سماجت داخل رفتم. با بی میلی مرا به گوشه ترین جای سالن راهنمایی کردند، طوری که حتی دیدی به سالن نداشته باشم. فقط یک مایک و یک کتابچه در دستم بود. با خودم فکر کردم: «آیا این ها حاضر می شوند با تو مصاحبه کنند، در حالی که از حضورت این قدر خشمگین اند؟»



## 12



له لمړختو سره سم د غور ولایت په مرکز چغچران کې سلگونه کاریگر په خاورو-دورو کې په یوه څلورلاره کې راټول دي. دوی په دې تمه د سرک پر غاړه ناست دي چې که څوک یې په دیارې کار ته ورسره بوځي. د دوی د ورځني ژوند د گوزارې برخلیک په همدې پورې تړلی دی. که چا کارته بوتل نو نغری یې بل دی، کنه نو بلی ورځي ته به بیا خپل بخت ازمايي. د دوی ترمنځ ۴۵ کلن جمعه خان هم دی چې په تېرو شپږو اوونيو کې یې ایله درې ورځي کار پیدا کړی دی. ده ته د ټولې ورځي د کار په بدل کې له ۱۵۰ تر ۲۰۰ افغانیو ورځانه یا دیارې ورکول کېږي.

جمعه خان وايي، "ماشومان می سرپه سر درې ورځي وړي ویده شوي دي. هم می ښځي ژړل او هم می اولادونو. بیا می له خپل گاونډي یو څو روپی پور کړې چې اوږه پرې واخلم. کله خو وډار شم چې بچیان می له لوړې مړه نه شي"



۴۵ کلن جمعه خان (په منځ کې ولاړ سړی) په تېرو شپږو اوونيو کې یوازې درې ورځي کار او مزدوري کړې دي.  
بی بی سی: پښتو خبرونه ۲۹ غويي ۱۴۰۵ - ۱۹ می ۲۰۲۶

رسیدن به آن شغل داشتیم، قلبم را به درد می آورد. روزهایی که برای کاتکور تلاش کردیم، سختی هایی که تحمل کردیم تا وارد دانشگاه شویم؛ روزی که نتیجه کاتکور آمد، از خوشحالی گریه می کردیم. سال های پرزحمت دانشگاه و مسیر دشوار رسیدن به رسانه، حالا برایم به خاطراتی سنگین و دردناک تبدیل شده اند.

با وجود تمام آن تلاش ها، زخمی عمیق هنوز در وجودم باقی مانده است. باور داشتیم با صدایی که بلند می کنم و گزارش هایی که تهیه می کنم، می توانم برای حق آموزش دختران، دانشگاه و حقوق زنان سهمی داشته باشم. ما بسیار تلاش کردیم، اما جبر زمانه عرصه را بر ما تنگ کرد. ناچار شدیم با دست خالی و چشمان گریان کشور را ترک کنیم و به پاکستان پناه ببریم؛ کشوری که هرگز برای ما پناهگاه واقعی نشد و هنوز هم زیر فشار و سرگردانی در آن زندگی می کنیم.

نزدیک به دو سال است که دور از کشور مانده ایم و پاکستان نیز رنج های زیادی بر ما تحمیل کرده است؛ از تمديد نشدن ویزا گرفته تا تهديد اخراج اجباری. این وضعیت واقعاً دردناک است. می خواهم بگویم، و شاید هم گلایه کنم، از نهادهایی که خود را حامی خبرنگاران می دانند و در رسانه ها تصویر سفید و امیدوارکننده ارائه می کنند؛ در حالی که اینجا خبرنگارانی زندگی می کنند که برای نجات جان خود و فرزندان شان پناه آورده اند، اما هیچ حمایتی دریافت نمی کنند.

ما روزی صدای مردم شدیم تا روایت های شان شنیده شود، اما امروز همان صدا به بهای سنگینی برای ما تبدیل شده است. هر خبرنگاری که در افغانستان به کارش ادامه داده، با خطر بازداشت، زندان یا حتی ترور روبه رو بوده است. هیچ کس تا مجبور نشود، کشور، خانه و خانواده اش را ترک نمی کند.



۲۰ می ۲۰۲۶ تایمز

\*سکینه ناصری، خبرنگار افغان ساکن پاکستان است.

## 13

### کودک فروشی برای زنده ماندن؛ روایت تلخ

#### پدران افغان

یوگیتا لیمای

۱۹ می ۲۰۲۶

گزارشگر جنوب آسیا و افغانستان

با طلوع خورشید صدها مرد افغان به چوک شهر چغچران در مرکز غور جمع می‌شوند. آن‌ها در کنار جاده‌ها صف می‌کشند تا کسی پیدا شود و برای‌شان کاری پیشنهاد دهد. لقمه نانی که در آخر روز به خانه می‌برند بستگی به این دارد که آیا کسی به آن‌ها کار پیشنهاد می‌کند یا خیر.

اما چالش‌هایی که در برابرشان هست، کم نیست. جمعه خان ۴۵ ساله، در شش هفته گذشته تنها سه روز کار کرده است و روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ افغانی درآمد داشته است. «کودکام سه شب پی‌هم شکم گرسنه به خواب رفتند. همسر و کودکام گریه می‌کردند. برای خریدن مقداری آردی پیش همسایه‌ام رفتم. عذر کردم که به من پول قرض بدهد.»

او می‌افزاید: «این می‌ترسم که کودکام از گرسنگی بمیرند.» اما تنها او با چنین مشکلی روبه‌رو نیست.

ملل متحد می‌گوید امروز در افغانستان، سه نفر از هر چهار نفر نمی‌توانند نیازهای روزمره‌شان را فراهم کنند. بیکاری فراگیر است، نظام صحت و درمان با مشکل روبه‌رو است و کمک‌هایی که زمانی نیازهای اساسی میلیون‌ها نفر را برآورده می‌کردند، به مراتب کم شده است.

کشور حالا با گرسنگی بی‌سابقه روبه‌رو است، ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، تقریباً ده درصد جمعیت افغانستان فاصله زیادی با قحطی ندارند.

غور از ولایت‌هایی است که بیشترین آسیب را از این بحران دیده است.

مردان این سرزمین در نهایت فقر و درماندگی به سر می‌برند.

ربانی در حالیکه بغضی گلویش را گرفته می‌گوید: «به من زنگ زدند و گفتند که کودکام دو روز است چیزی نخورده‌اند.»

«احساس کردم که باید خودم را بکشم. بعدش فکر کردم که آن وقت خانواده‌ام را چگونه کمک کنم؟ بنابراین اینجا آمدم که کار پیدا کنم.»

بغض به خواجه احمد اجازه نمی‌دهد که بیشتر از چند کلمه صحبت کند.

او می‌گوید: «ما گرسنگی می‌کشیم. فرزندان بزرگترم فوت کردند، بنابراین من باید کار کنم تا خانواده‌ام را نان بدهم. اما من سالخورده هستم، کسی نمی‌خواهد برای من کاری بدهد.» زمانی که یک نانوايي در چهارراهی شهر باز می‌شود صاحب نانوايي نان‌های خشک را به جمعیت حاضر توزیع می‌کند.

در چند ثانیه، نان‌ها با هجوم مردم تکه تکه می‌شوند و مردان با چنگ زدن تلاش می‌کنند تا تکه‌های نان را فرا چنگ آورند.

ناگهان ازدحام دیگری شکل می‌گیرد. مردی سوار با موتورسایکل می‌خواهد کارگری را برای انتقال خشت با خود ببرد و ده‌ها مرد او را محاصره می‌کنند.

در دو ساعتی که ما آنجا بودیم تنها سه مرد کار پیدا کردند. در همان نزدیکی، خانه‌های گلی ساده در دامنه‌های کوه سیاه‌کوه به روی تپه‌های خاکی قرار دارند. تأثیر ویرانگر بیکاری در این منطقه به وضاحت دیده می‌شود.

عبدالرشید عظیمی ما را به خانه‌اش می‌برد و دو دختر دوگانه‌گی اش رقیه و راحله هفت ساله را نزد ما فرا می‌خواند.

آن‌ها را به خود نزدیک نگه می‌دارد می‌خواهد توضیح دهد که چرا مجبور به انتخاب گزینه‌ای دشوار شده است.

او با گریه می‌گوید: «می‌خواهم دخترانم را بفروشم. من فقیرم، قرضدار و نیازمند.»

او می‌افزاید: «وقتی خانه می‌آیم، لب‌هایم خشک اند، گرسنه، خسته، درمانده و گیج هستم. کودکام به من می‌گویند، بابا! به ما نان بده. اما چگونه بتوانم بدهم؟ کار کجاست؟»

عبدالرشید به ما می‌گوید که چرا می‌خواهد فرزندانش را به ازدواج و یا هم کار در خانه دیگران بفروشد.

«اگر یک دخترم را بفروشم، می‌توانم باقی کودکام را تا چهار سال نان بدهم.»

او راحله را در آغوش می‌گیرد و گونه‌هایش را می‌بوسد: «قلبم را می‌شکند اما تنها راه همین است.»





اهدانندگان دیگر مانند بریتانیا نیز کمک‌های‌شان به افغانستان را به طور چشمگیر کاهش داده‌اند. آمار ملل متحد نشان می‌دهد که کمک‌هایی که امسال دریافت شده ۷۰ درصد کمتر از سال گذشته میلادی است. خشک‌سالی که نیمی از ولایت‌های افغانستان را متاثر ساخته در این بحران نقش عمده دارد. عبدالمالک یکی از روستائیان می‌گوید: «ما از کسی کمک دریافت نکرده‌ایم، نه از حکومت نه هم از کدام نهاد غیردولتی.»

حکومت طالبان که در اگست ۲۰۲۱ قدرت را به دست گرفت، نظام پیشین افغانستان را مقصر بحران بشری در کشور می‌داند.

حمدالله فطرت، معاون سخنگوی حکومت طالبان می‌گوید: «در بیست سال تهاجم [خارجی]، به دلیل سرازیر شدن دلارهای آمریکایی یک اقتصاد مصنوعی ایجاد شد.» اومی‌افزاید: «پس از پایان اشغال، ما فقر، تنگدستی، بیکاری و مشکلات دیگر را به ارث بردیم.» از سویی هم سیاست خود طالبان به ویژه محدود کردن فعالیت زنان، از دلایلی اصلی کاهش کمک‌های بین‌المللی است.

زمانی که از او در این باره پرسیدیم، هرگونه مسئولیت در قطع کمک‌ها را رد کرد و تأکید کرد که کمک‌های بشردوستانه نباید سیاسی شود.

فطرت همچنان به برنامه‌های طالبان برای «کاهش فقر و ایجاد مشاغل با اجرای پروژه‌های اقتصادی» خبر داد. مانند طرح‌های زیرساختی و استخراج معادن.

اما در حالیکه برنامه‌های درازمدت می‌توانند روزی به مردم کمک‌کننده باشند، اما روشن است که میلیون‌ها نفر بدون کمک‌های عاجل زنده نخواهند ماند.

مانند محمد هاشم که دختر ۱۴ ماهه‌اش چند هفته پیش جان سپرد.

او می‌گوید: «دخترم از گرسنگی و در نبود دوا جان داد... زمانی که یک کودک گرسنه و مریض باشد، روشن است که می‌میرد.»

بزرگ یک روستا گفت که نرخ مرگ و میر نوزادان به خصوص به علت سوءتغذیه در دو سال اخیر «بسیار بالا» رفته است.

اینجا اما رقم رسمی از میزان مرگ و میر وجود ندارد، تنها قبرستان‌ها می‌توانند شواهدی از مرگ گسترده نوزادان بدهند.

مانند همیشه، ما قبرهای کوچک و بزرگ را جداگانه شمردیم. قبرهای کوچک دو چند قبر افراد بزرگسال بودند،

کیهان مادر آن‌ها می‌گوید: «تنها می‌توانیم نان خشک و آب گرم بخوریم، حتی جای نداریم.»

دو پسر نوجوان آن‌ها در شهر بوت رنگ می‌کند. یک پسر دیگر شان زباله جمع‌آوری می‌کند و کیهان برای پخت و پز آن را می‌سوزاند.

سید احمد می‌گوید: که او مجبور شد دختر پنج ساله‌اش، شانقه، را بفروشد پس از آنکه به آپاندیس و یک غده در جگرش مبتلا شد.

او می‌گوید: «پولی برای درمان او نداشتیم، بنابراین او را به یک خویشاوندم فروختم.»

عملیات شانقه با موفقیت انجام شد. پول آن از ۲۰۰ هزار افغانی تأمین شد که این دخترک را در بدل آن فروخته بودند.

او می‌گوید: «اگر تمام پول را همان زمان از آن مرد می‌گرفتم، دخترم را با خود می‌برد. بنابراین به او گفتم تنها مقداری پول بدهد تا نداوی دخترم را بکنم. و در پنج سال آینده باقی پول را داده و در نهایت دخترم را ببرد.»

شانقه دستان کوچکش را به دور گردن پدر حلقه زده. پیوند عاطفی آن‌ها آشکار است اما پنج سال بعد او باید پدر را ترک کند و به خانه خویشاوند خود برود.

سعید می‌گوید: «اگر پول می‌داشتم این تصمیم را نمی‌گرفتم.» «بعد گفتم، شاید بدون عملیات بمیرد. دست‌کم این‌طور زنده می‌ماند.»



سعید احمد می‌گوید دختر پنج ساله اش شانقه را فروخته است

دو سال پیش، سعید مقدار کمی دریافت می‌کرد. او مانند میلیون‌ها افغان دیگر، کمک‌های غذایی از قبیل، آرد، روغن، دال و مکمل‌های غذایی به کودکان دریافت می‌کرد.

اما قطع گسترده کمک‌ها در سال‌های اخیر خانواده‌ها را از کمک‌های نجات‌بخش محروم کرده است.

امریکا که از بزرگترین کشورهای کمک‌کننده برای افغانستان به شمار می‌رود، تقریباً تمام کمک‌هایش به این کشور را سال گذشته قطع کرد.

او می‌افزاید: «به علت فقر، شمار بیماران روز به روز افزایش می‌یابد. و ما ظرفیت لازم برای تداوی این بیماران را نداریم.»



ضمیر که شش هفته پیش زاده شده، در بخش مراقبت‌های ویژه کودکان از مننژیت و سینه‌ویغل رنج می‌برد. هر دو بیماری قابل درمان اند اما داکتران باید آزمایش ایم‌آرای کنند مه امکانات لازم برای انجام آن وجود ندارند.

تکان‌دهنده ترین چیزی که داکتران به ما گفتند این است که شفاخانه دارو ندارد که به بیماران تجویز کند. خانواده‌ها مجبور اند تا داروی‌شان را از دواخانه‌های شخصی بخرند.

فهمیه می‌گوید: «بعضی وقت‌ها اگر دویی از نوزاد خانواده‌هایی که وضع اقتصادی بهتر داشته باشند، باقی بماند ما آن را گرفته و به کودکانی می‌دهیم که خانواده‌های شان توان مالی ندارند.»

نبود پول بسیاری از خانواده‌ها را مجبور می‌سازد تصمیم‌های دشوار بگیرند.

نواسه گل‌بدن کمی توان گرفته و تنفس‌اش منظم شده است. اما چند روز بعد خانواده‌اش مجبور شد او را به خانه انتقال بدهند چرا که توانایی پرداخت پول شفاخانه را نداشتند.

ضمیر نیز به همین سبب به خانه منتقل شد.

این کودکان با بدن‌های لاغر شان حالا باید به تنهایی برای زنده ماندن مبارزه کنند.

موردی که نشان می‌دهد که مرگ و میر کودکان دو برابر بزرگسالان است.



شواهدی بیشتری در شفاخانه ولایتی چغچران دیده می‌شد. بخش نوزادان مزدحم‌ترین بخش این شفاخانه است. بسترهای این شفاخانه پر اند، بعضاً دو کودک در یک تخت قرار داده شده‌اند.

بیشتر آن‌ها کم وزن اند و اکثر شان مشکل تنفسی دارند. یک پرستار، تختی کوچکی را که دو نوزاد دختر دوگانه‌گی در آن قرار دارند، خود می‌آورد. آن‌ها دو ماه زودتر از موعد به دنیا آمده اند؛ یکی‌شان تنها دو کیلو و دیگری یک کیلو گرم وزن دارند.

وضعیت آن‌ها وخیم است و به دستگاه اکسیجن وصل هستند. مادرشان، شکیلا ۲۲ ساله، در وارد ولادی بستر است.

گل‌بدن مادرکلان نوزادان می‌گوید: «او خیلی ضعیف است چرا که در زمان بارداری چیزی به جز نان و چای نبود که بخورد. همین سبب شد که نوزادان حالا در این وضعیت باشند.»

چند ساعت پس از آن‌که ما شفاخانه را ترک کردیم، نوزادی که دو کیلو وزن داشت پیش از آن که نامی داشته باشد، جان باخت.

مادرکلان آن‌ها روز بعد به ما گفت: «داکتر تلاش کرد او را کمک کند اما او جان داد.»

گل‌بدن می‌گوید: «من بدن کوچکش را بسته کردم به خانه بردم، وقتی مادرش فهمید، ضعف کرد.»

او می‌گوید، امیدوار است نوزاد دیگر زنده بماند.

پرستار فهمیه هاشمی می‌گوید که بعضی روزها تا سه نوزاد نیز جان می‌دهند.

«در ابتدا دیدن مرگ نوزادان خیلی سخت بود. اما حالا تقریباً به امر عادی تبدیل شده است.»

داکتر محمد موسی اولدت رئیس بخش نوزادان شفاخانه می‌گوید که نرخ مرگ و میر نوزادان به ۱۰ درصد افزایش یافته است که قابل قبول نیست.



او گفت تنها چیزی که برایش اهمیت دارد این است که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد؛ اظهاراتی که در آمریکا به دلیل فشار تورم و افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ، با انتقاد روبه‌رو شده است.

با وجود این اظهارات، چین به دلیل روابط راهبردی و اقتصادی با ایران و وابستگی به مسیرهای انرژی خلیج فارس، یکی از بازیگران کلیدی در بحران کنونی است. بخش بزرگی از نفت تحریم شده ایران راهی چین می‌شود و بسته‌شدن یا کنترل محدود تنگه هرمز بر بازار انرژی آسیا و جهان اثر مستقیم دارد. هم‌زمان، پکن در روزهای اخیر از پاکستان خواسته است نقش میانجی‌گرانه خود میان تهران و واشنگتن را تقویت کند و به حل و فصل مسئله بازگشایی تنگه هرمز کمک کند. این نشان می‌دهد چین، حتی اگر نخواهد در ظاهر نقش میانجی مستقیم را بپذیرد، در پشت صحنه برای مهار پیامدهای جنگ فعال شده است.

در آستانه ورود ترامپ به پکن، مقام‌های اقتصادی دو کشور نیز تحرکات فشرده‌ای داشته‌اند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، و هه لی‌فنگ، معاون نخست‌وزیر چین، در کره جنوبی دیداری سہ‌ساعته برگزار کردند تا زمینه گفت‌وگوهای اقتصادی رهبران دو کشور را آماده کنند. موضوع این مذاکرات، رسیدگی به اختلافات تجاری، زنجیره‌های تامین جهانی، مواد معدنی حیاتی، تعرفه‌ها، نیمه‌رساناها و احتمال تمدید آتش‌بس شکننده تجاری میان دو کشور بود. مقام‌های آمریکایی امیدوارند سازوکاری شبیه «هیات تجارت» میان واشنگتن و پکن ایجاد شود تا از بازگشت جنگ تعرفه‌ای جلوگیری کند.

ترامپ در این سفر آشکارا به دنبال یک موفقیت اقتصادی است. او پیش از حرکت گفته بود از شی خواهد خواست چین را بیش‌تر به روی شرکت‌های آمریکایی باز کند. همراهی مدیران بزرگ فناوری و تجارت، از جمله جنسن هوانگ، مدیرعامل انویدیا، و حضور چهره‌هایی مانند ایلان ماسک در هیئات همراه او، نشان می‌دهد کاخ سفید می‌خواهد این سفر را نه فقط یک نشست امنیتی، بلکه ماموریتی برای گسترش حضور شرکت‌های آمریکایی در بازار چین معرفی کند.

ترامپ پس از قدم‌زدن با شی در میان بوته‌های گل سرخ در باغ‌های ژونگ‌نان‌های، محوطه مرکزی رهبری چین گفت: **« ما چند توافق تجاری فوق‌العاده انجام داده‌ایم؛ توافق‌هایی عالی برای هر دو کشور.»** او در ادامه افزود: **«ما بسیاری از مشکلات مختلف را حل کرده‌ایم؛ مشکلاتی که دیگران**

## دیدار روسای دو ابرقدرت چین و آمریکا!



دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا، روز جمعه سفر سه روزه خود به چین را در حالی به پایان رساند که هر دو ابر قدرت پیشرفت در رابطه‌شان را ستودند. اما تحول بزرگی در زمینه مسائل عمده و مورد اختلاف، از جمله ایران و تایوان، اعلام نشد. هم‌زمان پکن اعلام کرده است که شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور چین، دعوت دونالد ترامپ برای سفر به آمریکا در سال جاری را پذیرفته است.

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، روز چهارشنبه ۱۳ می ۲۰۲۶- (۲۳ اردیبهشت (ثور) ۱۴۰۵)، وارد پکن شد تا در سفری سه‌روزه با شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور چین، درباره مجموعه‌ای از بحرانی‌ترین پرونده‌های جهانی و دوجانبه گفت‌وگو کند. ورود ترامپ به پکن، نخستین سفر یک رییس‌جمهور آمریکا به چین در نزدیک به یک دهه گذشته و نخستین سفر او به این کشور از سال ۲۰۱۷ است. دیدارهای رسمی دو طرف قرار است روزهای پنج‌شنبه و جمعه برگزار شود و جنگ ایران، بحران تنگه هرمز، تجارت، تایوان، هوش مصنوعی، فناوری تراشه و طرح احتمالی گفت‌وگو درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای از محورهای اصلی آن خواهد بود.

این سفر در شرایطی انجام شد که جنگ ایران و آمریکا - اسرائیل به یکی از عوامل اصلی فشار بر اقتصاد جهانی و سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده است. ترامپ پیش از عزیمت به چین گفت انتظار دارد با شی جین‌پینگ درباره ایران «گفت‌وگویی طولانی» داشته باشد، اما هم‌زمان مدعی شد برای پایان دادن به جنگ ایران به کمک چین نیاز ندارد.



آمریکایی را افزایش دهد. در مقابل، پکن خواهان کاهش محدودیت‌های صادرات فناوری و تجهیزات پیشرفته نیمه رسانا از سوی آمریکا است.

رئیس جمهور چین در سخنرانی خود، از واژه «تله توسیدید» نام برد. اصطلاح «تله توسیدید» را کارشناسان و تحلیل‌گران برای توصیف نوعی خطر درگیری به کار می‌برند که در پی تهدید یک قدرت نوظهور برای جایگزینی قدرتی مستقر، پدید می‌آید.

نخستین بار توسیدید را تاریخ نگار آنتی و از بنیانگذاران «تاریخ نگاری علمی» و مکتب واقع گرایی سیاسی، حدود ۲۵۰۰ سال پیش در روایت خود از جنگ پلوپونز توصیف کرد.

#### سخنان ترامپ

رئیس‌جمهور ایالات متحده در حالی که در میان هیات آمریکایی در اتاق بزرگی نشسته بود، گفت: «رئیس‌جمهور شی، می‌خواهم بسیار از شما تشکر کنم. پیش از هر چیز، آن مراسم، افتخاری بود که کمتر کسی تاکنون مانندش را دیده است. و من به‌ویژه تحت تاثیر آن کودکان قرار گرفتم. آن‌ها خوشحال بودند، زیبا بودند. ارتش مشخص است، نمی‌توانست بهتر از این باشد، اما آن کودکان شگفت‌انگیز بودند، و آن‌ها نماینده چیزهای بسیاری هستند. می‌دانم که آن‌ها برای شما نماینده چیزهای بسیار زیادی هستند.»

ترامپ افزود: «من و شما اکنون مدت طولانی است که یکدیگر را می‌شناسیم. در واقع، طولانی‌ترین رابطه میان دو رئیس‌جمهور کشورمان را داشته‌ایم. و این، برای من، یک افتخار است. ما رابطه‌ای فوق‌العاده داشته‌ایم، با هم کنار آمده‌ایم. وقتی دشواری‌هایی وجود داشت، آن‌ها را حل می‌کردیم. من با شما تماس می‌گرفتم و شما با من تماس می‌گرفتید، هر زمان که مشکلی داشتیم. مردم نمی‌دانند، هر وقت مشکلی داشتیم، خیلی سریع آن را حل می‌کردیم. و ما آینده‌ای فوق‌العاده را در کنار هم خواهیم داشت.»

ترامپ افزود: «بنابراین من واقعا بسیار مشتاق گفت و گوی‌مان هستم، این یک گفت‌وگوی بزرگ است. کسانی هستند که می‌گویند شاید این بزرگ‌ترین نشست تاریخ باشد، آن‌ها چیزی مانند این را هرگز به یاد نمی‌آورند. من می‌توانم بگویم که در ایالات متحده، مردم درباره چیز دیگری صحبت نمی‌کنند. اما بودن در کنار شما یک افتخار است، دوست شما

قادر به حل آن‌ها نبودند.» ترامپ با وجود این سخنان، جزئیاتی درباره توافق‌ها ارائه نکرد.

در مقابل، شی جین‌پینگ این سفر را «نقطه عطفی» توصیف کرد و گفت دو طرف «رابطه دوجانبه‌ای تازه» برقرار کرده‌اند؛ رابطه‌ای که به گفته او، «ثبات راهبردی سازنده» است. رئیس‌جمهوری چین همچنین وعده داد که برای باغ گل سرخ کاخ سفید، بذر گل بفرستد.

#### سخنان رئیس‌جمهور چین و بیانیه وزارت خارجه چین

شی جین‌پینگ خواستار تبدیل سال ۲۰۲۶ به سالی «تاریخی و مهم» برای روابط چین و آمریکا شد. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، همچنین تاکید کرد که چین و آمریکا «باید شریک باشند، نه رقیب» و افزود که همکاری به نفع هر دو طرف است در حالی که رویارویی به هر دو آسیب می‌زند.

شی جین‌پینگ، در سخنانی اعلام نمود که روابط تجاری و اقتصادی باید همچنان نیروی محرکه روابط چین و آمریکا باشد، نه مانع.

چین و آمریکا باید ارتباط خود را در تمام سطوح و از طریق تمام کانال‌ها برای افزایش درک متقابل حفظ کنند. چین و آمریکا می‌توانند برای دستیابی به اهداف بزرگتر به نفع کل جهان با یکدیگر همکاری کنند.

به گزارش «رویترز»، وزارت خارجه چین اعلام کرد که شی جین‌پینگ در جلسه‌ای بیش از دو ساعته به ترامپ هشدار داد که مدیریت نادرست مساله تایوان می‌تواند روابط دو کشور را به «جایی بسیار خطرناک» بکشاند و حتی خطر درگیری مستقیم ایجاد کند.

پکن همچنان تایوان را بخشی از خاک چین می‌داند و استفاده از زور برای الحاق آن را رد کرده است، در حالی که آمریکا بر اساس قانون موظف به حمایت دفاعی از تایوان است. اگرچه واشنگتن در بیانیه رسمی خود اشاره مستقیمی به این هشدار نکرد، اما مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، تایید کرد که موضوع تایوان در مذاکرات مطرح شده است.

در کنار اختلافات امنیتی، دو طرف تلاش کردند آتش‌بس شکننده جنگ تجاری را حفظ کنند. مذاکرات اقتصادی پیشین در کره جنوبی زمینه توافق‌هایی درباره تجارت و سرمایه‌گذاری را فراهم کرده بود، و آمریکا امیدوار است چین خرید هواپیماهای بوئینگ، محصولات کشاورزی، و انرژی



جدید روابط دوجانبه در طول سه سال آینده و پس از آن توافق کردند.

به گفته شی، «ایجاد یک رابطه سازنده با ثبات استراتژیک بین چین و ایالات متحده یک شعار نیست.»

وزارت خارجه چین به نقل از شی، همچنین اعلام کرد که دو طرف باید تفاهات مشترک مهمی را که به آن رسیده‌اند، اجرا کنند و از کانال‌های ارتباطی در زمینه‌های سیاسی و دیپلماتیک و نظامی-نظامی بهتر استفاده کنند. دو کشور همچنین باید مبادلات و همکاری‌ها را در زمینه‌هایی مانند اقتصاد و تجارت، بهداشت، کشاورزی، گردشگری، روابط مردمی و اجرای قانون گسترش دهند.

مارکو روبیو اعلام کرد ایالات متحده به پشتیبانی بیشتر چین در راه یافتن راه‌حلی برای تنگه هرمز امیدوار است. وزیر خارجه آمریکا تصریح کرد: «ما امیدواریم چین را متقاعد کنیم که نقشی فعالانه‌تر برای متقاعد کردن ایران بازی کند تا تهران از آنچه در حال حاضر در خلیج فارس انجام می‌دهد و در تلاش برای انجام آن است، فاصله بگیرد.»

روبیو که دونالد ترامپ را در سفر به چین همراهی می‌کند، این اظهارات را در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز که در هواپیمای «ایر فورس وان» انجام شد، ابراز کرد.

وزیر خارجه ایالات متحده در این گفت‌وگو تأکید کرد که رفع وضعیت کنونی حاکم در تنگه هرمز به دلایل مختلف به نفع چین است. با این حال از آنجایی که کشتی‌های چینی نیز در آب‌های خلیج فارس گرفتار شده‌اند. او افزود، اقتصاد چین بر محور صادرات فعالیت می‌کند و از فشارهای اقتصادی ناشی از بحران تنگه هرمز رنج می‌برد، زیرا کشورهای دیگر بر اثر این بحران کالاهای کمتری از چین خریداری می‌کنند.

اظهارات روبیو در تضاد با سخنان ترامپ قرار دارد. رئیس جمهور آمریکا در آغاز سفرش به پکن در پاسخ به این پرسش که آیا همتای چینی او، شی می‌تواند در جنگ ایران یاری‌دهنده باشد، گفت بود: «گمان می‌کنم، ما در مورد ایران به هیچ کمکی نیاز نداریم.»

این در حالی است که چین یکی از همپیمانان مهم جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و از مهم‌ترین خریداران نفت ایران است.

سیاست در قبال تایوان «بدون تغییر»

بودن یک افتخار است، و رابطه میان چین و ایالات متحده آمریکا بهتر از همیشه خواهد شد.»

تنگه هرمز

ترامپ در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز، پس از پایان روز نخست نشست، گفت شی با چند مورد از خواسته‌های آمریکا موافقت کرده است. چین به واشنگتن وعده داده که به تهران کمک نظامی نخواهد کرد.

ترامپ به فاکس گفت: «او (شی جین‌پینگ) گفت که تجهیزات نظامی نخواهد داد... این را با قاطعیت گفت.» ترامپ در بخشی دیگر از این مصاحبه افزود: «این یک اعلام مهم است.»

ترامپ تأکید کرد: «او (شی جین‌پینگ) مایل است تنگه هرمز باز شود و گفت اگر بتوانم به هر شکلی کمک کنم، دوست دارم کمک کنم.»

به گفته کاخ سفید، در پایان گفت‌وگوهای روز پنجشنبه میان ترامپ و شی، دو رهبر توافق کردند که تنگه هرمز باید باز بماند. کاخ سفید همچنین اعلام کرد که رییس جمهوری چین مخالفت کشورش را با نظامی‌سازی این آب‌راه و هرگونه تلاش برای ایجاد عوارض عبور از آن، اعلام کرده است.

ترامپ همچنین در مصاحبه‌ای که پنجشنبه‌شب از فاکس نیوز پخش شد، با اشاره به ایران گفت: «من دیگر خیلی بیشتر از این صبور نخواهم بود. آن‌ها باید به توافق برسند.»

او همچنین گفت شی جین‌پینگ «احتمالاً توانایی تاثیرگذاری بر ایران» را دارد.

در همین حال، وزارت امور خارجه چین، روز جمعه بیانیه‌ای منتشر کرد و خواستار «آتش‌بس جامع و پایدار» شد. در این بیانیه همچنین آمده است: «مسیرهای کشتی‌رانی باید هرچه زودتر، در پاسخ به درخواست‌های جامعه بین‌المللی، بازگشایی شوند.»

ترانمای رسمی وزارت امور خارجه چین گزارش داد، شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ روسای جمهوری چین و آمریکا در جریان جلسه در پکن توافق کردند که در میزبانی موفقیت‌آمیز نشست رهبران اقتصادی اپک و اجلاس گروه ۲۰ در سال جاری میلادی از یکدیگر حمایت کنند.

بر اساس این گزارش، شی جین‌پینگ گفت که دو رهبر بر سر «رابطه پایدار استراتژیک سازنده» به عنوان جهت‌گیری



این حال ، بازارها واکنش هیجانزده‌ای نشان ندادند. شاخص‌های اصلی بورس چین در روز جمعه نوسان محدودی داشتند و شاخص هنگ‌سنگ هنگ‌کنگ کاهش یافت. برخی تحلیل‌گران می‌گویند بازار انتظار توافقی بزرگتر، به‌ویژه در حوزه تجارت و تعرفه‌ها، داشت. در همین حال، اعلام رقم ۲۰۰ فروند برای خرید هواپیماهای بوئینگ کمتر از انتظار برخی تحلیل‌گران بود و به افت سهام بوئینگ انجامید.

با این همه، واشنگتن می‌گوید در زمینه خرید محصولات کشاورزی آمریکا از سوی چین پیشرفت‌هایی حاصل شده است. جیمیسون گریر، نماینده تجاری آمریکا، گفت توافق‌هایی در زمینه خرید محصولات کشاورزی و گوشت گاو نهایی‌تر شده و انتظار می‌رود ارزش این خریدها به ده‌ها میلیارد دلار برسد. اما او هم‌زمان تاکید کرد هنوز روشن نیست آتش‌بس تجاری میان دو کشور پس از پایان مهلت فعلی در اواخر سال تمدید خواهد شد یا نه. همین ابهام نشان می‌دهد که توافق‌های اعلام‌شده بیش از آن‌که یک چارچوب پایدار و جامع باشد، در مرحله مدیریت تنش و خرید زمان باقی مانده است.

#### سخنان ترامپ درباره ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، طی آخرین روز دیدار با همتای چینی خود اعلام کرد تهران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد و گفت بسیاری از مشکلات مربوط به بحران ایران که «دیگران نمی‌توانستند کاری کنند» حل‌وفصل شده است.

ترامپ جمعه 25 اردیبهشت (ثور) گفت پرونده ایران را با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، بررسی کرده و دو طرف نمی‌خواهند ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. او تاکید کرد واشینگتن و پکن می‌خواهند تنگه هرمز باز شود.

رئیس‌جمهوری آمریکا، همچنین گفت دو طرف درباره نحوه پایان دادن به وضعیت مربوط به جنگ ایران به دیدگاه‌های مشترک نزدیک شده‌اند. او اضافه کرد: «احساس می‌کنیم درباره نحوه پایان دادن به این وضعیت، همگرایی زیادی وجود دارد.»

دونالد ترامپ، همچنین اعلام کرد شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، متعهد شده است هیچ تجهیزات نظامی برای کمک به ایران در جنگ با آمریکا و اسرائیل ارسال نکند و

دست‌آوردن‌های گرم و تشریفات روز پنج‌شنبه تا اندازه‌ای تحت شعاع هشدار صریح شی درباره تنش ژئوپولیتیک بسیار قدیمی‌تر، یعنی تایوان، قرار گرفت.

کمی پس از آغاز گفت‌وگوها، رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند که شی به ترامپ گفته است خطا در موضوع حساس تایوان می‌تواند دو کشور را به سوی «درگیری» سوق دهد.

مصاحبه ترامپ با فاکس‌نیوز به موضوع تایوان پرداخت و رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در جریان سفر، وقتی خبرنگاران درباره این موضوع از او پرسیدند، اظهارنظری نکرد.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، به شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت رئیس‌جمهوری «در روزهای آینده» در این‌باره بیش‌تر سخن خواهد گفت.

با این حال، مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز پنج‌شنبه به شبکه ان‌بی‌سی گفت که «سیاست آمریکا در موضوع تایوان تغییر نکرده است.» او گفت پکن این موضوع را مطرح کرده بود، اما «ما همیشه موضع خود را روشن می‌کنیم و سپس به موضوعات دیگر می‌پردازیم.»

#### هوش مصنوعی

درباره ترانه‌های پیشرفته شرکت انویدیا که در هوش مصنوعی استفاده می‌شوند نیز هیچ اعلامی صورت نگرفت؛ هرچند جنسن هوانگ، مدیرعامل این شرکت، در میان رهبران تجاری هیات همراه ترامپ حضور داشت.

شرکت‌های فناوری چینی طبق مقررات صادراتی آمریکا از خرید پیشرفته‌ترین ترانه‌های هوش مصنوعی شرکت انویدیا، مستقر در کالیفرنیا، منع شده‌اند؛ مقرراتی که واشنگتن می‌گوید برای حفاظت از امنیت ملی وضع شده‌اند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، به سی‌ان‌بی‌سی گفت؛ درباره ایجاد «چارچوب‌ها و خطوط حفاظتی» برای استفاده از هوش مصنوعی گفت‌وگو شده است و افزود که «دو ابرقدرت هوش مصنوعی جهان گفت‌وگو را آغاز خواهند کرد.»

#### تجارت

در حوزه تجارت، ترامپ با لحنی پیروزمندانه از «توافق‌های تجاری فوق‌العاده» سخن گفت، اما جزئیات زیادی ارائه نکرد. او پیش‌تر در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز گفته بود چین پذیرفته است ۲۰۰ فروند هواپیمای بوئینگ خریداری کند. با



همزمان، وزارت خارجه چین اعلام کرد سفر رییس‌جمهوری آمریکا به پکن باعث افزایش اعتماد و تفاهم میان دو کشور شده است. بنا به اعلام وزارت خارجه چین، شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ بر سر چارچوبی جدید برای «ثبات راهبردی» توافق کرده‌اند.

وزارت خارجه چین پیش‌تر نیز تاکید کرده بود هرچه سریع‌تر آتش‌بسی جامع و پایدار در منطقه برقرار شود و اعلام کرده بود دستیابی سریع به راه‌حل، به سود آمریکا، ایران و تمام کشورهای منطقه خواهد بود.

### جمع‌بندی

این دیدار در حقیقت بازتاب مرحله‌ای تازه از بحران سرمایه‌داری جهانی و جابه‌جایی توازن قوای بین‌المللی است؛ مرحله‌ای که در آن جنگ، رقابت اقتصادی، فناوری، انرژی و نظامی‌گری به هم گره خورده‌اند.

در شرایطی که فشارهای آمریکا علیه ایران پس از جنگ و بحران تنگه هرمز بازار جهانی انرژی را متزلزل کرده، آمریکا و چین در حالی پشت میز مذاکره نشسته‌اند که هم‌زمان رقیب، شریک و تهدیدی برای یکدیگرند. همین تناقض، ویژگی اصلی جهان امروز است.

به گزارش نیویورک تایمز؛ آمریکا و اسرائیل در تدارک احتمال از سرگیری حمله به جمهوری اسلامی هستند، به گفته اطلاعاتی که نخواستند نامشان فاش شود، این تدارکات گسترده‌ترین مورد از زمان اجرایی‌شدن آتش‌بس است. گزینه‌ها شامل حملات به اهداف نظامی و زیرساخت‌های ایران خواهد بود. به نوشته این روزنامه، ترامپ هنوز درباره گام بعدی خود تصمیمی نگرفته است. آن‌ها افزودند گزینه دیگر شامل استقرار نیروهای عملیات ویژه در داخل خاک ایران برای هدف قرار دادن مواد هسته‌ای مدفون در اعماق زمین است.

به این ترتیب، دیدار پکن برای هر دو رهبر دستاورد تبلیغاتی مهمی داشت. ترامپ توانست خود را در قامت رییس‌جمهوری نشان دهد که با رقیب اصلی جهانی آمریکا معامله می‌کند و از توافقی‌های اقتصادی سخن می‌گوید. شی جین‌پینگ نیز کوشید تصویر چین را به‌عنوان قدرتی مسنول، میانجی‌گر و ضروری در بحران‌های جهانی، از ایران تا تجارت جهانی، تثبیت کند. اما واقعیت پشت این نمایش دیپلماتیک پیچیده‌تر است: اختلاف بر سر تایوان همچنان می‌تواند به سرعت روابط دو کشور را بحرانی کند، جنگ ایران همچنان تهدیدی برای انرژی و امنیت منطقه‌ای است و

در عین حال برای کمک به بازنگه‌داشتن تنگه هرمز اعلام آمادگی کرده است.

رییس‌جمهوری ایالات متحده، پنج شنبه 24 اردیبهشت (تور)، پس از دیدار با شی در پکن، در گفت‌وگو با شبکه «فاکس‌نیوز» گفت: «او گفت تجهیزات نظامی ارانه نخواهد کرد» و افزود رییس‌جمهوری چین «روی این موضوع تاکید داشت.»

ترامپ پیش‌تر به شبکه «فاکس‌نیوز» گفته بود زمان تهران در حال پایان است و ایران باید توافقی را امضاء کند. او بار دیگر تاکید کرد اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و گفت در این زمینه با چین هم‌نظر است. رییس‌جمهوری آمریکا همچنین هشدار داد در صورت شناسایی هرگونه تحرک در تاسیسات هسته‌ای ایران، آمریکا حملات نظامی مستقیمی انجام خواهد داد.

ترامپ در این گفت‌وگو خاطر نشان کرد عملیات نظامی پیشین آمریکا علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، «تلاش‌های تهران برای توسعه سلاح هسته‌ای» را ناکام گذاشته است. او همچنین مقام‌های ایران را «دیوانه» توصیف کرد و گفت اگر ایران به بمب هسته‌ای دست پیدا کند، از آن علیه اسرائیل، خاورمیانه، اروپا و حتی آمریکا استفاده کند.

### احتمال تاثیرگذاری چین بر ایران

با توجه به نارضایتی چین از احتمال وضع عوارض از سوی ایران برای عبور از تنگه هرمز، ترامپ گفت معتقد است شی جین‌پینگ شاید بتواند بر ایران تاثیر بگذارد. او خاطر نشان کرد آمریکا به دنبال بازگشایی تنگه هرمز برای تمام کشورهای منطقه است.

رییس‌جمهوری آمریکا، همچنین گفت صبر زیادی در برابر ایران نخواهد داشت و از تهران خواست هرچه سریع‌تر توافقی را نهایی کند. ترامپ درباره حملات آمریکا به ایران گفت: «اگر متوقف نمی‌شدیم، ممکن بود این وضعیت چند هفته دیگر ادامه پیدا کند و در نهایت پایان یابد. این کار را به درخواست بسیاری از رهبران انجام دادم. با آن‌ها روابط خوبی دارم و این موضوع برایشان مهم است. کار ایران تمام شده است. اکنون می‌توانند توافق کنند، یا نابود خواهند شد. من نمی‌خواهم چنین کاری انجام دهم.» ترامپ همچنین گفت رییس‌جمهوری چین برای کمک به مذاکرات با ایران با هدف دستیابی به توافقی درباره بازگشایی تنگه هرمز اعلام آمادگی کرده است.



در این میان، سخنان شی درباره تجارت نیز بسیار گویاست. او تاکید کرد که «درهای چین به روی جهان بازتر خواهد شد» و شرکت‌های آمریکایی «چشم‌اندازهای درخشان‌تری» در چین خواهند داشت. این سخنان نشان می‌دهد که با وجود فضای جنگ سرد جدید، سرمایه جهانی هنوز عمیقاً به اقتصاد چین وابسته است.

در این جاست که تناقض بزرگ نظم جهانی آشکار می‌شود: آمریکا از نظر نظامی و مالی هنوز قدرت اول جهان است، اما بخش بزرگی از تولید صنعتی و زنجیره‌های تامین جهانی در چین متمرکز شده است. سرمایه آمریکایی بدون نیروی کار، زیرساخت صنعتی و بازار چین به‌سادگی نمی‌تواند بازتولید شود، اما هم‌زمان از رشد و قدرت‌گیری چین نیز هراس دارد.

به همین دلیل، روابط آمریکا و چین ترکیبی از: رقابت، وابستگی متقابل، تهدید، و معامله‌گری دائمی است.

صحنه‌ای که ترامپ رهبران تجاری آمریکایی را یک‌به‌یک به شی جین‌پینگ معرفی می‌کند نیز معنایی نمادین دارد. این تصویر نشان می‌دهد که پشت همه شعارهای ملی‌گرایانه، امنیتی و ایدئولوژیک، منافع مستقیم سرمایه‌های بزرگ قرار دارند.

دولت‌های سرمایه‌داری، حتی در دوره‌های تنش و جنگ، در نهایت حافظ شرایط انباشت سرمایه هستند.

در این موقعیت، برخی تحلیل‌گران هم از راست و هم از چپ، این پرسش به غایت نادرست را پیش می‌کشند که آیا چین بدیلی سوسیالیستی برای نظم آمریکایی ارائه می‌کند؟

در حالی که واقعیت این است چین شکلی از «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» را نمایندگی می‌کند که خود را رقیب سرمایه‌داری جهانی می‌داند بنابراین، چنین موضعی هیچ ربطی به مبارزه طبقاتی سوسیالیستی طبقه کارگر علیه سیستم سرمایه‌داری ندارد. به عبارت دیگر، چین خودش شکلی از سرمایه‌داری دولتی است؛ اقتصادی مبتنی بر انباشت سرمایه، نابرابری طبقاتی و رقابت جهانی.

از این زاویه، تقابل آمریکا و چین نه نبرد «سوسیالیسم و سرمایه‌داری»، بلکه رقابت دو بلوک عظیم سرمایه‌داری در مرحله‌ای بحرانی از تاریخ جهان است. آنچه امروز در پکن جریان دارد، نشانه ورود جهان به دوره‌ای از:

توافق‌های تجاری اعلام‌شده هنوز برای آرام کردن بازارها و رفع بی‌اعتمادی عمیق میان پکن و واشنگتن کافی به‌نظر نمی‌رسد.

در مجموع، سفر ترامپ به چین با اعلام موفقیت پایان یافت، اما نه با حل اختلاف‌ها. دو طرف بیش از آن‌که به توافقی بزرگ رسیده باشند، کوشیدند بحران‌های هم‌زمان را مهار کنند: واشنگتن به دنبال نقش‌آفرینی چین در مهار ایران و باز نگه داشتن هرمز است، پکن می‌خواهد از جنگی پرهزینه برای اقتصاد جهانی جلوگیری کند، و هر دو طرف می‌دانند که پرونده تایوان می‌تواند در هر لحظه فضای مثبت دیپلماتیک را به تقابل تازه تبدیل کند. از همین رو، این دیدار را شاید بتوان نه پایان یک بحران، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از چانه‌زنی میان دو قدرت بزرگ دانست؛ مرحله‌ای که در آن لبخندهای رسمی، هنوز نتوانسته‌اند شکاف‌های واقعی را پنهان کنند.

شی جین‌پینگ در دیدار با ترامپ هشدار داد که اگر مسئله تایوان «به‌درستی مدیریت نشود»، دو کشور ممکن است وارد مناقشه شوند. این سخن صرفاً یک هشدار دیپلماتیک نبود، بلکه بیان فشرده تضادی عمیق‌تر بود: تضاد میان قدرت مسلط سرمایه‌داری جهانی و قدرت نوظهور سرمایه‌داری جهانی.

تایوان در قلب رقابت جهانی بر سر راه فناوری نیمه‌رساناها، مسیرهای دریایی، زنجیره‌های تولید، و کنترل اقیانوس آرام قرار گرفته است. در این نقطه، منافع سرمایه مالی آمریکا، مجتمع نظامی-صنعتی، غول‌های فناوری و سرمایه‌داری دولتی چین مستقیماً با هم برخورد می‌کنند.

اشاره شی به «تله توسیدید» نیز معنایی فراتر از یک مفهوم دانشگاهی دارد. این نظریه می‌گوید زمانی که قدرتی نوظهور جایگاه قدرت مسلط را تهدید می‌کند، خطر جنگ افزایش می‌یابد.

از دیدگاه طبقاتی، در واقع جنگ فقط نتیجه ترس یا سوءتفاهم دولت‌ها نیست؛ بلکه ریشه در رقابت انحصارات سرمایه‌داری برای بازارها، مواد خام، مسیرهای انرژی و حوزه‌های نفوذ دارد. به همین دلیل، مسئله تایوان، جنگ علیه ایران، رقابت هوش مصنوعی و جنگ تجاری آمریکا و چین از هم جدا نیستند. همه این‌ها جلوه‌های مختلف بحران ساختاری نظام سرمایه‌داری جهانی‌اند.



او خاطر نشان کرد که ۲۵ سال پیش، روسیه و چین پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه را امضا کردند و پایه محکمی برای ایجاد یک مشارکت واقعاً استراتژیک و همکاری جامع بنا نهادند که به نفع هر دو کشور و مردم آنها بوده است.

ولادیمیر پوتین به دعوت چین، از 19 تا 20 مه به طور رسمی از چین دیدار خواهد کرد. این بیست و پنجمین سفر پوتین به چین خواهد بود که با سی‌امین سالگرد ایجاد مشارکت استراتژیک هماهنگی چین و روسیه، بیست و پنجمین سالگرد امضای پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه بین چین و روسیه و آغاز «سال آموزش چین و روسیه» همزمان است.

طبق گزارش‌های RT، TASS و سایر رسانه‌ها در هجدهم، دستیار رئیس جمهور روسیه، اوشاکوف، ضمن معرفی برنامه سفر خود به چین در روز دوشنبه، اظهار داشت که پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه بین چین و روسیه یک پیمان برجسته است که در سال ۲۰۰۱ توسط روسای دولت دو کشور امضا شده است. سفر پوتین به چین در بیست و پنجمین سالگرد امضای این پیمان، مرحله جدیدی را در روابط دوجانبه رقم می‌زند.

در این گزارش به نقل از اوشاکوف آمده است که روابط چین و روسیه که در چارچوب پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه بین چین و روسیه برقرار شده است، الگویی از روابط بین‌الملل است. هر دو کشور پیوسته به اصول مندرج در این پیمان، از جمله احترام به حاکمیت و دنبال کردن مسیرهای توسعه مستقل، پایبند بوده‌اند. در حال حاضر، روابط چین و روسیه به سرعت در حال توسعه است و به «سطح بالایی بی‌سابقه» رسیده است.

اوشاکوف به خبرنگاران گفت که مقدمات سفر به چین پس از تماس تلفنی بین دو رئیس جمهور در ماه فوریه آغاز شده است. هیئت عالی رتبه به رهبری پوتین «تأمینده» عالی رتبه و متشکل از ۳۹ عضو خواهد بود و مذاکرات بر روابط دوجانبه، تجارت، همکاری در حوزه انرژی و امور بین‌الملل متمرکز خواهد بود.

بر اساس این گزارش، هیئت «بزرگ» شامل پنج معاون نخست وزیر و هشت وزیر از وزارت امور خارجه، وزارت کشاورزی، وزارت فرهنگ، وزارت حمل و نقل، وزارت توسعه اقتصادی، وزارت دارایی، وزارت عمران و وزارت آموزش خواهد بود. کاخ ریاست جمهوری توسط خود اوشاکوف، معاون رئیس دفتر ریاست جمهوری، اورشکین و

بی‌ثباتی ژئوپلیتیک، تشدید رقابت امپریالیستی، نظامی‌گری، بحران انرژی، و باز تقسیم قدرت جهانی است. اما همان‌گونه که سوسیالیسم علمی که بنیان‌گذار آن کارل مارکس است تاکید می‌کند، هزینه این بحران‌ها را نه دولت‌ها و نه میلیاردرها، بلکه طبقه کارگر و فرودستان جهان می‌پردازند: از کارگران آمریکایی که زیر فشار تورم و جنگ‌افروزی قرار دارند، تا کارگران چینی که موتور تولید جهانی‌اند، و تا مردم ایران و خاورمیانه و آفریقا که در متن مستقیم جنگ و تحریم زندگی می‌کنند.

به همین دلیل، مسئله اصلی فقط رقابت دولت‌ها نیست، بلکه آینده مبارزه طبقاتی در جهانی است که وارد دوره‌ای تازه از بحران و آشفتگی تاریخی شده است.

یکشنبه بیست و هفتم اردیبهشت (ثور) 1405-هفدهم مه 2026

بهرام رحمانی

روبرداشت از: مجله جنوب جهانی

## 15

### یک سفر دیگر به پکن: تفاوت با سفر ترامپ از زمین تا آسمان



کرملین در مورد سفر پوتین به چین گزارش می‌دهد: ۴۰ توافقنامه دوجانبه امضا خواهد شد و همکاری‌های انرژی تعمیق خواهد یافت.

به گزارش خبرگزاری CCTV، در تاریخ ۱۹ مه به وقت محلی، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در آستانه سفر رسمی خود به چین، یک سخنرانی ویدیویی ایراد کرد.



هیچ کشور ثالثی را هدف قرار نمی‌دهند، بلکه به «صلح و رفاه مشترک» متعهد هستند.

او گفت: «این یک سند اساسی، کاملاً مفصل و ۴۷ صفحه کامل است. این سند مسیر اصلی توسعه روابط دوجانبه چندوجهی ما را تعریف می‌کند، دیدگاه مشترک ما را در مورد مسائل مختلف و فوری در دستور کار بین‌المللی و اشکال اصلی تعامل در امور جهانی روشن می‌سازد.»

بر اساس گزارش‌های خبرگزاری آناتولی ترکیه و منابع دیگر، اوشاکوف همچنین اظهار داشت که همکاری در زمینه انرژی، از جمله تأمین هیدروکربن‌ها و گاز طبیعی، یکی از موضوعات کلیدی مورد بحث در این سفر خواهد بود.

او فاش کرد که دو کشور با مشارکت مقاماتی که مستقیماً مسئول پروژه‌های مربوطه هستند، همکاری در حوزه هیدروکربن‌ها را به تفصیل مورد بحث قرار خواهند داد.

او گفت: «جزئیات در حال حاضر منتشر نخواهد شد، اما من معتقدم که رهبری بحث‌های بسیار عمیقی در مورد این موضوع با نمایندگانی که مستقیماً در تمام این پروژه‌ها دخیل هستند، خواهد داشت.»

به گفته اوشاکوف، عرضه نفت روسیه به چین در سه ماهه اول سال جاری بیش از یک سوم افزایش یافته است.

او گفت: «در سه ماهه اول امسال، عرضه نفت ما به مصرف‌کنندگان چینی بیش از ۳۵ درصد افزایش یافت و به ۳۱ میلیون تن رسید.» «روسیه همچنین یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز طبیعی چین، از جمله گاز طبیعی مایع، است.»

اوشاکوف تأیید کرد که خط لوله گاز پیشنهادی «قدرت سیبری ۲» نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت و افزود: «ما این موضوع را به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد.»

مشاور کرملین، همکاری در حوزه انرژی را به عنوان یکی از محرک‌های اصلی روابط اقتصادی دوجانبه، به ویژه در بحبوحه تنش‌ها در خاورمیانه، توصیف کرد.

او گفت: «همکاری در بخش انرژی به لوکوموتیو تجارت روسیه و چین تبدیل شده است. در پس زمینه بحران خاورمیانه، روسیه همچنان نقش خود را به عنوان یک تأمین‌کننده قابل اعتماد حفظ می‌کند، در حالی که چین همچنان یک مصرف‌کننده مسئول منابع انرژی است.»

اوشاکوف در ادامه اظهار داشت که تا سال ۲۰۲۵، تجارت روسیه و چین به نزدیک به ۲۴۰ میلیارد دلار خواهد رسید

دبیر مطبوعاتی ریاست جمهوری، پسکوف، نمایندگی خواهد شد. اعضای باقیمانده هیئت شامل نابیولینا، رئیس بانک مرکزی، چندین مقام منطقه‌ای، روسای شرکت‌های دولتی و خصوصی و مدیران بانک‌های بزرگ هستند.

طبق افشاگری‌های بیشتر رسانه‌های روسی، اولگ دریپاسکا، مدیرعامل روس‌نفت، مدیرعامل گازپروم و غول آلومینیوم، در میان این هیئت حضور دارد. همچنین روسای روس‌نفت، روس‌اتم و روس‌گاسموس نیز در این هیئت حضور دارند؛ مدیران عامل اسپریبانک و بانک وی‌تی‌بی نیز این هیئت را همراهی خواهند کرد.

اوشاکوف با اشاره به هیئت بزرگ، به شوخی گفت: «هنگام برنامه‌ریزی برای این سفر، شنیدیم که همکارانم به شوخی می‌گفتند که قرار است می‌شوستین (نخست‌وزیر) را در مسکو تنها بگذاریم. همه معاونان او به پکن برده شده‌اند. می‌توانم به شما اطمینان دهم که آنها را سالم برمی‌گردانیم.»

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، روز دوشنبه گفت: «ما برای اینکه ببینیم هیئت کدام کشور بزرگترین است رقابت نمی‌کنیم، بلکه هدف ما توسعه یک رابطه دوجانبه مستقل، متنوع و غنی‌کننده با چین است.»

پسکوف همچنین تأکید کرد که روسیه «جدی‌ترین و متنوع‌ترین» انتظارات را برای این سفر به چین دارد.

او گفت: «ما امید زیادی به این دیدار داریم... روابط ما همه جنبه‌ها را در بر می‌گیرد و علاوه بر همکاری در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، دو طرف به طور فعال در حال انجام تبادلات در زمینه آموزش نیز هستند.» «هر دیدار بین دو رئیس دولت می‌تواند انگیزه جدیدی را به توسعه و گسترش بیشتر روابط دوجانبه تزریق کند.»

به گفته اوشاکوف، رهبران چین و روسیه مذاکرات رو در رو و گسترده تری با تمرکز بر «مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل» در روابط دوجانبه و همچنین تحولات عمده بین‌المللی برگزار خواهند کرد. انتظار می‌رود دو طرف نزدیک به ۴۰ سند همکاری دوجانبه را که حوزه‌های مختلف همکاری از جمله صنعت، حمل و نقل و انرژی هسته‌ای را پوشش می‌دهد، امضا کنند و همچنین شامل یک بیاتیه مشترک با هدف تعمیق مشارکت جامع استراتژیک بین دو کشور خواهد بود.

او همچنین اظهار داشت که دو رهبر اعلامیه‌ای در مورد ترویج «جهانی چند قطبی» و «نوع جدیدی از روابط بین‌الملل» تصویب خواهند کرد. او افزود که روسیه و چین



چهار عضو دنام دیگر شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود.

سه شنبه 29 ثور 1405 شمسی مطابق 19 می 2026 میلادی

متن از روان جیاقی، شبکه آبرور چین

ترجمه مجله جنوب جهانی

\*\*\*

و همچنان متنوع خواهد شد، به طوری که «ساختار تجارت گسترش می‌یابد و نسبت تجارت کالاهای با ارزش افزوده بالا به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. روسیه و چین شرکای تجاری مهمی برای یکدیگر هستند.»

اوشاکوف گفت که تسویه حساب بین دو کشور تقریباً به طور کامل به ارزهای خودشان تبدیل شده است که به طور قابل اعتمادی از تجارت دوجانبه در برابر نفوذ کشورهای ثالث و بی‌ثباتی جهانی محافظت می‌کند.

او افزود: «رشد تجارت دوجانبه بدون شک به دلیل گام‌های هماهنگ روسیه و چین برای تغییر تسویه حساب‌های بین دو کشور به ارزهای خودشان است. در اصل، ما یک سیستم تجارت دوجانبه پایدار ایجاد کرده‌ایم که تحت تأثیر کشورهای ثالث یا روندهای منفی در بازارهای جهانی قرار نمی‌گیرد.»

علاوه بر این، از زمان اجرای سیاست لغو روادید بین چین و روسیه، تقریباً دو میلیون شهروند روسی به چین و نزدیک به یک میلیون شهروند چینی به روسیه سفر کرده‌اند. تبدلات فرهنگی، هنری و سایر تعاملات انسانی بین دو کشور در حال شکوفایی است.

اوشاکوف همچنین تأیید کرد که پوتین در اجلاس سازمان همکاری شانگهای (SCO) در بیشکک، پایتخت قرقیزستان، از 31 اگوست تا 1 سپتامبر؛ اجلاس بریکس در دهلی نو، از 12 تا 13 سپتامبر؛ و اجلاس ایک در شنژن، از 18 تا 19 نوامبر، شرکت خواهد کرد.

طبق گزارشی از خبرگزاری اسپوتنیک، روسیه و چین در حال تقویت هماهنگی در چارچوب‌ها و سازوکارهایی مانند سازمان ملل، بریکس و گروه ۲۰ هستند. در شرایط جهانی امروز، حفظ روابط نزدیک بین روسیه و چین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

گونو جیاکون، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در کنفرانس مطبوعاتی عادی خود در 18 مه، ترتیبات مربوط به سفر پوتین به چین را معرفی کرد و گفت که در طول این سفر، دو رئیس جمهور در مورد روابط دوجانبه، همکاری در زمینه‌های مختلف و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مورد علاقه مشترک تبادل نظر خواهند کرد.

روزنامه ساوت چائنا مورنینگ پست چاپ هنگ کنگ پیش از این گزارش داده بود که سفر پوتین به چین بخشی از تعاملات دیپلماتیک معمول بین دو کشور است. چین همچنین اولین کشوری خواهد بود که ظرف چند ماه میزبان رهبران

## جما

بوده آزادی و آبادی ز ارمان جما

رهروان با جان بسته عهد و پیمان جما

بسته اند درب مکتب را تروریستان شوم

باز خواهد کرد این در دست گردان جما

با (مسیرش) خوش درخشد در مسیرزنده گی

نور دانش میفشاند پرتو افشان جما

بشکند تبعیض و ظلم این تروریستان شوم

توده آخر باز گردد با دبستان جما

انقلاب خلق سوزد باره ی ظلم و ستم

باز آرد زنده گی شاد پاران جما

زیر بار سبزه ی شب توده ها درمانده شد

بشکند این ظلم هارا مرد میدان جما

کمیته فرهنگی جبهه مردم افغانستان «جما»

بعضی‌ها تلخ معلوم شود، ولی تصویر جامعه ما نزد ترک‌ها، عرب‌ها و بسیاری ملت‌های دیگر تا حد زیادی همین‌طور است.

هند هر سال تقریباً نیم میلیون انجنیر مسلکی، متخصص تکنالوژی، کمپیوتر ساینس، کارشناسان سیستم بانکی، داکتران، نرسان و دیگر افراد حرفه‌ای را به جهان معرفی می‌کند.

فیلیپین نیز تنها در سال ۲۰۲۵ با آمریکا توافقی امضا کرد که بر اساس آن، سالانه برای ۱۰۰ هزار نرس ویژه صادر شود.

همچنان امارات متحده عربی سال گذشته برای هند، بنگلادش و پاکستان ۵۰ هزار ویژه خاص داکتران و متخصصان طبی اعلان کرد.

اگر در دهه سوم قرن بیست‌ویکم مسیر ما همین باشد و علم و دانش در جامعه ما بی‌ارزش و مباح پنداشته شود، فکر می‌کنم تا چندین قرن دیگر هم از چوپانی در کشورهای ترک و کارگری در کشورهای عربی نجات پیدا نکنیم.

البته هدف من تحقیر این شغل‌ها نیست، بلکه این است که کمی بیشتر به آینده خود فکر کنیم.

بقلم : Ezzat Adeel



حقیقت تلخ ویژه های ترکیه برای چوپانی



\*\*\*

16

## اخبار و گزارشات از زندان سرپاز بنام افغانستان

بوتهل فانتا جای خود را به بوتهل آب معدنی داده است.

رسول پارسی ادعا کرده است که در زندان طالبان، متهمان را با «بوتهل آب معدنی» تهدید می‌کنند تا از آنان اعتراف اجباری بگیرند.

در زمان حکومت داکتر نجیب نیز روایت‌هایی وجود داشت که بازجویان برخی متهمان را تهدید می‌کردند که اگر مطابق خواست آنان اعتراف نکنند، «بوتهل فانتا» را به مقعدشان فرو خواهند کرد.

رسول پارسی، استاد دگراندیش دانشگاه که به مدت ۱۶ ماه در زندان طالبان زندانی بود، افغانستان را ترک کرده و برای اقامت به فرانسه رفته است.



\*\*\*

ترکیه برای ۲۰ هزار افغان در قسمت چوپانی و محافظت

حیوانات ویژه اعلان کرده است.

با شنیدن این خبر شاید بعضی‌ها خوشحال شوند که ترکیه برای ۲۰ هزار افغان در قسمت چوپانی و محافظت حیوانات ویژه اعلان کرده است. اما با تاسف، بسیاری از کشورها از ما همین نوع قوای بشری را توقع دارند. شاید این گپ به



پیروز باد انقلاب دموکراتیک نوین!

باحرمت

گزارش اولیه: رفقای مرکز و ولایات

تبصره: حلقات مطالعاتی اخگر و روستاخیز

گروپ آموزش و پرورش جوانان

افغانستان

۹ می ۲۰۲۶

\*\*\*



**فساد، رشوه‌گیری، بازداشت‌ها و دوسیه‌سازی‌های  
ساختگی در آمریت جنایی ولایت تخار؛  
چگونه بجای مولوی کریم الله قاتل و زناکار  
افراد بیگناه محکوم و زندانی شدند؟**

از ادارات طالبان خبرها و گزارش‌های زیادی از فساد، رسوایی و رشوه‌گیری می‌رسد؛ موارد و مسائل و جنایت‌های از دید و چشم مردم پنهان می‌ماند. قضایا و جنایت‌های که موی در بدن آدم راست می‌شود. منابع معتبر محلی از یک قضیه جرمی و جنایی به چنین شرح واقع شده گزارش دادند. صدها قضایای خاموش در جریان است. امیدوارم مردم ما سکوت و بی‌خاصیتی را کنار گذاشته موضوعات را به ما شریک ساخته و آماده‌گی یک مبارزه‌ی نفس‌گیر و تمام‌عیار را بخاطر حفظ و پاسداری ناموس و عزت‌شان در برابر طالبان داشته باشند. یک مولوی مسجد بنام مولوی کریم الله از آه‌نדרه تالقان س ولی قضیه در چقل خطایان واقع شده در آنجا خطیب بوده است. با یک زن شوهردار رابطه‌تأمین کرده هم‌رایش فعل زنا را انجام داده که نام آن زن نسیمه می‌باشد. ملای مکاره، فریبکار که به نام‌های مختلف زنان را فریب داده و بارها

**تداوم تراژدی خون و جنون زیر سایه طالبان!**

قرار گزارش رفقای مرکز و ولایات: در ظرف دو هفته، ۱۵ زن و دختر در ولایات کابل، هلمند، دایکندی، هرات، سرپل، فراه، غور و بدخشان بدست اعضای مرد خانواده‌ها، نیروهای طالب و افراد ناشناس (داعش) به شکل وحشتناک کشته شدند، از سر بریدن تا گلوله باران شدن... چه غمگین است زندگی در جامعه‌ی بی‌که بار عزت و ننگ را فقط زن حمل میکند و اکثریت مردان پابند هیچ ارزش و معیار مذهبی، اخلاقی و انسانی نیست.

تقدیم به زنانی که در سرزمین طالبان و مردان طالب مفکوره، سلاخی شدند.

تبصره:

این گزارش تکان‌دهنده از سلاخی ۱۵ زن و دختر در جغرافیای خون‌بار افغانستان، تنها تراژدی انسانی نیست بلکه نمود عینی تضاد حاد طبقاتی و جنسیتی در تحت حاکمیت ارتجاع و نوکران امپریالیسم است. از کابل تا بدخشان، کارِ پدرسالاری و گلوله‌ی طالبانی، دو روی یک سکه هستند که باعث سرکوب سیستماتیک نیمی از جامعه برای بقای نظم کهنه و فرسوده گردیده است.

کشتار زنان به دست اعضای خانواده، طالبان و داعش نشان‌دهنده یگانگی منافع این نیروهای مرتجع است. از دیدگاه انسانی، خانواده تحت حاکمیت ارتجاع، کوچکترین سلول منبع فاشیسم است. مردی که به نام عزت سر می‌برد، پیاده نظام همان سیستمی است که طالبان در سطح کلان اعمال می‌کنند. این عزت، پوششی دروغین برای حفظ مالکیت فئودالی بر بدن انسان زن است.

در حالی که خون این زنان بر زمین می‌چکد نهادهای حقوق‌بشری و سایر دست‌نشانده‌های امپریالیستی به دنبال تعامل و اصلاح رفتار طالبان هستند. زنان آگاه، بیدار و روشنفکر افغانستان هرگونه استمداد از نهادهای بین‌المللی که خود جاده صاف کن قدرت‌گیری ارتجاع بوده‌اند، خیانت به خون این کشتگان میدانند. آزادی زن از لوله تفنگ و سازماندهی توده‌ای می‌گذرد.

جامعه‌ای که بار «ننگ و نام» را بر گلولی دریده‌ی زنان می‌گذارد، جامعه‌ای است که باید از بنیاد ویران شود. زنان نه خواهان اصلاح اخلاقی مردان، بلکه خواهان سرنگونی زیربنای اقتصادی-اجتماعی است که زن را کالا و ابزار شرف تعریف می‌کند.



که هیچ گاهی در تاریخ تکرار نشده است. اگر همین جمهوریت میشد شوهر آن زن و یا برادر و فامیل زن صدایشان را بلند کرده حداقل در یک رسانه صحبت کرده می توانستند به نهادهای مدافع حقوق زنان مراجعه می کردند. در نظام اسلامی هیبت الله انسان کشور، گوش و چشم دارد، دهان و زبان ندارد. بی زبان سازی و بی خاصیت سازی آدم ها توسط شکنجه های هولناک و غیر انسانی یک هدف نظام اسلامی طالبانی است. اگر طالب کشتن و بستن، زنجیر و زولانه را بلد است، شما هم رحم نکنید دستهای تان نلرزد، کشتن طالب را یاد بگیرید.

منبع : منابع محلی و خبرگزاری نگاه افغانستان  
\*\*\*\*

### منابع محلی گزارش می دهند که :

مسئولان ریاست امر به معروف و نهی از منکر ولایت هرات بر رعایت حجاب اسلامی به گونه کامل تأکید کرده و می گویند که به نظر آنها معیار حجاب، پوشش فراخ، غیر چسبان و غیر جلب توجه می باشد. به گفته آنان، پوشیدن لباس های تنگ با اصول حجاب شرعی در تضاد است.



مولوی عزیز الرحمان المهاجر رئیس این اداره میگوید که حجاب باید به گونه ای باشد که تمام بدن زن را بپوشاند و جلب توجه نکند و این پوشش می تواند شامل برقع، چادر یا هر نوع لباس دیگر باشد، مشروط بر این که شرایط حجاب شرعی را داشته باشد.

مولوی المهاجر علاوه می کند که استفاده از چادرهای و لباس های چسب با اصول حجاب اسلامی در تضاد است و باید از آن خودداری شود.

رئیس امر به معروف و نهی از منکر هرات از شهروندان، به ویژه خانواده ها می خواهد تا در راستای ترویج فرهنگ

زنان بی سواد را شکار کرده است. ملا یعنی شکارچی ماهر شرعی. به گفته ی شوهر زن، یک سیت طلا و یک گوشواره طلا نزد زن موجود بوده، بعد از فعل زنا زن را با چاقو به قتل می رساند. در عین حال با مسئولین جنایی هم ارتباط داشته و به آمریت جنایی در پیوند به حادثه دونفر دیگر که سابق قاری های زیر دست همین ملا بوده را معرفی میکند که همین ها قاتل اند. ده روز آنها در جنایی زیر تحقیق و مورد لت و کوب قرار گرفتند. ده روز بعد دیروز اسناد پیدا شده که مولوی کریم الله شخصا عمل شنیع را انجام داده، فاعل و عامل اصلی قضیه خودش است. شخص عارض شوهر زن به محکمه اسناد میدهد. در نهایت جنایی ناچار می شود خود مولوی کریم الله را به محکمه تحویل دهد. پیش از دستگیری مولوی، جنایی به اثر لت و کوب از دو نفر بیگناه که مولوی کریم الله ان هارابه جنایی معرفی کرده جبرا اقرار گرفته بودند، وادار ساخته شدند تا مسئولیت قتل را به عهده گیرند. در اثر فشار و لت کوب ده روزه قاری های بی گناه دیروز در نزد قاضی محکمه و مولوی کریم الله در محکمه مسئولیت قتل را پذیرفتند و راهی زندان شدند. مولوی غفور منگل امر جنایی تخار در چنین داستان ها و قضایا ها در بدل پول همکاری نموده، افراد بی گناه را قاتل معرفی نموده راهی زندان میکند. در جنایی به دالر رشوه مطالبه می شود. منابع میگویند در تمام ادارات در محاکم، در حوزه های امنیتی و در تمام بخش های عایداتی و بخش های که با مراجعین سروکار دارند فساد، کارشکنی، رشوه، واسطه بازی جریان دارد وضعیت بدتر از دوره جمهوری است اما مردم صدا و نظر داده نمی توانند. خلاصه کلام در امارت انواع جنایت جنایت های ثبت نا شده در تاریخ بشریت جریان دارد. با سرنوشت انسان ها تجارت جریان دارد. ما که به ملاهای جعلی و ساختگی و مفسدین به نام دین و شریعت می تازیم و آنها را نقد میکنیم، هزار داستان ناگفته از خیانت ملاها داریم. این داستانی است که زنان بیشتر فریب ملاهای مسجد و ملاهای طومار نویس را می خورند و ملاها هیچ کاری جز استفاده از نام شریعت و دین ندارند و به نام دین مردم و مخصوصا زنان را فریب می دهند. پایان اعتماد به ملا همین است. درین داستان ناخوش و قتل یک زن دو طرف مولوی ها هستند. آن طرف مولوی کریم الله است که به مردم می گوید های مردم از نظام اسلامی اطاعت کنید رسول الله و پروردگار در باب قتل نفس چنین و چنان حکم کرده طرف دیگر مولوی غفور است که می گوید نظام اسلامی سچه محمدی برپا کردیم، از امر به معروف اطاعت کنید آخر چه می خواهید؟ نظام محمدی و اسلامی همین است و از طرف دیگر در زیر پوست این نظام طالبانی جنایت های جریان دارد



دختر افغان از تحصیل، رژیم فاشیستی آخوندی است. البته این را قبلا بعضی مقامات و مزدوران دیگر این رژیم هم گفته بودند



کارشناس حکومت ایران:  
طالبان را ما نان دادیم به قدرت  
رساندیم نه پاکستان، ترکیه و  
عربستان سعودی

\*\*\*

افغانستان در محور نگرانی‌های امنیتی؛ روسیه و چین  
خواهان مقابله با تروریسم شدند



روسیه و چین در یک بیانیه مشترک صادر شده پس از دیدار رهبران دو کشور در پکن، تروریسم را یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای امنیت افغانستان، منطقه و جهان دانسته و از کشورها خواسته‌اند همکاری‌های ضد تروریسم خود را با افغانستان تقویت کنند.

به گزارش شفقنا افغانستان؛ این بیانیه پس از دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در شهر پکن منتشر شده است.

در این اعلامیه تأکید شده است که هر دو کشور از تلاش‌های افغانستان در راستای مبارزه با تروریسم و جلوگیری از استفاده از خاک این کشور علیه امنیت کشورهای همسایه و منطقه حمایت می‌کنند.

حجاب با این اداره همکاری کنند و مسئولیت دینی و اجتماعی خود را ادا نمایند.

به گفته رئیس این اداره، همکاری مردم در این بخش می‌تواند زمینه‌ساز تطبیق بهتر ارزش‌های اسلامی در جامعه شود و نقش مهمی در حفظ عفت عمومی داشته باشد.

مولوی المهاجر رئیس امر به معروف و نهی از منکر هرات می‌گوید که این اداره تلاش دارد تا از طریق آگاهی‌دهی و همکاری با مردم، موضوع حجاب را به‌گونه مسالمت‌آمیز و مطابق به اصول دینی در جامعه نهادینه سازند.

**زن‌ستیزی فنودالی!**

بیانیه بالا مانیفست عریان ارتجاع فنودالی است که قصد دارد تضاد های بنیادین جامعه را با سرکوب سیستماتیک نیمی از پیکره خلق (زنان) پنهان کند. از نگاه انسانی این فرامین نه یک وظیفه‌ی شرعی بلکه ابزاری برای تثبیت قدرت طبقاتی حاکم است.

تأکید بر عفت عمومی و حجاب غیرجلب‌توجه تقلیل دادن زن به یک شی یا مایملک فنودالی است.

این در حالیست که توده‌های فقیر در هرات و سایر ولایات زیر چرخ های گرسنگی، بیکاری و تخریب خانه‌هایشان توسط شارووالی پامال می‌شوند، دستگاه حاکمه با پیش کشیدن ضخامت چادر و فراخی لباس، سعی در ایجاد یک آگاهی کاذب دارند.

این فرامین، تلاشی مذبحانه برای حفظ ساختار پدرسالاری فنودالی در قرن بیست و یکم است. رهایی زنان از بند حجاب اجباری و فراخ، جدا از رهایی کل خلق از بند استبداد و فقر نیست. تا زمانی که نیمی از جامعه (زنان) در اسارت کدهای پوششی تحمیلی باشند، هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید و هیچ عدالتی برقرار نخواهد.

باحرمت

احمد دهقانزاده

گروپ آموزش و پرورش جوانان

۵ اپریل ۲۰۲۶

افغانستان

\*\*\*

این آقا اسم اش محمد مرندي است و یکی از تحلیل‌گران مزدور جمهوری انتحاری میباشد که با افتخار می‌گوید مسوول تراژیدی افغانستان و محرومیت میلیون‌ها زن و



حقوق زنان و دختران را به گونه جدی تضعیف کرده و زمینه تبعیض ساختاری را در نظام حقوقی کشور تقویت کند. این نهاد امروز پنجشنبه، ۳۱ ثور، در یک اعلامیه گفته است که بر اساس این اصولنامه، حق طلاق برای مردان همچنان به شکل یکجانبه حفظ شده، اما زنان برای درخواست جدایی باید از روندهای پیچیده، محدودکننده و زمانگیر قضایی عبور کنند؛ موضوعی که به باور یوناما، دسترسی زنان به عدالت را دشوارتر می‌سازد.

جورجت گانگون، معاون نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل در افغانستان و مسنول یوناما، در واکنش به این مقرر شده است که این اقدام می‌تواند تبعیض را در ساختار قانونی نهادینه کند و همراه با محدودیت‌های گسترده بر آموزش، کار و حضور اجتماعی زنان، سیستمی را ایجاد کند که در آن زنان از استقلال فردی، فرصت‌های برابر و دسترسی موثر به عدالت محروم شوند.

در بخشی از این اصولنامه که از سوی وزارت عدلیه حکومت طالبان منتشر شده، به مواردی نیز اشاره شده که بر اساس آن در شرایط خاص، زمینه ازدواج افراد کم‌سن‌وسال نیز مطرح شده است؛ موضوعی که واکنش‌های گسترده حقوقی و مدنی را در داخل و خارج افغانستان برانگیخته است.

این اصولنامه حدود یک هفته پیش نشر شد و از همان زمان تاکنون با موجی از انتقادات از سوی نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی روبه‌رو شده است. منتقدان می‌گویند چنین مقرراتی می‌تواند وضعیت حقوق زنان را در افغانستان بیش از پیش محدود ساخته و فاصله میان مردان و زنان را در دسترسی به حقوق قانونی افزایش دهد.

بر اساس گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از جمله یوناما و دیدبان حقوق بشر، پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، محدودیت‌های گسترده‌ای بر زنان در زمینه آموزش، کار، سفر و مشارکت اجتماعی وضع شده است؛ به گونه‌ای که افغانستان در حال حاضر یکی از محدودترین کشورها برای زنان در عرصه عمومی محسوب می‌شود.

کارشناسان حقوقی هشدار می‌دهند که ادامه تصویب چنین مقرراتی می‌تواند ساختار حقوق خانواده در افغانستان را به گونه اساسی تغییر دهد و پیامدهای بلندمدت اجتماعی، اقتصادی و روانی برای زنان و خانواده‌ها در پی داشته باشد.

\*\*\*

در ادامه بیانیه آمده است که مسکو و پکن همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خود را در خصوص افغانستان گسترش خواهند داد و از تأمین ثبات و امنیت پایدار در این کشور حمایت می‌کنند.

در همین حال، پاکستان بارها حکومت طالبان را متهم کرده است که در جلوگیری از استفاده گروه تحریک طالبان پاکستان (TTP) از خاک افغانستان برای انجام حملات در خاک پاکستان ناکام بوده است؛ اتهامی که از سوی طالبان رد می‌شود.

در ادامه نگرانی‌ها از گسترش ناامنی و فعالیت گروه‌های تروریستی در افغانستان و منطقه، موضوع مبارزه با تروریسم بار دیگر به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی با کابل تبدیل شده است.

با این حال، تحلیل‌گران می‌گویند افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و نگرانی قدرت‌های بزرگ از گسترش ناامنی در افغانستان باعث شده موضوع مبارزه با تروریسم بار دیگر به یکی از محورهای اصلی روابط کشورهای منطقه با کابل تبدیل شود، در حالی که آینده همکاری‌های امنیتی در افغانستان همچنان به تعاملات سیاسی و منطقه‌ای وابسته باقی مانده است.

\*\*\*

### ادامه واکنش‌های جهانی به تفریق نامه زوجین طالبان: یوناما از افزایش تبعیض و خشونت علیه زنان هشدار داد



یوناما (دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان) هشدار داده است که اصولنامه تازه موسوم به «تفریق زوجین» که از سوی حکومت طالبان منتشر شده، می‌تواند



بسیاری از ولایت‌های غرب افغانستان نیز مواد غذایی خود را از همین مارکیت تهیه می‌کنند.

یک منبع از میان مغازه‌داران مرکز تجارتي خواجه محمد تاکی به گزارشگر جما گفت که دزدان با محل نگهداری پول مغازه‌داران آشنا بودند.

میزان پول سرقت شده مشخص نیست.

او گفت به مغازه‌داران از سوی طالبان گفته شده است که با هیچ رسانه‌ای گفت‌وگو نکنند و هیچ عکس و ویدیویی از این رویداد بیرون ندهند.

در ماه‌های اخیر، شماری از مراکز تجارتي در هرات برای تامین امنیت خود محافظان شخصی گماشته‌اند.

طالبان تاکنون درباره این رویداد چیزی نگفته است.

اخیرا در هرات سرقت‌های مسلحانه به ویژه سرقت وسایط نقلیه و تلفن‌های همراه به شکل چشمگیری افزایش یافته است.

۳۱ ثور ۱۴۰۵

\*\*\*

### «مهندس بیکار» بنام شمس در کابل تلاش کرد به

#### زندگی خود پایان دهد

منابع محلی در کابل می‌گویند که یک مرد در اعتراض به بیکاری و فقر، در جاده میدان هوایی تلاش کرد به زندگی خود پایان دهد. شاهدان عینی گفتند که این فرد خود را فارغ‌التحصیل دانشکده انجنیری کابل معرفی کرد و گفت که برای یافتن شغل به هر نهادی که مراجعه می‌کند به او وظیفه نمی‌دهند. بعد از انتقال به شفاخانه از اثر سوختگی شدید فوت نموده و سه طفل خورد سال از او باقی مانده است.



۲۹ ثور ۱۴۰۵

\*\*\*

### "تیراندازی" در سرای شهزاده کابل

منابع محلی روز یکشنبه، سوم جوزا، از حمله مسلحانه و تیراندازی در سرای شهزاده کابل خبر دادند. سه شاهد عینی به گزارشگر جما گفتند یک فرد مجهز به سلاح کلاشینکف به‌سوی چند نفر در سرای شهزاده تیراندازی و سپس از محل فرار کرد.

منابع به گزارشگر جما گفتند که پسر ۲۸ ساله الله گل مجاهد، عضو پیشین مجلس نمایندگان و یک محافظ او روز یکشنبه در نزدیکی سرای شهزاده کابل هدف تیراندازی قرار گرفتند. در این رخداد چهار نفر، به شمول یک زن رهگذر و یک فرد دیگر نیز کشته شدند.

سرای شهزاده بزرگترین بازار داد و ستد و تبادل ارز در کابل است.

مقام‌های طالبان تاکنون درباره این رویداد چیزی نگفته‌اند.

به گفته منابع، پس از وقوع رویداد، قربانیان به شفاخانه فرانسوی‌ها در کابل منتقل شدند.



\*\*\*

### دزدان مسلح یک مرکز تجارتي در نزدیکی فرماندهی امنیه طالبان در هرات را سرقت کردند

دزدان مسلح شب گذشته با ورود به مرکز تجارتي خواجه محمد تاکی در مرکز شهر هرات، پول موجود در هشت دکان را با خود بردند. منابع در هرات می‌گویند که دزدان پس از ورود به این مرکز تجارتي، دستان نگهبان را بستند، کمره‌های امنیتی را تخریب کردند و تا ساعت ۵ صبح در این مرکز حضور داشتند.

مارکیت خواجه محمد تاکی در منطقه درب خوش و در فاصله نزدیک به یک کیلومتری فرماندهی امنیه طالبان در هرات قرار دارد. این مرکز تجارتي از بزرگترین مارکیت‌های عمده فروشی مواد غذایی در هرات است.



## اخبار و وقایع مهم اروپا و جهان

**قتل‌های موسوم به «ناموسی» نتیجه‌ی مستقیم فرهنگیست که زن را انسان کامل و صاحب حق انتخاب نمی‌داند.**

در حالی که خبر قتل بی‌رحمانه "کوثر"، دختر ۱۵ ساله عراقی به دست خانواده‌اش، افکار عمومی در اقلیم کردستان و محافل حقوق بشری را در بهت و اندوه فرو برده است، انتشار ویدئوهایی از پایکوبی بستگان او در بغداد، خشم فعالان مدنی را برانگیخته است.

در منطقه "نهروان" استان بغداد، "کوثر بشار حسیجاوی" نوجوان، تنها به جرم مخالفت با ازدواج اجباری با پسر عمویش، جان خود را به دست اعضای خانواده‌اش از دست داد. بر اساس گزارش سازمان‌های مدافع حقوق زنان در عراق، کوثر پیش از این حادثه از خانه گریخته بود، اما پس از ردیابی در منطقه‌ای دورافتاده، توسط مهاجمان کشته شد.

این جنایت، فقط قتل یک کودک نبود؛ اعدام حق انتخاب بود. قتل آزادی بود.

کوثر بشار را فقط خانواده‌اش نکشتند.

او قربانی یک ساختار کامل پوسیده و ضدانسانی شد؛ ساختاری که سال‌هاست زن را زیر نام مذهب، قبیله، سنت و «شرف» سرکوب می‌کند و برای کنترل بدن و زندگی زنان، خشونت را به قانون و فرهنگ تبدیل کرده است.

دختری پانزده‌ساله را فقط به خاطر این‌که حاضر نشد تن به ازدواج اجباری بدهد، ربودند، شکنجه کردند، کشتند و بعد بر جنازه‌اش رقصیدند.

این صحنه فقط تصویر چند جنایتکار نیست؛ تصویر جامعه‌ایست که بخشی از آن هنوز قتل زن را افتخار می‌داند و برای خون یک کودک هوسه می‌خواند.

باید حقیقت را بی‌پرده گفت:

قتل‌های موسوم به «ناموسی» نتیجه‌ی مستقیم فرهنگیست که زن را انسان کامل و صاحب حق انتخاب نمی‌داند. نتیجه‌ی قوانینیست که برای قاتلان تخفیف قائل می‌شوند. نتیجه‌ی

حکومت‌ها و نیروهاییست که سال‌ها به عشیره، مذهب، زندگی، زن ستیزی و سرکوب آزادی میدان داده‌اند.

جامعه‌ای که در آن دختر پانزده‌ساله برای «نه» گفتن کشته می‌شود، بیمار است. و این بیماری فقط در دست قاتل نیست؛ در مدرسه، قانون، منبر، رسانه، قبیله و تمام ساختارهاییست که به زن یاد داده‌اند سکوت کند و به مرد یاد داده‌اند مالک باشد.

اما امروز زنان دیگر سکوت نمی‌کنند.

از ازدواج اجباری فرار می‌کنند،

در برابر تحقیر و مالکیت می‌ایستند،

حق انتخاب می‌خواهند،

و برای همین ایستادگی، بهای سنگینی می‌پردازند؛ از تهدید و زندان تا قتل. کوثر یکی از هزاران زنیست که قربانی جنگ میان آزادی و سلطه شده‌اند.

اما خون او باید بیش از هر چیز، نفرت از این فرهنگ مرگ را عمیق‌تر کند؛ فرهنگی که کودک می‌کشد و نامش را شرف می‌گذارد.

این سنت‌ها شایسته‌ی احترام نیستند؛ باید رسوا شوند، بی‌اعتبار شوند و از حیات اجتماعی کنار زده شوند.

هیچ جامعه‌ای با قتل دخترانش به شرافت نمی‌رسد. و هیچ آینده‌ی انسانی‌ای ساخته نمی‌شود، مگر با درهم شکستن تمام قوانینی، سنت‌ها و ساختارهایی که هنوز زن را ملک، ناموس و ابزار حفظ آبرو می‌دانند.

کوثر را کشتند تا بگویند زن حق انتخاب ندارد؛

اما حقیقت این است که هر زنی که امروز «نه» می‌گوید، دیوار این فرهنگ خون‌آلود را ترک می‌دهد.

باید این سنت‌های کثیف را بی‌رحمانه زیر پا له کرد؛ نه تطهیرشان کرد، نه توجیه‌شان، نه محترم شمردنشان به اسم «فرهنگ».

فرهنگی که کودک می‌کشد، فرهنگ نیست؛ جنایت سازمان یافته است.

تا روزی که حتی یک دختر به خاطر عشق، آزادی، پوشش، طلاق، انتخاب یا فقط «نه» گفتن کشته شود، باید فریاد زد:

این قتل‌ها اتفاقی نیستند؛

این‌ها اعدام زنانیست که جرات کرده‌اند انسان باشند.



### اردوغان: اسرائیل برای جاه طلبی‌هایش منطقه را به آتش می‌کشد و ما باید جلوی بگیریم

رئیس‌جمهور ترکیه در واکنش به افزایش تنش‌ها پیرامون جنگ علیه ایران، هشدار داد که اسرائیل به دنبال گسترش درگیری‌ها در سراسر منطقه است.

رجب طیب اردوغان در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری این بحران، اقدامات تحریک‌آمیز و پایان‌ناپذیر اسرائیل است. اسرائیل که در توهامات و آرمان‌های خطرناک خود گرفتار شده، بارها نشان داده برای تحقق اهدافش از شعله‌ور کردن منطقه دریغ نمی‌کند.»

اردوغان همچنین تأکید کرد ادامه این روند می‌تواند ثبات خاورمیانه را با تهدیدی جدی مواجه سازد و بحران را وارد مرحله‌ای غیرقابل پیش‌بینی کند.

اظهارات رئیس‌جمهور ترکیه در حالی مطرح می‌شود که طی روزهای اخیر نگرانی‌ها درباره احتمال گسترش جنگ و ورود بازیگران جدید به تنش‌های منطقه‌ای افزایش یافته است



اردوغان: اگر اسرائیل متوقف نشود خاورمیانه را به آتش می‌کشد

\*\*\*

### عراقچی به آمریکا: توانایی سرنگونی اف-۳۵ را ثابت کردیم

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه‌ی ایران، هشدار داده است که در صورت از سرگیری جنگ، «شگفتی‌های بسیار بیش‌تری» در انتظار ارتش آمریکا خواهد بود.

یاد کوثر، یاد تمام دخترانیست که خواستند زندگی کنند، اما قربانی ترس یک جهان پوسیده از آزادی زن شدند.



\*\*\*

### شاهراه ترانزیتی پاکستان - ایران در کنترل ارتش آزادیبخش بلوچ قرار گرفت

منابع معتبر محلی گزارش داده‌اند که شاهراه ترانزیتی کوئته - تفتان در منطقه «شیخ واسیل» شهرستان مستونگ ایالت بلوچستان مسدود شده و کنترل آن به دست ارتش آزادی‌بخش بلوچ افتاده است.

منابع افزوده‌اند که نیروهای این گروه با کارگذاری مواد انفجاری، یک پل بزرگ را منفجر کرده و سپس کنترل این مسیر ترانزیتی میان پاکستان و ایران را در دست گرفته‌اند.

یک مقام محلی پاکستان در ایالت بلوچستان نیز این رویداد را تایید کرده است.

گفتنی است که از روز گذشته به این‌سو، نیروهای ارتش آزادی‌بخش بلوچ در چهار نقطه این شاهراه، ایست‌های بازرسی ایجاد کرده‌اند.

15 می 2026





29/02/1405 مطابق 19 می 2026

\*\*\*

**ترامپ: اگر ایران سلاح هسته‌ای نداشته باشد، توافق  
دیپلماتیک قابل قبول است**

29/02/1405 مطابق 19 می 2026

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفته است که واشنگتن در صورتی از راه‌حل دیپلماتیک با ایران رضایت خواهد داشت که متحده آمریکا در خاورمیانه نیز از شرایط توافق راضی باشند.

ترامپ تأکید کرده است: «اگر آن‌ها راضی باشند، ما نیز احتمالاً راضی خواهیم بود.» او بار دیگر تصریح کرد که شرط اصلی آمریکا، جلوگیری کامل از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است.

او همچنان فاش ساخت که حمله گسترده نظامی که قرار بود انجام شود، پس از درخواست مستقیم رهبران عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی به تعویق افتاد.

به گفته ترامپ، این کشورها خواهان فرصت کوتاه دو تا سه روزه شده بودند، زیرا باور داشتند که به نهایه شدن یک توافق نزدیک شده‌اند؛ موضوعی که باعث شد حمله موقتاً متوقف شود تا زمینه برای یک راه‌حل پایدار دیپلماتیک فراهم گردد.



\*\*\*

عراقچی، بامداد امروز در حساب کاربری خود در اکس نوشته که نیروهای مسلح ایران نخستین نیروی تأییدشده‌ای هستند که موفق به سرنگونی جنگنده‌ی پیش‌رفته اف-۳۵ آمریکا شده‌اند.

او، همچنان افزوده که کنگره‌ی آمریکا، ماه‌ها پس از آغاز جنگ علیه ایران، نابودی ده‌ها فروند هواپیما به ارزش میلیارد ها دلار را تایید کرده است.

وزیر امور خارجه‌ی ایران در بخشی از پیام خود تأکید کرده است: «با درس‌هایی که آموختیم و دانشی که به دست آوردیم، بازگشت به جنگ با شگفتی‌های بسیار بیش‌تری همراه خواهد بود.»



30/02/1405

\*\*\*

**تیراندازی در یک مرکز اسلامی در آمریکا؛ سه تن  
کشته شدند**

در پی تیراندازی در یک مرکز اسلامی در شهر «سن‌دیگو» در ایالت کالیفرنیا آمریکا، سه تن کشته شده‌اند. رسانه‌های بین‌المللی، امروز به نقل از مقام‌های امنیتی گزارش داده که این رویداد به عنوان «جنایت ناشی از نفرت» بررسی می‌شود.

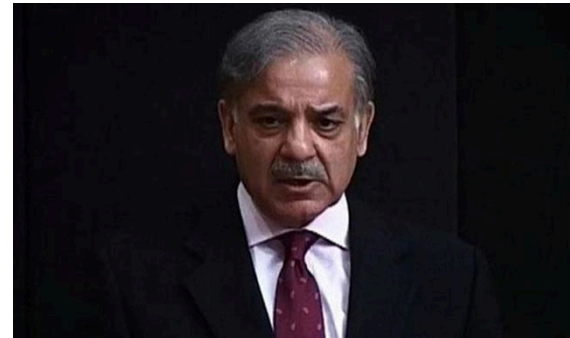
به گفته‌ی پلیس، مهاجمان دو جوان ۱۷ و ۱۹ ساله بوده که پس از تیراندازی، جسد‌های شان با آثار شلیک به خود پیدا شده است.

اسکات وال، رییس پلیس سن‌دیگو، گفته تا زمانی که انگیزه‌ی دیگری ثابت نشود، این رویداد به عنوان حمله‌ی ناشی از نفرت مذهبی بررسی خواهد شد.

شهردار سن‌دیگو با ابراز همدردی با جامعه‌ی مسلمانان گفته که «نفرت در این شهر جایی ندارد» و امنیت مرکز‌های مذهبی تقویت خواهد شد.



## اظهارات تازه شهباز شریف در مورد افغانستان: پاکستان به عملیات‌های ضد تروریسم خود ادامه می‌دهد



رزمی و نقش مهم در حفظ امنیت ملی» ستایش کرده و گفته که این نیروها ستون اصلی ثبات کشور به شمار می‌روند. او همچنین یاد جان‌باختگان نیروهای امنیتی را گرامی داشته و آنان را «شهادی وطن» توصیف کرده است.

او در ادامه بر اهمیت وحدت ملی، همکاری میان نهادهای غیرنظامی و نظامی و نقش مردم در حمایت از تلاش‌های امنیتی تأکید کرده. و گفته، مبارزه با تروریسم تنها از طریق یک رویکرد جامع، هماهنگ و پایدار امکان‌پذیر است و دولت پاکستان در این مسیر به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که در ماه‌های اخیر تنش‌های امنیتی میان پاکستان و افغانستان افزایش یافته است. مقام‌های پاکستانی بارها مدعی شده‌اند که برخی گروه‌های مسلح از خاک افغانستان برای انجام حملات در داخل پاکستان استفاده می‌کنند و این موضوع را یکی از چالش‌های اصلی امنیتی خود عنوان کرده‌اند.

در مقابل، مقام‌های طالبان افغانستان این ادعاها را رد کرده و تأکید دارند که هیچ گروهی اجازه استفاده از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر را ندارد. طالبان همچنین گفته‌اند که تمرکز آنان بر تأمین امنیت داخلی افغانستان و مقابله با گروه‌هایی مانند داعش است.

با این حال، اختلاف دیدگاه میان کابل و اسلام‌آباد در زمینه امنیت مرزی و فعالیت گروه‌های مسلح همچنان یکی از عوامل تنش در روابط دو کشور باقی مانده است. ناظران سیاسی می‌گویند که ادامه این اختلاف‌ها می‌تواند بر ثبات منطقه‌ای و همکاری‌های دوجانبه تأثیر منفی بگذارد.

در همین حال، مقام‌های نظامی پاکستان نیز اعلام کرده‌اند که عملیات‌های ضد تروریسم در بخش‌های مختلف کشور ادامه خواهد داشت و نیروهای امنیتی در حالت آماده‌باش کامل قرار دارند. آنان تأکید کرده‌اند که هدف این عملیات‌ها ریشه‌کن کردن تهدیدهای امنیتی و بازگرداندن ثبات پایدار به کشور است.

در سال‌های اخیر، پاکستان با چالش‌های امنیتی متعددی در برخی مناطق، به‌ویژه در ایالت‌های مرزی و بلوچستان روبه‌رو بوده است. حملات گروه‌های مسلح، افزایش فعالیت‌های تروریستی و تنش‌های مرزی از جمله عواملی بوده‌اند که دولت این کشور را به اجرای عملیات‌های گسترده امنیتی وادار کرده‌اند.

با وجود این چالش‌ها، دولت پاکستان تلاش دارد تا با تقویت ساختارهای امنیتی، همکاری‌های منطقه‌ای و ادامه عملیات‌های نظامی، وضعیت امنیتی کشور خود را بهبود ببخشد و سفر اخیر شهباز شریف به کوئیت نیز در همین

صدراعظم پاکستان در جریان بازدید از یک مرکز نظامی در شهر کوئیت پاکستان اعلام کرده که عملیات‌های ضد تروریسم در سراسر این کشور با هدف مقابله با تهدیدهای امنیتی و حفظ ثبات داخلی با «عزم کامل» ادامه دارد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که روابط امنیتی میان اسلام‌آباد و کابل در ماه‌های اخیر با تنش‌ها و اتهام‌های متقابل همراه بوده است.

به نقل از رسانه‌های پاکستانی؛ شهباز شریف، صدراعظم پاکستان، روز سه‌شنبه ۲۹ ثور در جریان سفر به شهر کوئیت و هنگام بازدید از یک مرکز نظامی ارتش پاکستان، در جمع شماری از استادان، افسران و محصلان این مرکز نظامی سخنرانی کرده است. او در این سخنرانی بر ادامه عملیات‌های امنیتی و ضد تروریسم در سراسر پاکستان تأکید کرده و گفته که نیروهای امنیتی این کشور با آمادگی کامل عملیاتی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی قرار دارند.

شهباز شریف در سخنان خود گفته است که هدف اصلی این عملیات‌ها تأمین امنیت شهروندان، حفظ حاکمیت ملی، مقابله با گروه‌های مسلح و تقویت ثبات داخلی کشور است. او افزوده است که دولت پاکستان هیچ‌گونه مصالحه‌ای در برابر تهدیدهای امنیتی نخواهد داشت و روند مبارزه با تروریسم با شدت ادامه خواهد یافت.

در این سفر، وزیر دفاع پاکستان خواجه آصف، وزیر اطلاعات عطاءالله ترار و سروریز بلوچستان سرفراز بگتی نیز صدراعظم پاکستان را همراهی کردند. مقام‌های حاضر در این نشست درباره وضعیت امنیتی کشور، چالش‌های جاری و نیاز به هماهنگی بیشتر میان نهادهای امنیتی بحث و تبادل نظر کردند.

شهباز شریف در بخش دیگری از سخنان خود از نیروهای مسلح پاکستان به دلیل «حرفه‌ای‌گری، فداکاری، آمادگی



این نگرانی در حالی مطرح شده که محبوبترین مدل آنتروپیک «کلود» نام دارد، اما اخیراً نسخه‌ای به نام میتوس را راه‌اندازی کرده است که به طرز نگران‌کننده‌ای قادر به سوءاستفاده از نقاط ضعف امنیت سایبری است.

کلارک به دانشجویان گفت: بهتر است انسان‌ها بتوانند توسعه این فناوری را کُند کنند «تا به خودمان به عنوان یک گونه زمان بیشتری بدهیم» تا با پیامدهای قدرت‌های آن مقابله کنیم.

کلارک یکی از ارشدترین چهره‌های شرکت آنتروپیک است که توسط محققان هوش مصنوعی که به دلیل اختلاف نظر در مورد ایمنی، شرکت رقیب OpenAI را ترک کردند، تاسیس شد. این شرکت ۹۰۰ میلیارد دلاری (۶۷۰ میلیارد پوندی) توسط کاخ سفید و دیگر طرفداران شتابدهی هوش مصنوعی به «هراس‌افکنی» علیه هوش مصنوعی متهم شده است.

از دیگر سو منتقدان شرکت‌های پیشرو در حوزه هوش مصنوعی مانند آنتروپیک، اوپن‌ای‌آی و گوگل نگرانند که اتکای بیش از حد به معدود مدل‌های هوش مصنوعی آنها - که توسط مقادیر عظیمی از سرمایه‌های سودآور پشتیبانی می‌شوند - می‌تواند یک «نقطه شکست واحد» در سیستم‌های جهانی ایجاد کند.

31 ثور 1405

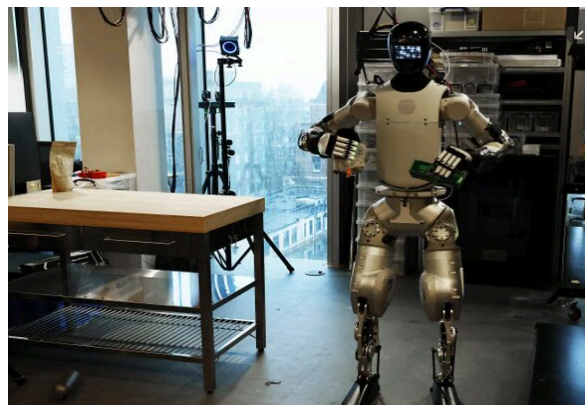
منبع خبر را در گاردین ببینید

چارچوب ارزیابی می‌شود و نشان‌دهنده تمرکز دولت بر مسائل امنیتی و نظامی در شرایط کنونی است.

روابط میان طالبان و پاکستان در سال‌های اخیر پیچیده‌تر و پرتنش‌تر شده است، با وجود اینکه اسلام‌آباد در گذشته از طالبان افغانستان حمایت سیاسی و لجستیکی می‌کرد. پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، پاکستان انتظار داشت که نفوذ بیشتری بر کابل داشته باشد و نگرانی‌های امنیتی خود، به‌ویژه درباره مرز و گروه‌هایی مانند تحریک طالبان پاکستان (TTP)، را مدیریت کند. اما طالبان افغانستان حاضر نشده‌اند به‌طور کامل علیه TTP اقدام کنند و این موضوع باعث بی‌اعتمادی فزاینده میان دو طرف شده است.

\*\*\*

### آینده ترسناک هوش مصنوعی؛ از دستاورد نوبل تا خطر نابودی انسان‌ها



یکی از بنیانگذاران آنتروپیک می‌گوید احتمالاً به زودی هوش مصنوعی به کشفی که برنده جایزه نوبل شود نائل خواهد شد.

گاردین نوشت: جک کلارک «حس سرگیجه‌آور پیشرفت» در این فناوری را توصیف کرد و با ارائه مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌ها گفت: شرکت‌هایی که صرفاً توسط هوش مصنوعی اداره می‌شوند، ظرف ۱۸ ماه میلیون‌ها دلار درآمد کسب خواهند کرد و تا پایان سال ۲۰۲۸، سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به طراحی جانشینان خود خواهند بود.

کلارک در سخنرانی خود در دانشگاه آکسفورد گفت: سناریوهای احتمالی وجود دارد که در آنها این فناوری «شانس غیر صفر برای کشتن همه افراد روی کره زمین» دارد و «مهم است که به وضوح بیان شود که این خطر از بین نرفته است».

(اولوس ارا اجتماعی عدالت قوروشی و ملی  
ایرکین لیک تامینلشی اوچون اولوس تینگ  
ملی بیرلیکی بیرله کوره شیشی ضرور دیر)  
بسیج تبرد آز ادبخش ملی بسیج تبرد توده  
هاست، تا عدالت اجتماعی را تحکیم بخشد

نوت:

مسئولان جریده «مسیر» مسئولیت نوشته‌ها و مضامین  
ارسالی دوستداران «جما» و جریده «مسیر» را به عهده  
نه دارند. صرف با حفظ امانتداری و رعایت احترام آن را  
تکثیر و به اشتراک می‌گذارد.



## 18

### پاسخ به پرسش های دانشجویان و علاقمندان

#### جریده مسیر

تعداد از خوانندگان و علاقمندان جریده مسیر در مورد توضیح بعضی واژه ها و اصطلاحات و همچنان نقدهای بر بعضی از نوشته ها ارسال نموده و خواهان پاسخ و معلومات بیشتر شده اند .

- نقد از یک دوست گرامی و از جمله علاقه مندان و خوانندگان همیشه گی جریده مسیر :

«... تشکر از ارسال منظم نشریه مسیر.

من قصد ندارم که ابراز نظر منفی در مورد این نشریه داشته باشم.

ولی نشریه ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین باید مقالات که نشر میشود در همان خط باشد..

به طور مثال مقاله احمد دهقان زاده در مورد.. تحرکات نظامی سپاه پاسداران... باید سپاه پاسداران ایران منظور باشد نه سازمان که در افغانستان به این نام وجود داشت.

آقای دهقان زاده ارتش مزدور ساخت ناتو و امریکا را که برای سرکوب خلق و ادامه اشغال ساخته شده بود چنین می نویسد.

بسیست سال برای تشکیل ارتش خون و عرق ریخته شده... و در جای دیگر می نویسد..

این نیرو ها که باید در خدمت رهایی مردم و آزادی وطن باشد.»

به جواب دوست گرامی ..

بادرود و مهر دوست گرامی از اینکه وقت گذاشتید مضمین جریده مسیر را با دقت به خوانش گرفته و کمی ها و کاستی های آن را مشخص و مورد نقد قرار داده اید یک جهان سپاس .

- در مورد «تحرکات نظامی سپاه پاسداران» باید «سپاه پاسداران ایران» نوشته میشد کاملاً موافق هستیم انتقاد بجا است ، گرچه در ادامه متن به کرات «سپاه پاسداران ایران» تذکر رفته است . اما ایجاب می نمود که در عنوان نوشته " ایران " نوشته و علاوه میشد « تحرکات نظامی سپاه پاسداران " ایران" در جلب و جذب نیروهای پیشین امنیتی افغانستان!»

- در مورد «بسیست سال برای تشکیل اردو خون و عرق ریخته شده...» باید به یک سلسله واقعت

های میدانی توجه نمود ، نویسنده به هیچ وجه از اشغالگران امریکایی دفاع نه نموده و در ادامه نوشته به کرات آن را مورد نقد و انتقاد قرار داده است ، هدف از بیست سال خون و عرق ریختن ناشی از تصورات توده های میلیونی است که با تصور اینکه آمریکایی ها برای نجات مردم ما آمده اند و برای ما نظام مردم سالار ، دموکراسی و آزادی بیان، رفاه اجتماعی ، اردو ملی و.. میسازند. هدف اینجا از صفوف اردو است نه جنرالان و افسران وابسته به دم و دستگاه "سیا" و جمهوریت پوشالی ساخت امریکا. این عرق و خون را فرزندان توده های فقیر و زحمتکش افغانستان داده اند به دو دلیل :

1- اینکه از روی مجبوریت و فقر گسترده برای تامین امرار معیشت خانواده و فامیل خود ناگزیر شدند تحت تبلیغات گسترده کذایی که از بلندگوهای دستگاه حاکمیت پوشالی تبلیغ میشد ، در این صفوف بیبوندند .

این جوانان تهیدست و بی بضاعت که از روی ناچاری و مجبوریت به صفوف اردو رفته بودند ، بیش از هفتاد هزار کشته و قربانی را همین فرزندان فقیر ترین قشر جامعه ما تشکیل داده بودند . که سلسله این جنایت و کشتار ها تاکنون ادامه داشته و دارد. در شهرها کوچه به کوچه و در اطراف قریه به قریه مورد پیگرد طالبان وحشی قرار گرفته اند ، در بیرون از مرزها مورد توجه دستگاه های استخباراتی کشور های همسایه با بیرحمانه ترین شکل در محراق توجه آنها قرار گرفته که در پی شکار و استفاده ابزاری از این ها بوده و منحیت گوشت دم توپ از آنها استفاده ابزاری و بهره بردار صورت گرفته و میگیرد .

2- به تصور مبنی بر دفاع از مادر وطن و رهایی مردم دردمند از شر بقایا و تفاله های حاکمیت های مزدور کودتای ثور 1357 خورشیدی، تنظیم های بنیادگرا اسلامی و طالبان متجحر و تاریک اندیش که تاکنون تحت شکنجه ، اذیت ، آزار جسمی و روحی این باند های تبهکار خلق - پرچم و اراندل و اوباشان تنظیمی و بنیادگرایان اسلامی قرار گرفته و کشته شده اند.

از جمله 195 هزار اعضای این اردو چند فیصد آن جنرالان و افسران عالی رتبه بودند؟! شاید کمتر از 5 فیصد اما متباقی همه جوانان تهیدست و بی بضاعت بودند که از روی ناچاری به صفوف اردو رفته بودند در بین هفتاد هزار کشته شما چند جنرال و افسر عالی رتبه را میتوانید مشاهده کنید ، قریب به اکثریت قاطع این کشته ها و قربانیان فرزندان فقیر ترین قشر



- 2- آیا دولت و پروفیسور زهما در شکل دهی جنبش چپ انقلابی ( جریان شعله جاوید ) نقش داشتند یا خیر ؟
- 3- کدام سازمانها ، گروههای و افراد سیاسی در شکل دهی جنبش چپ انقلابی سهم فعال داشتند ؟
- 4- در مورد اعضای موسس و کمیته مرکزی سازمان جوانان مرفقی اگر لطف کنید معلومات تان را با ما شریک سازید .
- 5- آیا سازمان برنامه ، اساسنامه و مرامنامه داشت ؟ اگر داشت این اسناد ثبت کدام آرشیف شده یا خیر؟
- 6- آیا جریده شعله جاوید ارگان مرکزی سازمان جوانان بود و یا یک نشریه دموکراتیک و ملی بود ؟
- 7- هیئت تحریر جریده شعله جاوید شامل چی کسانی بودند ؟
- 8- آیا این واقعیت دارد که بعضی ها ادعا دارند که اکثریت مضامین منتشر شده در جریده شعله جاوید از اکرم یاری است ؟
- 9- نقش یاری ها و محمودی ها در سازمان جوانان مرفقی چی بود ؟

- 10- هادی محمودی ، رحیم محمودی ، امان الله محمودی ، عبدالله محمودی ، اکرم یاری ، صادق یاری ، واصف باختری ، مضطرب باختری ، الله داد خروش ، عثمان عصیان ، عبدالاله رستاخیز ، اعظم دادفر ، داکتر فیض ، و.. این افراد در کدام موقف و رده های سازمان قرار داشتند .
- 11- از دید شما منحنیت شاهد زنده و عینی علل و عوامل اولین انشعاب در چه بود ؟
- 12-موقف و مقام داکتر فیض قبل از انشعاب ، چی بود ؟ آیا عضو کمیته مرکزی یا هیئت رهبری سازمان بود یا خیر؟
- 13- داکتر رحیم محمودی از جمله رهبران سازمان جوانان مرفقی بود یا خیر ؟
- 14- آیا سازمان کدام منابع اقتصادی داخلی یا خارجی داشت ؟ اگر پاسخ مثبت است کیها و کدام کشور ها یا نهاد بودند . و اگر پاسخ منفی است ، پس سازمان مصارف خود را چطور تامین مینمود ؟
- 15- از دید شما چرا رهبران سازمان جوانان مرفقی نتوانستند ، جریان شعله جاوید را با این همه شهرت ، محبوبیت و گستردگی آن از متلاشی شدن و پارچه پارچه شدن حفظ کنند ؟
- 16- آیا سازمان جوانان مرفقی یک سازمان قومی بود ، یا یک سازمان فرا قومی .
- 17- با در نظر داشت این تجارب گرانبهای تان آینده این جنبش را چطور ارزیابی میکنید .
- 18- پیام و پیشنهاد شما برای نسل جوان چیست ؟

9 آپریل 2026

د افسوس خای خو دادی چی خینی افغانانو ته لا هم  
حکمتیار ، مسعود ، مزاری او سیاف  
د جهاد قهرمانان او خینو ته بیا تره کی ، امین ،  
کارمل او تجیب د انقلاب قهرمانان دي! نپوهیږم چی  
نور پدی خلکو څه وشي؟

جامعه ما بودند، این خون و عرق را آمریکایی و ارکین دولت پوشالی مزدور ساخت امریکا نه داده اند، بلکه بار این غم بزرگ عرق و خون را تنها توده های فقیر و زحمتکشان افغانستان بدوش کشیده و می کشند.

من نمی خواهم مسائل را تنوریزه کنم این بود برداشت های من از وضعیت آشفته فروپاشی اردو که برای ساختن بیست سال وقت صرف نمودند ، بیشتر از هفتاد هزار کشته و نزدیک به هشتاد میلیارد دلار هزینه کردند .

باحرمت دهقانزاده

\*\*\*

### پیام کمیته فرهنگی «جما»!

یکبار دیگر قابل تذکر می دانیم که به تاریخ 9 آپریل 2026 با تاکید مجدد به تداوم صحبت های قبلی در مورد روشن شدن و مستند سازی تاریخ پرافتخار "جریان شعله جاوید" و "سازمان جوانان مرفقی" یک تعداد پرسش های مطرح شده بود که متاسفانه تاکنون ما موفق به دریافت جوابات ان نشدیم و بی صبرانه مشتاق و منتظریم که اشخاص و شخصیت های پیشکسوت این جریان به ویژه محترم ( داکتر صاحب ع . م ) در مورد همکاری و ادای دین کنند.

### قابل توجه رفیق گرامی ش . ا !

با درود مهر رفیق گرامی و متعهد به آرمان والای انقلابی امیدوارم که لباس عافیت بر تن و از گزند حوادث درامن و امان باشید . بنا بر شناختی که از گذشته شما و از روابط انقلابی تان دارم خواستم در زمینه بعضی مسائل کلیدی گذشته جریان شعله جاوید از اندوخته ها و معلومات تان برای ثبت و مرقوم نمودن تاریخ پرافتخار این جریان انقلابی مستفید شویم . به شما بهتر معلوم است که «جریده مسیر» در این زمینه قدمهای عملی برداشته و در شماره های قبلی خود با همکاری یک دوست گرامی از فامیل محترم محمودی بعضی از مسائل را مستدل به انتشار رسانیده است . اما متاسفانه بدون هیچ دلیلی دوست ما از ادامه بحث و همکاری کناری گیری و روابط خود را قطع نمود.

امیدوارم این کاستی را با همکاری شما و رفقای که شما با آنها در تماس هستید مرفوح سازیم . در زیر چند موضوع را بطور نمونه برای روشن شدن تاریخ پرافتخار جریان شعله جاوید با شما مطرح نموده و خواهان وضاحت و همکاری شما و سایر انقلابیون می باشیم . خواهشمندیم که به این پیام ما جواب مثبت بدهید . با سپاس و حرمت فروان

1- پیش زمینه جریان شعله جاوید قبل از سال 1344 خورشیدی



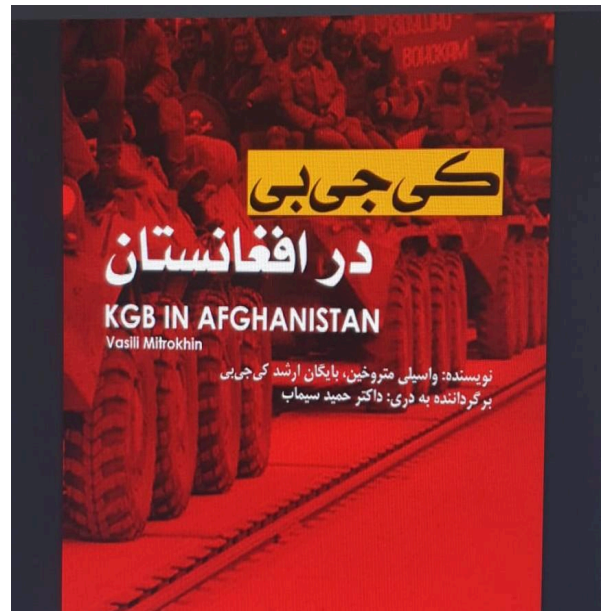
19

## 4 - کودتای ثور

دروغین می دهد و حاضر است به خاطر پاداش (72) جان هزارها کمونیست راستین را قربان کند. بریالی پرسید که ماسکو چرا حالا برایش مشوره می دهد که خود تصمیم خود را بگیرد که به کابل برگردد یا نه، گویی خبر نداشت که در کابل چه میگذرد. وی گفت که در گذشته رفقای شوروی همواره به وی مشوره می دادند که چگونه عمل کند و او هیچگاهی حرف ناشنوی نکرده بود. وی برداشت کارمل از وضعیت را توضیح کرد. کارمل به صورت اخص از پوزانوف دل پرخون داشت. «پوزانوف در ضمن سفیر بودن باید کمونیست نیز باشد. پرچمی ها تصمیم گرفته اند که در چنین مقطعی وضعیت انقلابی را وخیم تر نسازند، اما چنین تصمیمی نباید به مفهوم کاپیتولاسیون (تسلیم) درک گردد.» کارمل بر آن بود که در یک ونیم ماه وضعیت در افغانستان قسمی تغییر خواهد کرد که به نفع تره کی نخواهد بود. نارضایتی از حکومت - که همین حالا آشکار بود- همه گیر خواهد شد. زمان شادمانی و شادکامی گذشته بود و به دنبال آن انتقاد و حمله به تره کی آغاز شدنی بود.

دفتر نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه نیز این خطاها و کاستی ها را متوجه بود. رهبری ح.د.خ.ا. که اراده تره کی و امین بر آن چیره بود، به نظریات و آرزوهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر این که همه نیروهای دموکراتیک مردم افغانستان متحدشده و سهم فعالی در بازسازی کشور خود بگیرند، گوش فرا نمیداد. در حلقهات سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و در ح.د.خ.ا. گفته می شد که امین مبارزه علیه پرچمی ها و خلقی های نکوهشگر را به خاطر آن تشدید می کرد و برمی انگیخت تا موقوف رهبری خود را در حزب، دولت و ارتش مستحکم سازد. با شناختی که از شخصیت امین وجود داشت فکر میشد، وی در آینده در برابر تره کی و طرفداران نزدیکش دست به اقدامی خواهد زد.

اولین نشانه شکاف بین تره کی و امین در اواخر ماه می 1978 در ارتباط اعضای دفتر وابسته نظامی سفارت افغانی در ماسکو رونما گردید. وابسته (اتاشه) نظامی افغانی حامل (73) طره باز و معاونش قصد داشتند به جای برگشت به کابل به غرب بروند. تره کی امر کرد که آنها تحت الحفظ به کابل آورده شوند. امین گفت که باید به آنها اجازه داد به اروپا بروند، چون به گفته او «اگر به افغانستان برگردند مقامات باید آنها را دستگیر کنند و سپس تصمیم بگیرند با آنها چه معامله می کنند؟»



قسمت سوم

به ادامه گذشته ...

بریالی به چکسلواکیا رفت و با کارمل ملاقات کرد. سپس به ماسکو رفت و به آپارتمان نکراسوف تلفون کرد و به وی گفت که پرچمی ها در وضعیت وخیمی قرار داشتند، وضعیت فاجعه بار بود و همه با مرگ روبرو بودند. وی با التماس تقاضا کرد تا تدابیر عاجل برای نجات کارمل و پیروانش اتخاذ گردد. «به نام انسانیت ما را نجات دهید! به نام انسانیت ما را نجات دهید!» این جمله را درحالیکه هق هق میگریست، چند بار تکرار کرد. «نمیدانم چه کنم؟ وسیله امرار معاش ندارم. همه امید ما رفقای شوروی ما هستند. نامه بی از کارمل دارم اما نمیدانم آن را به کی بدهم؟» این مکالمه به سوسلوف و پونوماریف گزارش داده شد. آنها هدایت دادند تا از بریالی در شعبه بین المللی کمیته مرکزی پذیرایی گردد. ا.گ. پولیاکوف (70) با او صحبت کرد ولی اولیانوفسکی (71) از اشتراک در صحبت ابا ورزید. بریالی شکایت کرد که وی موقوف اتحاد شوروی و موضع گیری آن در برابر نابود سازی فیزیکی کمونیستهای راستین و وفادار را درک کرده نمی توانست. وی پوزانوف را متهم کرد که در قبال وضعیت در افغانستان به اتحاد شوروی اطلاعات



نه صد تن از اهالی ولایت بلخ در ماه می سال 1978 به امر عبدالاحد ولسی، منشی اول کمیته ولایتی ح.د.خ.ا. به نام دشمنان انقلاب ثور دستگیر گردیدند. آنها را به زندانی در مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، افکندند و زیر شکنجه گرفتند و کمیسیونی برای بازرسی فعالیت‌های ضد انقلابی آنها تشکیل شد. در اواسط ماه جون از کابل هدایت رسید که همه دستگیرشدگان به کابل انتقال داده شوند، ولی حین بررسی دریافت گردید که تعداد چنین اشخاص خیلی کاهش یافته بود چون هر شب بین 50 تا 60 تن از آنها برون کشیده شده در فرقه 18 پیاده که قرارگاه آن در شهر مزار شریف بود، اعدام میگرددند. اعدام شوندهگان خود برای دفن خود خندق میکنند. هیچگونه سجل و سندی در ارتباط این زندانیان وجود نداشت، اما اوراق اعاشه روزانه نشان میداد که تعداد زندانیان هر روز بین 30 تا 70 تن کاهش یافته بود. اداره زندان توضیح داد که اشخاص مذکور به مناطق اورال و سایبری در اتحاد شوروی فرستاده شده بودند تا از آنها برای انجام کار شاقه در آنجا استفاده گردد. خویشاوندان ناپدیدشدگان بسته هایی حاوی اشیای مختلفی چون صابون از آنها به دست می آوردند که در آن نامه هایی حکایتگر شرایط مشکل و کار طاقت فرسا جاسازی شده بود.

تره کی در ماه اگست 1978 از کشف یک توطئه ضد دولتی به پوزانوف اطلاع داد. چین، ایالات متحده امریکا، ایران، پاکستان، عربستان سعودی و جمهوری فدرالی آلمان در این توطئه قلمداد شدند. [ در اینجا از نسخه اصلی چار کلمه کشیده شده است ] . توطئه گران قصد داشتند تره کی و امین را از بین برده، رهبری جدیدی انتخاب کنند. شاهپور، لوی درستیز سابق، و میر علی اکبر، رئیس شفاخانه جمهوری، که هر دو قبلاً دستگیر شده بودند، این نقشه را افشا ساخته بودند. امین گفت که : «مقامات اکنون از اکثر دستگیرشدگان اعتراف به دست دارد» و اضافه کرد که « حزب نتوانست از قادر آنچنان مارکسیست لنینیست اصولی بسازد که بتواند در برابر هرگونه اثرگذاری منفی ایستادگی کند. این اشتباه ما بود.»

پوزانوف قسماً با نتیجه گیری امین موافق بود و این را به ماسکو اطلاع داد. « به عقیده ما قادر از نظر سیاسی پختگی لازم را نداشت. وی به ماجراجویی متمایل و کمی هم ناخرد بود. » . سفیر شوروی اقدامات رهبران ح.د.خ.ا. را که « به عقیده سفارت باعث تقویت دولت انقلابی شده و بر نفوذ حزب در نیروهای مسلح افغانستان خواهد افزود» موجه دانست.

پیش از این که پونا ماریف سفر غیر رسمی به کابل انجام دهد، تره کی و امین شتابزده اقداماتی روی دست گرفتند تا اشخاصی را که رقیب بالقوه در برابر قدرت خود می دانستند از سر راه خود دور سازند. دستگیری های دسته جمعی و تدابیر سرکوبگرانه علیه رقیب شخصی در حزب و در بیرون از آن راه افتید. شخصی به نام میر علی اکبر ( 74 ) که تره کی با او دشمنی شخصی داشت، متهم به همکاری با سی آی ای شد. در چند ماه اول پس از کودتای ثور ۲۷ «توطئه» کشف گردید. شاهپور (75) لوی درستیز به روز ۱۵ اگست دستگیر گردید. به روز ۱۷ اگست عبدالقادر وزیر دفاع و به دنبال وی شماری از وزرا و مامورین دیگر دستگیر گردیدند. پالیسی تره کی و امین مبنی بر از بین بردن کسانی که بر سر راه تمرکز همه قدرت به دست خود شان قرار داشتند و نامناسب پنداشته میشدند، اکنون روشنتر از آفتاب شده بود. در افغانستان پنداشت آن بود که رهبری شوروی به آنها خیانت می کرد، چون اتحاد شوروی یار و یاور این کشور بود ولی در برابر از میان برداری و نابودسازی کسانی که هواخواهی شان از اتحاد شوروی بر همگان آشکار بود، هیچ گونه حرکت بازدارانه و جلوگیری کننده انجام نمی داد (76). مثال و نمونه چنین پنداشته قضیه قادر بود که در کودتا های 1973 و (77) 1978 نقش داشت.

به گفته تره کی، آنانی که دستگیر میشدند، در زندان خاصی نگهداری میگرددند، اما کمتر کسی میدانست این زندان خاص در کجاست. تره کی به سفیر شوروی پوزانوف گفت: « اکثر آنها در آستانه خودکشی قرار دارند هدایت (78) قبلاً خودکشی نموده است. توطئه گران نمی خواهند فاکت های جدیدی را افشا کنند ، بنابر آن حاضرند خود را بکشند (79) . قادر هنوز اعتراف نکرده است ، لاکن به چندین اشتباهی که مرتکب شده اقرار نموده است . اکنون هدف آن است تا رهبری سیاسی توطئه کشف گردد و دانسته شود که پشت سر شاهپور و قادر کی ایستاد است؟ مطمئن هستیم که به این کشف نایل خواهیم آمد.»

شاهپور در وضعیت روانی خیلی افسرده و اندوهگینی قرار داشت. پیوسته می گریست و می خواست هرچه زودتر اعدامش کنند. عزیز، رئیس دستگاه ضد جاسوسی، محرمانه گفته بود که بازجویی و تحقیق صرف هنگامی انجام می شود که متهم حاضر به شهادت دادن بر متهمان دیگر باشد. باقی دستگیرشدگان اعدام میشدند. پیروان خمینی و اعضای سازمان اخوان المسلمین بلافاصله اعدام می گردیدند.



دادند (82). آنها شایعاتی را در اردو دامن میزدند که گویا پرچمی ها کنترل ح.د.خ.ا. را بگونه موقتی به دست گرفته بودند. خلقی ها در تعویل اوامر قوماندانان کارشکنی کرده و کار زار ضد حکومتی را پیش میبردند.

کارمل به خاطر موضعگیری رفقای شوروی اش از ترس در برابر تره کی زهره آواز بالا کردن نداشت. صحبت هایی که کارمل با شورویها داشت به وی نشان داد که شورویها خط معین و مشخصی در قبال مسائل ح.د.خ.ا. اتخاذ نکرده بودند و تصویر واقع بینانه یی از حقایق و فاکت ها نداشتند و مشوره هایی که می دادند اکثراً متناقض میبود.

کی جی بی چند بار از طریق نماینده خود از حفیظ الله امین که کنترل ارگانهای امنیت دولتی را به دست داشت، خواست تا به پیگرد چندین ایجت کی جی بی و ارتباطی های مورد اعتماد آن که از طرف مقامات به فعالیتهای ضد دولتی متهم شده بودند خاتمه داده سوژن عدم وفاداری سیاسی را از آنها دور کند و آنها را رها سازد. به امین گفته شد که این اشخاص برای استخبارات شوروی کارهای درخور انجام می دادند و از این طریق به انقلاب دموکراتیک مردم در افغانستان کمک کرده و دوستی بین خلقهای اتحاد شوروی و افغانستان را تقویه میگردند. کسانی که در این زمینه از آنها نام برده میشد مشتمل بودند بر حسن شرق معاون صدارت در وقت داود، عبدالصمد ازهر رئیس پیشین ژاندارم و پولیس وزارت داخله، محمد رفیع (83) عضو پیشین شورای انقلابی و وزیر اسبق وزارت فواید عامه، عبدالسلام وزیر سابق تجارت، عبدالقادر وزیر دفاع و چندین تن دیگر. اسدالله رئیس امنیت ملی (84) در پاسخ به یکی از چنین تقاضاها به نمایندگی از امین گفت که « زندگی بعضی اشخاص دستگیر شده که با شما ارتباط داشتند، بخشیده خواهد شد. شاید در ظرف پنج سال رها گردند.» امین خودش چنان می نمود که آماده است آنده شهروندان افغانی را که رفقای شوروی با آنها شناخت نزدیک داشتند و دوست اتحاد شوروی شمرده می شدند از بند رها سازد، اما در عین زمان این سرزنش را نیز گوشزد میکرد: « در این کشور دستگاه جدید دولتی در حال ساختمان است و تغییرات اجتماعی اقتصادی در دست اجراست. برخی کارشناسان شوروی بخصوص آنانی که از مدت سالها بدینسو در رژیم گذشته در افغانستان کار کرده بودند و حالا به این کشور برگشته اند، اکثراً این کشور را با دید سابق می نگرند و آنچه را که در این کشور می گذرد با دید عینی نمی بینند.» (85)

امین به پوزانوف و خزاروف (80) اطمینان داد که وی همواره با خشنودی حاضر است مشوره دوستان شوروی خود را بپذیرد و از تجربیات حزب کمونیست اتحاد شوروی بیاموزد، چون مبارزه با پرچمی ها همانند مبارزه میان بلشویکها و منشویکها بود.

تره کی پس از سر به نیست کردن رقبا و استحکام نفوذ خود در پی آن شد تا خود را مردم پسند سازد. بدین منظور شروع کرد تا روزهای جمعه به مسجد رود و بیانیه های رادیویی خود را با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز کند. براساس تخمین اقامتگاه کی جی بی در آستانه کودتای ثور، 500 تن از اعضا و 1200 تن از هواخواهان جناح پرچم در اردوی افغانستان وجود داشت. ارقام همخوان برای جناح خلق 470 عضو و 1100 هواخواه بود. در بین افراد ملکی 5500 تن پرچمی و کمتر از 100 تن خلقی وجود داشت. در اخیر ماه جون 1979 ح.د.خ.ا. 14000 تن عضو ملکی و 3000 عضو نظامی در قوای مسلح داشت.

قدرت حزبی در دستان تره کی و امین، که نمی خواستند به شیوه رهبری جمعی اداره کشور تغییر روش دهند، متمرکز بود. آنها اتوریته حزب را پایین آورده و هرگونه ابتکار از جانب شورای انقلابی، کمیته مرکزی و هیئت وزرا را رد میکردند. اصول مارکسیستی لنینیستی زندگی حزبی و اعمار دولت متروک شده و کیش شخصیت تره کی - امین تلقین و القا میگردد. اقامتگاه کی جی بی بیشتر از این متوجه شده بود که امین تره کی را با لنین مقایسه میکرد، تاریخچه ح.د.خ.ا. در کل تحریف گردیده و حوادث 27 و 28 اپریل 1978 به مثابه الگو و نمونه یی برای انقلاب تعریف میگردد. در ضیافتی که به افتخار هیئت بازدیدکننده کی جی بی به ریاست و.ا. کریوچکوف (81) رئیس ریاست عمومی اول کی جی بی ترتیب شده بود، تره کی انقلاب ثور افغانستان را با انقلاب اکتوبر روسیه همسان خواند: قدرت به سرعت ربوده شده بود، در روسیه بلشویکها علیه منشویکها و سوسیال ریولوسیونرها می جنگیدند و در افغانستان بخاطر تشکیل یک حزب واحد و متحد مبارزه و پیکار صورت میگرفت. وی گفت: « ما به تجربه سیستم چند حزبی در برخی کشورهای سوسیالیستی احترام میگذاریم، لاکن ترجیح میدهیم نمونه اتحاد شوروی را سرمشق قرار دهیم. آنچه در افغانستان میگذرد سرآغاز دیکتاتوری پرولتاریا براساس الگوی شوروی است.»

بعدها، در جنوری 1981، اقامتگاه به مرکز نوشت که برخی اعضای جناح خلق همچنان به تجلیل کیش شخصیت تره کی و تمجید نقش وی در پی ریزی ح.د.خ.ا. ادامه می



هنګام بازجویی و شکنجه چیزی برای گفتن نداشتند «سرسپرده»  
میخواندند و تا سرحد مرگ شکنجه می کردند و اگر زنده میماندند محکوم  
به اعدام می نمودند. - برگرداننده

80- V.I.Khazarov هویت و نقش این شخص توضیح نگردیده است.  
- برگرداننده

81- V.A.Kryuchkov

82- تره کی در سال 1979 کشته شده بود. (یادداشت ویرایشگر نسخه  
انگلیسی)

83- دگر جنرال محمد رفیع، عضو جناح پرچم ح د خ ا، وزیر فواید عامه  
از ماه می تا اگست 1978، سپس تصفیه گردید. در حکومت کارمل به  
سمت وزیر دفاع گماشته شد (1980 - 1982، 1986 - 1988)، عضو  
دفتر سیاسی از 1981 به بعد. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

84- منظور اسدالله سروری رئیس آگسا است. - برگرداننده

85- گفتار امین گوپی این مطلب را القا می کرد که حضور کی جی بی به  
حیثیت افغانانی که در گذشته با کی جی بی مناسبات و روابط ایجنت با  
کارانداز را داشتند و اکنون راجل سیاسی و دولتی شده بودند لطمه وارد  
میکرد. (یادداشت نویسنده)

86- سلطان علی کشته شد، عضو جناح پرچم و وزیر پلان در اولین کابینه  
ح د خ ا. پس از انقلاب ثور یکجا با دیگر سربرآوردگان پرچم تصفیه  
گردید و محکوم به مرگ شد. حکم اعدامش بعدتر به 15 سال زندان  
کاهش داده شد. پس از اینکه ببرک کارمل به قدرت برگشت عضو دفتر  
سیاسی ح د خ ا گردید و سال بعد به نخست وزیری گماشته شد  
(1981-1988). (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

87- 6 اگست 1978 مطابق است با 15 اسد 1358 در روز پیشتر  
یعنی 14 اسد 1358 قیام نظامی بالاحصار راه افتاده بود که توسط دولت  
تره کی - امین ددمنشانه سرکوب گردید. - برگرداننده

\*\*\*\*

تغییر بنیادی جامعه سرمایه داری امپریالیستی بدون انقلاب  
قهری کمونیستی کارگران و زحمتکشان متحد، منضبط و  
مسلح ممکن نیست.

عید مردم روز آزادی کشور است.

که مردم مظلوم آزاد و مصون بدون هراس از گرسنگی و  
تشنگی آنرا تجلیل نمایند.

پوزانوف به نمایندگی از بالا دستان خود، از تره کی خواست  
تا کشته شوند. (86) و قادر که هر دو بازداشت شده بودند،  
اعدام نگردند. تره کی جواب داد: «گناه شان خیلی بزرگ  
است. آنها وارد معامله می شدند و توطئه می را به کمک  
ایالات متحده و چین سازمان دادند. من می پذیرم که سرکوب  
سلاحی بس نهایی و وخیم است، اما لنین به ما آموخت که  
در برابر دشمنان انقلاب بی رحم باشیم. میلیونها نفر مجبوراً  
محو گردیدند تا انقلاب اکتوبر استحکام یافت. اگر از این  
سلاح قاطعانه کار گرفته شود، چنانکه در شورش دیروز کار  
گرفته شد، نتیجه آن واضح است». این گفت و شنود به روز  
6 اگست 1979 صورت گرفت (87).

ادامه دارد...

\*\*\*

70- A.G.Polyako هویت و مقام این شخص را نویسنده توضیح  
نکرده است - برگرداننده

71- Rostislav A. Ulianovsky معاون رئیس شعبه بین المللی  
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی. (یادداشت ویرایشگر نسخه  
انگلیسی)

72- منظور رشوه از جانب خلقی هاست - برگرداننده

73- چنانکه در پیشگفتار این ترجمه مختصراً تذکر رفت، رساله «کی  
جی بی در افغانستان» در کل مجموعه تدوین شده سیاه نویسی هاست که  
کمتر معروض پژوهش و ویرایش مسلکی قرار گرفته است. یک مورد  
نمونه همین است. در متن انگلیسی که از روی نسخه دستنویس روسی  
برگردانی و تهیه گردیده است، این نام به شکل Khamil Turabaz  
آمده که دقیقاً نمی توان دانست منظور «جمیل طره باز» است یا احیاناً  
«خلیل طره باز» و یا هم «کامل طره باز» - برگرداننده

74- بعدها شناسایی شد که رئیس شفاخانه جمهوریت بود - (یادداشت  
ویرایشگر نسخه انگلیسی)

75- تورن جنرال شاهپور احمدزی (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)  
76- درین جا منظور نویسنده از «افغانستان» اعضای ح د خ ا و  
بخصوص پرچمی است چون مردم افغانستان از ماهیت ح د خ ا یاری و  
یآوری اتحاد شوروی درک و برداشتی غیر ازین داشتند. - برگرداننده  
77- یعنی کودتاهای 26 سرطان 1352 و 7 ثور 1357 - برگرداننده

78- احتمالاً دگرمن هدایت معاون حربی پوهنتون - برگرداننده

79- منطق دژخیمان 7 ثوری همواره چنین بوده است. آگسای ها و  
خادیسیت های داکتر نجیب الله نیز اشخاص بی گناهی را که از بی خبری در



20



پروژه ی امپراتوری آمریکا

بازی شیطان  
جلد اول

چگونه ایالات متحده آمریکا بند از پای اسلام بنیادگرا گشود.  
رابرت دریفوس  
مترجم فریدون گیلانی

پیوسته به گذشته



(15) تمهیدی مشابه را هم محمد رضا پهلوی در ایران اندیشیده بود و دوربین ها مدام او را در حال طواف کعبه و زیارت حرم امام

رضا و مراسم تاسوعا و عاشورا در کاخ گلستان و صحنه هائی نظیر آن ، نشان می دادند - م )

دسته های موسوم به جامعه اسلامی دانشجویان ، ( مشابه انجمن های اسلامی دانشجویی که از بدو تصرف ایران به وسیله ی اسلامیت های تحت رهبری روح الله خمینی از همان سال 1357 شمسی برابر با 1979 میلادی تاسیس شدند و کین توزانه به نیروهای کمونیست و دموکرات ایران تاخند - م ) در پشت صحنه مورد حمایت پلیس مخفی انور سادات بودند . ( همین امتیاز را هم انجمن های اسلامی دانشجویان در ایران پس از قیام ضد سلطنتی داشتند و خیلی هاشان ، بعدها به خیل بازجویان و شکنجه گران و ترکیب رهبری سیاسی و سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و کابینه های مختلف پیوستند و یکی شان هم به نام محمود احمدی نژاد که انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت را اداره می کرد و بعدها از فرماندهان سپاه و شکنجه گران سرشناس از کار در آمد ، از طرف رهبری اسلامی ، ظاهرا از مجرای انتخابات فرمایشی ، به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب شد - م ) « که پل » می نویسد :

« پس از دسامبر 1972 ، وضع و حال دانشجویان اسلامی بهتر شد . آنان ، سرانجام راز موفقیت را پیدا کردند : همکاری تاکتیکی و کاملا محاسبه شده با رژیم مصر برای در هم شکستن سلطه ی دانشجویان چپ بر محیط دانشگاه ها . (16) مثل گروه های اسلامی در سایر نقاط ، تاکتیک انجمن های اسلامی دانشجویی که با دست پر عمل می کردند ، روش های خشونت بار ، تهدید و ارباب علیه مخالفان بود . این گروه های اسلامی ، اغلب از حمایت بی دریغ مالی ی عربستان سعودی و بازارهای جناح راست مصر برخوردار می شدند.» که پل می نویسد :

## 6

### جامعه اسلامی

در طول یک دهه ، اخوان المسلمین دچار بیماری گسترده ی انشعاب شد و جریان های مختلفی از دل آن سازمان در آمدند که به رقابت با یکدیگر پرداختند . اما دست کم در ظاهر قضیه ، تمایلی به تعادل از خود نشان داد . مسنولان قدیمی تر سازمان که به عربستان سعودی گریخته بودند ، با ثروتی کلان و رابطه ی تجاری تنگاتنگ ، به مصر بازگشتند . در نقطه ی مقابل ، اعضای خشمگین جوان ، بخصوص جوانان دانشجو ، باشگاه ها و سازمان های کوچک تر اخوان را سازمان دادند . این گروه ها ، در حمایت کامل سادات و سرویسهای اطلاعاتی - امنیتی ، به سرعت تکثیر شدند و دیری نپایید که به جامعه ی اسلامی شهرت یافتند.(14) چون انور سادات سازمان اخوان المسلمین را رسماً قانونی اعلام نکرده بود ، به هر حال جنبش بدون رهبری مرکزی گسترش یافت.

برای رهبر مصر، حمایت از رشد گروه های موسوم به «جامعه ی اسلامی» در دانشگاه ها ، راه دیگری برای استفاده از اسلام در تحکیم قدرت بود . بنا به گزارش جان اسپوسیتو : « برای برون رفت از زیر سایه ی ناصر ، سادات خط را تغییر داد و به دامن اسلام پناه برد.» اسپوسیتو می افزاید :

سادات عنوان رئیس جمهوری دیندار را به خود بسته بود تا راهی برای تبدیل شدن به خلیفه و فرماندهی عالی متدین برای خود پیدا کند. سخنرانی هایش را ، با آیه های قرآن شروع می کرد و به پایان می برد . تلویزیون ، مدام چهره ی او را در مساجد نشان می داد و دوربین ها در نماز جماعت ، روی او که در صف مقدم بود، متمرکز می شدند.



نخستین اردوگاه که در تابستان 1973 در قاهره برپا شد ، انور سادات نماینده ی بلند پایه ای فرستاد تا بدین وسیله علامت بدهد که رژیم پشتیبان آنان است . این گونه اردوگاه ها ، با سرعت دم افزائی ، تا سال ها برپا شدند . در سال 1974 ، قانون مدیریت اتحادیه دانشجویان مصر را به رسمیت شناخت تا بدین وسیله ، جامعه ی اسلامی قانونا بر این نهاد پر اهمیت مسلط شود . یک حکم دولتی تصریح کرد که مهمترین مقصود اتحادیه های دانشجویان، باید « **تعمیق ارزشهای دینی میان دانشجویان** » باشد . تسلط اتحادیه های دانشجویی ، تازه یکی از موارد سیاست جدید بود . بنا به این سیاست ، عنقریب انجمن های حرفه ای پزشکان ، وکلا ، مهندسان و نهادهای مشابه سقوط می کردند ، و برج و باروی دانشگاه الازهر دویاره به اشغال طیف راست در می آمد و نقشی که این مرکز در ایجاد و توسعه ی تعادل نوعی مرکز اسلامی غیر بنیاد گرا داشت ، از بین می رفت . در سال 1973 ، مجمع جهانی اسلام ، به مثابه ابزار قدرتمندی برای کوشش جدی عربستان سعودی در جهت توسعه ی اسلام ، مرکز قدیمی الازهر را هدف گرفت تا آن را به صورت یکی از اقمار وهابی گری در آورد . (19) در همان سال ، انور سادات هم معاونت جدیدی را در امور مذهبی برای نخست وزیر ایجاد کرد و به تاسیس کمیته عالی قانون اساسی بر اساس شریعت پرداخت . اسلامیت ها لایحه ی ممنوعیت مصرف الکل را به مجلس ملی دادند که در آن قید شده بود مصرف الکل مستوجب تنبیه شرعی است و در مدارس باید تعهد آموزش دینی به وجود آید . (20)

« **عبدل منعم سعید** » مدیر مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک روزنامه الاهرام ، در مقام ناظر هشیار آن زمان ، می گوید نفوذ عربستان سعودی در اوائل دهه ی هفتاد ، در مصر بسیار گسترده بود . بسیاری از مصری هائی که برای کار به عربستان سعودی می رفتند ، در بازگشت تحت تاثیر الهیات محافظه کار وهابی قرار می گرفتند . عربستان سعودی ، هم چون این بنیادها و موسسات مصری را به

« **جماعت اسلامی** از مجموعه ی انجمن های اسلامی دانشجویان تشکیل شد ( مثل دفتر تحکیم وحدت در حکومت اسلامی ایران - م ) که در دوران ریاست جمهوری انور سادات، نیروی مقتدر و مسلط محیط های دانشگاهی مصر بود. آنان جنبش اسلامیت را با تکیه بر سازمان های پرجمعیت برپا کردند . چیزی نگذشت که جماعت اسلامی سرود (دموکراسی ! ) را در تظاهرات دانشجویی سرداد ، منتها با شعار **الله اکبر !** » چند سال بعد ( که تقریبا مقارن می شود با انقلاب اسلامی 1979 میلادی - 1357 شمسی در ایران . در رابطه با این شباهت صد در صد ، شما را مراجعه می دهم به کتاب شبیخون تاتارها به قلم مترجم همین کتاب که خاطرات فروردین و اردیبهشت سال 59 شمسی در رابطه با آغاز شوم انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی است ، اما در سال 1991 میلادی در آلمان منتشر شده است - م ) گروه های جامعه اسلامی مهار امور دانشگاه های مصر را به کف گرفتند و گروه های جناح چپ را مجبور کردند مخفی شوند . (17)

یکی از مشاوران عالی انور سادات ، نقش بسیار حساسی در رشد و تحرک جامعه اسلامی به عهده داشت . محمد عثمان اسماعیل ، که سابقا وکیل بود ، در سال 1971 تنگاتنگ با رئیس جمهوری مصر کار می کرد و در چنین رابطه ای بود که مخالفان سادات در جناح چپ را قفل کرد . « اسماعیل از اواخر سال 1971 پدر خوانده ی جماعت اسلامی در قاهره و از اوایل سال 1973 پدرخوانده ی آنان در سراسر مصر مرکزی بود. » (18) در سال 1973 ، اسماعیل به فرمانداری «اسیوت» گمارده شد که از مراکز قدرتمند اسلامیت ها بود. از همین پایگاه بود که جمعیت های اسلامی را به « نبرد علیه کمونیست ها » فراخواند . در یاد بود روزهای آغازین اخوان ؛ که در جریان آن تشکیلات تروریستی این سازمان در اردوگاه های ورزشی برای پسران و مردان جوان رشد کرد . یعنی در دوره ی دهه ی هفتاد ، جامعه ی اسلامی با حمایت های دولتی اردوگاه ها تابستانی را سازمان داد . به



21

### ندای یک مادر داغدار

سید مهدی سادات پسر من بود با ضربه چاقو کشت شده  
است عکس یادگاری اش در دستم است سید مریم سادات.

دستم هنوز بوی تو را کم نکرده است

این خانه بی صدای تو آدم نکرده است

رفتی و بعد رفتنت انگار ناگهان

دنیا برای قلب من آرام، سرد شد

گفتم که صبر می کنم اما نشد، نشد

چشمم به در، بهانه ی یک "برنگشت" شد

لالایی نگفته هنوز روی لبم

گهواره خالی ست و دلم بی سبب غم است

هر شب صدای خنده ی تو می رسد به خواب

اما دریغ... سهم من از خواب هم کم است

پیرم نکرد داغ زمان، این فراق کرد

مادرم و شکستم از این درد بی امان

گفتم خدا خودش به دلم صبر می دهد

اما کجاست صبر؟ تو بودی تمام جان...



لحاظ مالی تقویت می کرد . « این وضع ، الازهر را به  
راست کشید که نتیجه اش انتشار نقطه نظرهای راست  
افراطی بود. بسیاری از سازمان های غیر دولتی عربستان  
سعودی ( NGO ) ، به مساجد مصری پول می دادند که این  
رابطه ، مسجدها را به راست سوق می داد . « البته بسیاری  
از روزنامه نگاران مصری هم ، محرمانه حقوق بگیر  
سعودی ها بودند »

بنا به این اظهارات ، نفوذ سعودی ها بر قوانین مصر نیز اثر  
گذاشت . « تفکر و شیوه ی قضائی این کشور معتدل و غیر  
خرافی بود . منعم سعید می گوید : « اما از دهه ی هفتاد ،  
مصری هائی که در خلیج بودند ، شروع کردند به بازگشت و  
آوردن تفسیرهای ارتجاعی از قانون. درک مصر از  
عربستان سعودی نیز ، در حال تغییر بود . عربستان سعودی  
همیشه نگران ضربه خوردن از جانب مصر بود . حال اما ،  
قضیه درست به عکس شده است. عدالت اجتماعی تغییر  
کرده است ، روش تفکر در مورد زندگی ، و درباره جدا  
کردن زن و مرد ، طور دیگری شده است . « (21)

\*\*\*

منابع :

14 . در زبان عربی جماعت اسلامیة .

15 . جان اسپوسیتو ، جنگ نامقدس : ترور به نام اسلام ( نیویورک :

انتشارات دانشگاه آکسفورد ، 2002 ) ، ص. 86

16 . کیپل ، ص. 133

17 . همان ماخذ ، ص. 129

18 . بسیاری از اطلاعات و نقل قول ها در این فراز ، از صفحات 133

تا 140 کتاب کیپل برداشت شده که کار او در زمینه اسلامیسیم در این  
دوران ، قاطعیت دارد

19 . شولتز ، ص. 201

20 . دانیل پاییس ، در باریکه راه خدا ( نیویورک ، Books Basic

1983 ) ، ص. 209

1 . عبدل منعم سعید ، مصاحبه با مولف ، ژوئیه 2004

\*\*\*



ایمیل آدرس :

[jaswrshja66@gmail.com](mailto:jaswrshja66@gmail.com)

[ks4920326@gmail.com](mailto:ks4920326@gmail.com)

وبسایت :

<http://www.afghanpf.com>

فیسبوک :

[جبهه مردم افغانستان " جما " Afghanistan People's Front](#)

[جبهه مردم افغانستان " جما " Afghanistan People's Front](#)

گروپ آموزش و پرورش جوانان "جما"